



Syndicate Of Iran Construction Companies Monthly Magazine

۳۳۹

ارگان رسمی سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

PAYAM-E-ABADGARAN

سال ۳۲ | بهمن ماه ۱۳۹۴ | شماره ۳۳۹ دوره جدید ۱۰۹ | قیمت ۲۰۰۰۰ ریال | No. 339, bahman 1394 (Feb. 2016)

میزبانی سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران از هیأت اقتصادی ایتالیا

۲۰



انتخابات مجلس
و انتظارات
بخش خصوصی ۸

نیازمند طرحی نو
در حوزه اقتصاد
هستیم

۱۴

نیاز فوری ایران
به تقویت
حمل و نقل ریلی

۵۰

اتلاف منابع نفتی
کشور با روش های
سنتی راهسازی

۵۲

«برجام ۲»
حزب اقتصادی
می خواهد

۶۳

صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران
مدیرمسئول: مهندس جواد خوانساری

شورای سیاست‌گذاری:

- مهندس منوچهر ملکبانی فرد (رئیس هیات مدیره)
- مهندس بهمن دادمان (دبیر)
- مهندس جواد خوانساری (نایب‌رئیس هیات مدیره و مدیرمسئول)
- مهندس سالار علیاری (خزانه‌دار)
- دکتر ایرج گلابتونچی (عضو هیات مدیره)

رئیس کمیسیون انتشارات: ● مهندس علی ورزنده
سردبیر: ● مهندس محمود مصطفی‌زاده

کمیسیون انتشارات و تحریریه:

- مهندس علی ورزنده (رئیس کمیسیون انتشارات)
- مهندس کاظم سماک (رئیس کمیسیون اقتصاد)
- مهندس عبدالمجید سجادی (رئیس کمیسیون روابط عمومی)
- دکتر ایرج گلابتونچی (رئیس کمیسیون فنی)
- مهندس سیامک مسعودی (کمیسیون قوانین و مقررات)
- مهندس محمود مصطفی‌زاده (سردبیر)
- مهندس محمد غنی‌زاده (مدیر اجرایی)

همکاران این شماره:

- مهندس علالدین سادات باریکانی
- مهندس فریدون خزاعی ● مهندس پرهام سیدین
- دکتر محمود جام‌ساز ● مهندس عبدالعظیم گلچین
- دکتر محمد مهدی بهکیش
- دکتر محمد مهدی امینی

حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریبا پورآقا

خبرنگار: آرزو نوری

عکس و صفحه‌آرایی: داود خانی

امور آگهی‌ها: شقایق خواجه‌نصیری

لیتوگرافی و چاپ: پیمان نواندیش (۸۸۸۲۸۷۳۴)

تهران، خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر،
خیابان شهید برادران مظفر (صبا جنوبی)، شماره ۸۶،
ک.ب: ۱۴۱۶۹۶۴۶۹۱

تلفن: ۶۶۴۶۴۲۴۱ - ۶۶۴۰۲۰۳۷ - فکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴

پست الکترونیکی: payam.abadgaran@acco.ir

نشانی الکترونیکی: www.acco.ir

به نام
خداوند
جان و
خرد

فهرست مطالب

- انتخابات مجلس و انتظارات بخش خصوصی - سرمقاله ۸
- بررسی بودجه سال ۱۳۹۵ و آثار اقتصادی آن □ مهندس پرهام سیدین ۱۰
- نیازمند طرحی نو در حوزه اقتصاد هستیم □ مهندس عظیم گلچین ۱۴
- گرهمایی پیشگامان صنعت ساخت با موضوع سرمایه‌گذاری در سازندگی زیربنایی، با حضور بخشهای خصوصی و دولتی ایران و ایتالیا برگزار شد ۲۰
- پنج پیش‌شرط رونق اقتصادی - دکتر طهماسب مظاهری، رئیس سابق بانک مرکزی ۳۴
- برگزاری همایش «مطالعات فعالان و سازمانهای مدنی از مجلس آینده» توسط شورای سازمانهای جامعه مدنی ایران در سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران ۳۶
- وضعیت مسکن به کدام سو می‌رود؟ - کمال اظهاری، کارشناس بازار مسکن ۳۹
- توسعه مالیات و سرمایه‌گذاری خارجی جایگزینی برای نفت ۲۷ دلاری ۴۱
- حمیدرضا برادران شرکا، استاد دانشگاه و اقتصاددان ۴۴
- قدمی برای زنده نگه‌داشتن تاریخ شهرها ۴۶
- نقش خصوصی‌ها در تامین مالی خارجی - جمعی از اقتصاددانان ۴۹
- اخبار صنعت ساختمان ۴۹
- سخنرانی دکتر آخوندی در همایش «شهرسازی ریل پایه: توسعه شهری و منطقتی بر مبنای حمل و نقل ریلی ۵۰
- برگزاری همایش ملی مدیریت ساخت و پروژه ۵۲
- چرا وزاری دولت تن به خصوصی‌سازی نمی‌دهند؟ - محمد مهدی امینی ۵۴
- نقش فیلترهای ماشین‌آلات در کاهش آسیب‌های محیط زیستی - سمینار آموزشی سندیکا ۵۷
- گلریزان ۲۰۰ میلیونی در سندیکای شرکت‌های ساختمانی برای رهایی دو محیط‌بان از اعدام ۶۱
- «برجام» حزب اقتصادی می‌خواهد - محمد مهدی بهکیش ۶۳
- برگزاری همایش ملی تحول در فرایند ساخت و ساز با حضور مسولان عالی‌رتبه وزارت راه و شهرسازی ۶۶



نوشته‌های نویسندگان، لزوماً نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار می‌باشد و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه‌سازی آن مجاز است. در ضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود

انتخابات مجلس و انتظارات بخش خصوصی

هزینه‌های سنگینی به طور مستقیم و غیرمستقیم بر کشور حاکم کرد. چه بسا عقب افتادگی بخش خصوصی واقعی و همین طور افزایش موانع کسب و کار و کاهش زمینه رقابت‌های سالم اقتصادی برگرفته از ضعف تفکر اقتصادی کارآمد مجلس باشد.

اما پیش از آنکه بتوان انتظارات بخش خصوصی را مطرح کرد، لازم است بدانیم در چه وضعیتی قرار داریم. همه می‌دانیم و نیاز به تکرار مکرر نیست اما در حد اشاره باید گفت: اکنون کشور با کاهش شدید درآمدهای نفتی، تداوم رکود، نبود نقدینگی لازم در تولید، ضعف شدید سرمایه در گردش فعالان اقتصادی، بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری، بدهکاری بی‌سابقه دستگاه‌های اجرایی به پیمانکاران، احتمال کسری بودجه پنهان و آشکار دولت در سال آینده، تعطیلی بسیاری از بنگاه‌های تولید و نبود چشم اندازی برای ایجاد اشتغال جوانانی که وارد حوزه اشتغال می‌شوند، مواجهه است. به این سیاهه می‌توان تبعات بسیار منفی مفاسد اقتصادی به عنوان میراثی که از گذشته مانده و تبعات آن هنوز ادامه دارد را اضافه کرد. قطعا ظهور و بروز این دسته از آفات و مشکلات اقتصادی گرچه جنبه چند بعدی و چند مجهولی دارند و از ریشه و پیشینه طولانی برخوردارند، اما واقعیت این است که فعالان بخش خصوصی در بخش تولید سخت‌ترین شرایط را می‌گذرانند و اگر راه حلی بتوان برای خروج آنها از وضعیت فعلی یافت، از مسیر بازبینی برخی از رویکردهای کلان نهادهای مهم اجرایی و تصمیم‌گیری به خصوص دولت و مجلس محترم می‌گذرد. در چنین شرایطی، مجلس می‌تواند نقش آشکار و سهم بزرگی در گذر از وضعیت فعلی ایفا کند. بیان انتظارات از مجلس آینده در این چارچوب، رویکرد مهمی است که امید می‌رود مورد توجه نمایندگان محترم قرار گیرد.

اگر پای سخنان و همین طور درد دل کسانی که به هر نحوی با هدف سودمندی برای خود و جامعه مشغول فعالیت اقتصادی و عمرانی هستند بنشینیم، آنها خواهند گفت مجلسی می‌خواهیم که به بخش خصوصی بها دهد. شاید بتوان این

سازد. برای رسیدن به دامنه و قله برجام داخلی، نقشه راهی وجود ندارد جز آنکه قبل از هر چیز موضوعات اصلی و فرعی شناسایی و عزم جدی برای رفع و رجوع آن‌ها شکل بگیرد. بنابراین مقطع پیش از شکل‌گیری رسمی مجلس بعدی، فرصت مناسبی برای یافتن پیش شرط‌های برطرف سازی موانع پیش روی فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران است. به عبارت دیگر، در شرایطی که کشور از برهه زمانی مخاصمه با دنیا عبور کرده و توانسته با حفظ عزت خود تعامل باب تازه‌ای را با کشورهای صاحب تکنولوژی و سرمایه بگشاید، فرصت‌های جدیدی برای توسعه روابط اقتصادی با دنیا فراهم شده که شرط بهره‌مندی از آن، شکل‌گیری گونه‌ای از تفاهم بر اصول و الزامات تقویت فعالان داخلی است، تا چنین نشود، برجام دیپلماسی به اقتصاد داخلی امتیاز ویژه‌ای نخواهد داد.

برای این منظور، هم باید وضعیت موجود را شناخت و هم باید وضعیت مطلوب را تعریف کرد. برای آنکه در توصیف وضعیت مطلوب دچار چالش تفسیر‌گرایی نشویم و هر کس از ظن خود با چشم انداز و نیازهای رشد و سازندگی کشور یار نشود، لازم است که توافق‌های اولیه پیرامون پدیده‌ها و مسائل اصلی جامعه و همچنین راه حل و راهکارها در سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور ایجاد شود. از این منظر بیان دردها، مشکلات و نیازها از سوی تشکل‌ها، سازمان‌ها و فعالان اقتصادی، تولیدی و... امری مبارک و قدم بزرگی برای مهیا کردن شرایط مناسب تصمیم‌گیری و اصلاح رویه‌ها و قوانین ناکارآمد و یا تاریخ گذشته است. آنچه در این مقال می‌توان پرداخت طرح مطالبات و انتظارات بخش خصوصی از پارلمان آینده است. نباید از نظر دور داشت که مجلس در دوره‌های اخیر نه تنها به توقعات کارشناسان پاسخ درخوری نداد، بلکه در مواقعی تحت تاثیر پارادایم پوپولیسم در حوزه اقتصاد و سیاست

اکنون که انتخابات مجلس دهم شورای اسلامی برگزار شده و خرداد ماه سال آینده چهره‌های جدید برکرسی‌های نمایندگی مردم خواهند نشست، امید است این تغییر و یا به تعبیری خانه‌تکانی در نهاد مردمی به افزایش کارآمدی و درپیی آن به تقویت نظام تصمیم‌گیری کشور تعمیم پیدا کند. بر پایه تجربه‌های موجود خودمان و همچنین مطالعه پیشینه عملکرد نظام‌های توسعه یافته اقتصادی، انتخاب و تعیین معیارهای گزینش جریان‌های سیاسی و اقتصادی به هنگام حضور در صندوق‌های رای تنها یک گام به سوی هدف مطلوب و معین است. حال که نتایج آرای مردم نشان می‌دهد، میل و عطش مردم به تغییر وضع موجود به معنای یافتن راهکارهای پایدار برای غلبه بر غول مشکلات انباشته شده، بیش از هر زمان دیگری شدت گرفته، گام دوم آن است که نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد با دسته‌بندی و اولویت‌بندی مسائل موجود نظام تصمیم‌گیری کشور را در یافتن آن و نشان دادن راهکارهای موثر یاری کنند. با توجه به رکود حاکم بر بخش وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی و سازندگی کشور و تضعیف شدید بخش خصوصی در سال‌های اخیر، طرح انتظارات و توقعات صاحب‌نظران از مجلس دهم در این مقطع اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا طرح این مطالبات می‌تواند در سازماندهی و چینش کمیسیون‌ها و فراکسیون‌های پارلمان موثر شود، چرا که اسباب تفکر جریان‌های سیاسی و اقتصادی، چهره‌های موثر، با تجربه و دلسوز مجلس برای رفع این موانع بسیار مفید است. چه بسا آغازی بر شیوه تفکر جدید در بین نمایندگان محترم گردد. از سوی دیگر، برجام دیپلماسی، تازه به پایان رسیده و برای نتیجه از برجام خارجی، نیازمند برجام داخلی هستیم. یعنی یک برنامه اجرایی که موانع تولید، رونق اقتصادی و رشد و سازندگی کشور را برطرف



مطالبه را مهمترین موضوع بخش خصوصی در حال حاضر دانست. چرا که پس از سال‌ها خطا و آزمون، اقتصاد کشور نیازمند مجلسی پویا و با اشراف بر زیر و بم مسائل اقتصادی است تا فضا را برای فعالیت بخش خصوصی باز کند و به این بخش بهاء بدهد. اما ترجمان بها دادن چیست؟ آنچه در ذیل اشاره می‌شود بخشی از این انتظارات است که در اولویت قرار دارند.

۱- مجلس شورای اسلامی در این چهار سال نقش بسزایی در تنظیم شرایط داخلی کشور دارد تا زمینه برای استفاده حداکثری از فضای پس‌ابرجام فراهم شود. ناهنجاری‌های فضای کسب و کار کشور مسیر فعالیت بخش خصوصی را سخت و تنگ ساخته است. بسیاری از این ناهنجاری‌ها ناشی از چند سال محاصره و تحریم است که باعث شده قوانین بازدارنده و انقباضی داشته باشیم. حال آنکه در شرایط کنونی و دوران پس‌ابرجام دیگر نیازی به این قوانین نیست و این در حیطه وظایف مجلس شورای اسلامی است که قوانین مضر را از فضای اقتصادی کشور حذف کند. توقع گزافی نیست که مرکز پژوهش‌های مجلس در یک بازه زمانی مشخص با همکاری تشکل‌های بخش خصوصی به شناسایی موانع فعالیت آن‌ها بپردازد و آنرا در قالب یک طرح دقیق به مجلس ارائه کند تا به یکباره مشکلات این بخش برطرف شود.

۲- مساله دیگر آن است که طی چند سال اخیر بخشی به نام خصولتی‌ها در اقتصاد ایران شکل گرفته که بسیار هم قوی شده، این لایه نه دولتی است و دیوان محاسبات کشور می‌تواند روی آن نظارت کند و نه مانند بخش خصوصی رفتار می‌کند. بلکه از رانت‌های آشکار و پنهان برخوردار است و مانند بخش خصوصی تابع چارچوب‌های رقابت سالم و شایستگی نیست. این لایه با توان مالی و سیاسی از انحصار و رانت بالایی استفاده می‌کند و زمینه فعالیت بخش خصوصی را گرفته و بخش‌های عمده ای از اقتصاد کشور را در دست دارد. آه و فغان از خصولتی‌ها چنان است که صاحب نظران وجود آنرا خطری برای اقتصاد سالم و شفاف می‌دانند اما مجلس گذشته بدین هشدارها توجه چندانی نکرد. اکنون اگر قرار است به سمت بخش خصوصی واقعی برویم، مجلس می‌تواند با تدوین قوانین و تقویت نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی کمک کند که لایه خصولتی از وضعیت حیات دوزیستی خارج و به سمت و سوی بخش خصوصی واقعی هدایت شود. غفلت از تعیین تکلیف خصولتی خسارات زیادی بر کشور وارد خواهد آورد. فراموش نکنیم

که با کاهش قیمت نفت، - براساس پیش‌بینی‌ها در سال میلادی آینده قیمت نفت در حدود ۲۰ تا ۳۵ دلار خواهد بود - دولت دیگر نمی‌تواند به درآمدهای نفتی اتکا کند، بنابراین مجلس آینده که در آن حامیان گفتمان توسعه و تدبیر از جایگاه قابل توجهی برخوردار گشته و می‌خواهد به یاری دولت در گره‌گشایی از مشکلات معیشتی مردم بشتابد، می‌تواند فضای فعالیت بخش خصوصی را فراهم کند تا این بخش هم اقتصاد کشور را بچرخاند و هم با پرداخت مالیات به دولت کمک کند. تنها در این شرایط رفاه و معیشت برای مردم فراهم می‌شود و از این مشکلات اقتصادی رها می‌شویم.

۳- خواسته مهم دیگر بخش خصوصی از مجلس آینده، تجدیدنظر اساسی درباره قانون رفع موانع تولید است. با توجه به اینکه از زمان طرح و بررسی این قانون تا تصویب آن در مجلس نهم بیش از سه سال طول کشید و با توجه به اینکه سرعت مشکلات از سرعت مصوبات بیشتر است، به عقیده فعالان بخش خصوصی این قانون مشکلی را حل نکرده و ضرورت دارد تجدیدنظر عاجل اما با مطالعه و نظر خواهی از فعالان بخش خصوصی در آن صورت بگیرد. وجود موانع پر شمار بر سر راه تولید و عمران کشور به ویژه در نقاطی که بخش خصوصی فعالیت دارد، زبان عظیمی متوجه اقتصاد کشور کرده و ریسک هر گونه فعالیت و سرمایه‌گذاری را به شدت بالا برده است. این موانع هم انگیزه فعالان داخلی و هم سرمایه‌گذاران خارجی را می‌کاهد. مجلس دهم شاید خدمتی بزرگتر از این نتواند به اقتصاد کشور بکند که با تدوین قوانین لازم و بخصوص حذف مقررات دست و پاگیر، فعالیت اقتصادی را تسهیل بخشد. در یک کلام باید گفت مجلس آینده باید دست تولیدکننده، کارآفرین و فعال

فعالان بخش خصوصی در بخش تولید سخت‌ترین شرایط را می‌گذرانند و اگر راه حلی بتوان برای خروج آنها از وضعیت فعلی یافت، از مسیر بازبینی برخی از رویکردهای کلان‌نهاد‌های مهم اجرایی و تصمیم‌گیری به خصوص دولت و مجلس محترم می‌گذرد. در چنین شرایطی، مجلس می‌تواند نقش آشکار و سهم‌بزرگی در گذر از وضعیت فعلی ایفا کند



اقتصادی را به بهترین شکل بگیرد و در برابر فعالان اقتصادی، کارآفرینان و تولیدکنندگان که سرمایه‌های خود را در صنعت بکار گرفته‌اند و اما اکنون زمین گیر شده‌اند، احساس مسئولیت کند.

۴- انتظار دیگر از نمایندگان مجلس دهم این است که در اقتصاد کلان به دولت کمک کنند زیرا با توجه به اینکه دولت به تنهایی نمی‌تواند کارهای کلان و موثر را پیش ببرد، مگر اینکه مصوبات اساسی توسط نمایندگان تصویب شود، بنابراین این انتظار از مجلس وجود دارد که در مسائل کلان اقتصادی مثل دیپلماسی اقتصادی و تعامل با جهان و به خصوص آنچه در ارتباط با بحث برجام رخ داده، به کمک و یاری دولت بیاید. برخلاف مجلس فعلی که از کوچکترین بهانه‌ای برای تزیق موج منفی به جامعه استفاده می‌کند، باید با تشخیص درست شرایط خاص کشور به دولت در اقتصاد و سیاست خارجی کمک کند. بدین منظور لازم است که رویکردهای کلان مجلس آینده، اقتصادی باشد نه سیاسی، تا بتواند شناخت بهتر و آسیب شناسی دقیق‌تری از وضعیت اقتصادی کشور داشته و در یافتن راهکارها به صحت و نگاه کارشناسی نزدیک‌تر شود. به عنوان مثال توقع دارد که مجلس آینده قوانین و مقرراتی وضع کند که تولید صادرات محور هر چه بهتر بتواند در بازارهای جهانی موفق باشد. لازمه این اقدام نگاه تازه به حوزه اقتصاد کلان کشور است. دولت تدبیر و امید، شرایط بین‌المللی را تا حدودی مهیا کرده، و تعامل با اقتصاد جهانی آغاز شده است و در پی لغو تحریم‌ها قطعاً شرایط تعامل با اقتصاد جهانی بهتر خواهد شد اما باید از این فرصت استفاده کنیم نه اینکه مثل دوران نفت ۱۲۰ دلاری و درآمدهای افسانه‌ای، فرصت سوزی بکنیم.

در پایان لازم است تاکید شود این انتظارات تنها بخشی از موضوعات مهمی است که اولاً مطرح است ثانیاً یافتن هر گونه راهکاری برای رفع آنها منوط به این است که در مجلس دهم صدای نخبگان و فعالان بخش خصوصی بیش از پیش شنیده شود. بنابراین به عنوان یک تشکل و سندیکای بخش خصوصی از نمایندگان جدید انتظار داریم که کمیسیون‌های مجلس، نظرات و پیشنهادات صاحب‌نظران اقتصادی علی‌الخصوص اتاق‌های بازرگانی، تشکل‌ها و اتحادیه‌ها را به نحو مطلوبی مورد توجه و استفاده قرار دهد.



بررسی بودجه سال ۱۳۹۵ و آثار اقتصادی آن

پرهام سیدین عضو کمیسیون اقتصاد



با ۹۵۲ تریلیون تومان بوده که سهم بودجه عمومی برابر با ۳۰۷ تریلیون تومان می باشد، بودجه عمومی پیشنهادی دولت برای سال ۱۳۹۵ در حالی به مجلس ارسال گردید که

بودجه سالیانه یکی از مهمترین اسناد مالی است که بر مبنای آن می توان برآوردی از پارامترهای کلان اقتصاد کشور به دست آورد. لایحه بودجه کل کشور در سال ۱۳۹۵ برابر



پیام آبادگران
بهمن ۱۳۹۴
شماره ۳۳۹



همچون سال‌های گذشته با کسری بودجه عملیاتی حدود ۴۸ تریلیون تومان مواجه می‌باشد، این کسری عموماً از محل واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (عمدتاً نفت) و فروش دارایی‌های مالی اوراق مشارکت و سهام جبران می‌گردد لیکن کسری واقعی تراز کل بودجه، که حدود ۴۰ تریلیون تومان برآورد می‌شود، می‌تواند در وهله اول بر بودجه عمرانی که ۵۹ تریلیون تومان پیشنهاد شده، فشار وارد نماید. این میزان کسری در بودجه عمدتاً می‌تواند ناشی از کمبودهای بخش منابع که شامل عدم تحقق درآمدهای مالیاتی، فروش دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی است، باشد که در این نوشتار به طور مختصر به هر یک پرداخته خواهد شد.

درآمد مالیاتی

درآمد حاصل از مالیات و عوارض بالغ بر ۱۰۱ تریلیون تومان در نظر گرفته شده است که مبلغ ۳۲،۹ تریلیون تومان آن مالیات اشخاص حقوقی و ۳۷،۶ تریلیون تومان مالیات بر کالا و خدمات می‌باشد. هر چند با توجه به اجرای قانون جدید مالیاتی که بخش بزرگتری از جامعه اقتصادی را پوشش می‌دهد و احتمال افزایش واردات (به تبع آن افزایش درآمدگمرکی ناشی از آن)

و برآورد بهبود وضعیت اقتصادی، پوشش درآمد پیش بینی شده تا حدی محتمل است، لیکن محدودیت‌هایی نیز وجود دارد، اول اینکه هر چند اجرای قانون مالیات‌های مستقیم می‌تواند منجر به افزایش مودیان مالیاتی شود ولی عمده اثر آن از سال ۱۳۹۶ می‌باشد. اما در سال ۱۳۹۵ از آنجا که عمده مالیات عملکرد دریافتی از شرکت‌هایی است که درآمد آنها بر مبنای کالاها (همچون پتروشیمی‌ها، فلزات و...) در سال ۱۳۹۴ می‌باشد، کاهش درآمد آنان

این نگرانی به جا در گروه‌های کارآفرین وجود دارد که با توجه به حساب‌های درآمدی شفاف و آسانی دسترسی به آن، عمده فشار ناشی از دریافت مالیات به این گروه‌ها وارد گردد و همچنان بخش‌های غیرشفاف اقتصاد مصون باقی بمانند



به واسطه قیمت‌های جهانی می‌تواند بر درآمد مالیاتی موثر باشد البته خطر دیگری که این گروه را تهدید می‌کند کاهش درآمد ناشی از یکسان‌سازی نرخ ارز در قیمت‌های پایین است که با توجه به دستیابی دولت و بانک مرکزی به منابع ارزی اعم از درآمدی و اعتباری در سال آتی و همچنین فشارهای سیاسی، ممکن است اجرای ناقص سیاست درست یکسان‌سازی نرخ ارز، به معضلی برای بخش اعظمی از اقتصاد مولد تبدیل و به دنبال آن درآمد مالیاتی دولت محدود گردد.

از طرف دیگر این نگرانی به جا در گروه‌های کارآفرین وجود دارد که با توجه به حساب‌های درآمدی شفاف و آسانی دسترسی به آن، عمده فشار ناشی از دریافت مالیات به این گروه‌ها وارد گردد و همچنان بخش‌های غیرشفاف اقتصاد مصون باقی بمانند هر چند که سیاستگذاران بر این نکته تأکید دارند که با اجرای صحیح قانون مالیات‌های مستقیم فشار مضاعفی بر بخش شفاف اقتصاد تحمیل نمی‌شود.

فروش دارایی‌های سرمایه‌ای

عمده‌ترین دارایی سرمایه‌ای قابل واگذاری، نفت است اما در این بخش قضیه به شکل





دیگری است، تحقق درآمد ۶۸ تریلیون تومان پیش بینی شده بخش نفت با توجه به سهم ۲۰ درصدی صندوق توسعه ملی، ۱۴ درصد سهم شرکت نفت، نرخ نفت حدود ۳۰ دلار، نرخ دلار ۲۹۹۷ تومانی و صادرات ۱,۸۰۰,۰۰۰ بشکه در روز (شامل میعانات گازی) عملاً غیرقابل دسترس خواهد بود. با این فرضیات حداکثر درآمد محقق شده سهم دولت حدود ۳۷ تریلیون تومان خواهد بود البته با توجه به قیمت پایین نفت احتمال حذف یا کاهش سهم صندوق توسعه ملی، بر مبنای پیشنهادات برنامه ششم توسعه، در سال آینده دور از انتظار نخواهد بود. تک نرخی کردن ارز البته می تواند این اعداد را دچار تغییر نماید چون به نظر می رسد به دلایل پیشگفته این نرخ می باید جایی نزدیک به نرخ آزاد به تعادل برسد تا روند پیش بینی شده در برنامه تغییر نیابد.

فروش دارایی های مالی:

گسترش بازار بدهی، که فعلاً به صورت محدود ایجاد شده است، می تواند یکی از راهکارهای اصلی دولت برای گذار از این مرحله سخت باشد. این بازار می تواند با جذب منابع خرد

مردم و صرف آن در جهت فعالیتهای مولد، با تعیین نرخ تعادلی بهره، شفافیت اقتصاد را نیز افزایش دهد. این بازار می تواند منابع مورد نیاز دولت را از سرمایه های خرد تامین نماید و فشار وارده بر بخش مولد جامعه (تولیدکنندگان و آبادگران و...) را حذف نماید در این صورت دولت نیز درک درستی از هزینه منابع و به تبع آن لزوم بهره وری خواهد داشت. چرا که اکنون این بستانکاران

گسترش بازار بدهی، که فعلاً به صورت محدود ایجاد شده است، می تواند یکی از راهکارهای اصلی دولت برای گذار از این مرحله سخت باشد. این بازار می تواند با جذب منابع خرد مردم و صرف آن در جهت فعالیتهای مولد، با تعیین نرخ تعادلی بهره، شفافیت اقتصاد را نیز افزایش دهد.



دولت هستند که هزینه عدم بهره وری در تصمیم گیریهای کلان را پرداخت می نمایند. بحثی که بعضاً در محافل اقتصادی مطرح شده این است که مبلغ ۲۷,۵ تریلیون تومان انتشار اوراق بدهی و مشارکت، خزانه و... امکان جذب در بازار را ندارد زیرا بالاترین مبلغی که تاکنون در یک سال به فروش رفته حدود ۱۲ تریلیون تومان بوده است. این در حالی است که دولت برای اینکه در سال جدید بتواند سطح بدهی های خود به بخش های مولد و بانک ها را ثابت نگه دارد، مجبور خواهد بود حداقل مبلغ ۵۰ تریلیون تومان از محل استقراض (از منابع داخلی و خارجی) با فروش سهام شرکتهای دولتی جذب نماید. این به غیر از بدهی گذشته (حدود ۴۰۰ تریلیون تومان) است که می باید به منظور شفافیت مالی و بهبود فضای اقتصادی، پرداخت شود.

لازمه امکان انتشار این حجم از اوراق بدهی داخلی ایجاد اعتماد و پشتوانه مطلوب به معنای پرداخت کامل و به موقع تعهدات و بازار شفاف برای اوراق منتشره است که تاکنون به درستی وجود نداشته است. (نشانه این عدم اعتماد می تواند در نرخ

تنزیل اوراق منتشره فعلی مشخص شود) بعضاً حدود ۲۵ درصد در اوراق خزانه و ۳۸ درصد در اوراق با سررسید بلندمدت، برای خریداران بازده سالیانه دارد (که البته با توجه به دخالت مستقیم بانک مرکزی در بازار نرخ بهره بین بانکی و کاهش نرخ بهره جاری در اقتصاد و در کنار افق مثبت اقتصاد پسا برجام ناشی از دسترسی به منابع مالی بین‌المللی، این ارقام رو به کاهش بوده، ولی همچنان با عدم اعتماد را بردوش می‌کشد و متأسفانه هزینه این عدم اعتماد را پیمانکاران، آبادگران این مرز و بوم و سایر خدمات دهندگان به دولت می‌پردازند. تفاوت دو اوراق فوق (اوراق خزانه و اوراق با سررسید بلندمدت و بی‌نام) تنها این است که اولی چون در بازار سرمایه در حال معامله است هم شفافتر است و هم برآوردها بر ایفای تعهدات است. لیکن برای اوراق بی‌نام در حال معامله خارج از بورس علاوه بر بازار غیر شفاف و بالا بردن بیش از پیش احتمال پولشویی، اطمینانی مبنی بر پرداخت اصل و فرع تعهدات وجود ندارد. به نظر می‌رسد که لازم است دولت در جهت یکپارچه سازی و شفافیت این اوراق اقدام لازم را صورت دهد تا هدف اصلی که تامین منابع لازم برای انجام عملیات عمرانی با حداقل هزینه برای دولت است برآورده گردد. زیرا بخش عمده این هزینه اضافه، نهایتاً در قالب کم شدن مالیات دریافتی (ناشی از زبان شناسایی شده در شرکتها از محل فروش به کسر) و محاسبه اینگونه هزینه‌ها در قراردادهای آتی، به دولت باز خواهد گشت و هزینه تامین مالی و دارایی‌های سرمایه‌ای را افزایش خواهد داد. از سوی دیگر دولت می‌تواند با انتشار اوراق بدهی بین‌المللی یا تضمین سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خارجی، به پشتوانه ۳۰ میلیارد دلار آزاد شده و قیمت‌های بالاتر نفت در آینده، منابع مورد نیاز خود را برای تسویه هر چه سریعتر بدهی‌های خود تامین نموده و نیازی به تلاش بیش از اندازه برای فروش منابع نفتی خود به حداقل قیمت در کوتاه نداشته باشد.

طرح‌های عمرانی:

چنانچه از آمار موجود مشخص است، انجام طرحهای زیربنایی که به قیمت‌های امروز بالغ بر ۸۰۰ تریلیون تومان تنها برای اتمام پروژه‌های نیمه تمام مورد نیاز است، جز از طریق واگذاری پروژه‌ها با روشهای غیرسنتی همچون PPP (مشارکت بخش خصوصی و عمومی) ممکن نخواهد بود. در این صورت لازم است تغییری جدی در ساختار شرکتها و همچنین طرز فکر کارفرمایان دولتی ایجاد گردد. این مهم از یک سو با توجه به ماهیت بلندمدت آن یک ساختار مدرن شرکتی (شرکت‌های سهامی عام یا مشارکتهای گسترده که اتکای شرکتها را از فرد به گروه انتقال دهد) و از سوی دیگر وجود یک فضای حاکی از اعتماد و سلامت دو طرفه را می‌طلبد. به نظر می‌رسد بخش خصوصی ما باید با درک شرایط جدید، هر چه سریعتر در راستای ورود موثر در این بخش اقدام نماید تا با روند در حال پیشرفت همگام گردد. به طور خلاصه می‌توان گفت آنچه که از شاخصهای اقتصادی برمی‌آید علیرغم فشار ناشی از کاهش قیمت نفت و کالاهای پایه (commodity) و همچنین محدودیت‌های ناشی از محیط نه چندان کارآمد کسب و کار، به دلیل بازگشت اعتبار به اقتصاد کشور در سطح بین‌المللی، آزاد

با توجه به محدودیت منابع در بودجه، تداوم رکود اقتصادی در چند سال گذشته و کاهش شدید سرمایه‌گذاری در کشور، سیاست‌گذاران اقتصادی چاره‌ای جز استفاده از ظرفیت‌های بازارهای مالی داخلی و خارجی ندارند. میزان استفاده از ظرفیتهای بازارهای مالی خارجی و دسترسی به منابع ارزان قیمت ارزی منوط به پاره‌ای از اصلاحات در فضای کسب و کار کشور است



شدن منابع، کاهش قابل توجه هزینه مبادلات اقتصادی، بکر بودن زمینه‌های سرمایه‌گذاری و برآوردی از ورود هر چند محدود سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری و رکود فراگیر اقتصاد سایر نقاط جهان، سال آینده، سالی روشنتر از لحاظ اقتصادی خواهد بود.

پس به نظر می‌رسد با توجه به محدودیت منابع در بودجه، تداوم رکود اقتصادی در چند سال گذشته و کاهش شدید سرمایه‌گذاری در کشور، سیاست‌گذاران اقتصادی چاره‌ای جز استفاده از ظرفیتهای بازارهای مالی داخلی و خارجی ندارند.

میزان استفاده از ظرفیتهای بازارهای مالی خارجی و دسترسی به منابع ارزان قیمت ارزی منوط به پاره‌ای از اصلاحات در فضای کسب و کار کشور است که آثار آن را در سال ۱۳۹۵ بر اقتصاد ایران محدود می‌نماید. اما استفاده از پتانسیل‌های بازار مالی داخلی با تاکید بیشتر بر ظرفیتهای بازار سرمایه به عنوان مکمل بازار پول و سیستم بانکی یکی از اهداف مهم سیاست‌گذاران اقتصادی کشور است. با توجه به توسعه ابزارها و نهادهای مالی در بازار سرمایه کشور و عزم جدی دولت جهت استفاده از این فرصت به عنوان یکی از عوامل مهم رشد و توسعه پایدار اقتصادی، بنظر می‌رسد معرفی این ابزارهای مالی به فعالان اقتصادی به ویژه آبادگران کشور جهت بکارگیری درست و به موقع از آنها در راستای سودآوری و به نگاه‌های خود از اهمیت بسیار بالایی برخوردار خواهد بود که سعی خواهد شد این مهم در سلسله مقالاتی طی چند شماره آینده به صورتی هدفمند دنبال شود تا در نهایت با استفاده از دانش روز مالی شاهد سودآوری بیش از پیش بنگاه‌های کشور در سایه رشد و توسعه اقتصادی میهن خود ایران باشیم.



نیازمند طرحی نو در حوزه اقتصاد هستیم

با مکانسیم‌های موجود امکان‌رهایی از آثار و تبعات
سوءمدیریت موجود نیست.

مهندس عبدالعظیم گلچین

که پس از اخذ موافقت اصولی از دولت تسهیلاتی نیز اعم از ارزی یا ریالی یا ترکیبی از این دو، البته اغلب بسیار کمتر از مبالغ مصوب دریافت نمودند. علت عدم دریافت کل تسهیلات در درجه اول بهانه فقدان نقدینگی در بانک‌ها، دیگری بوروکراسی بسیار طولانی و فرصت‌کش حاکم بر بانک‌ها و سومی بخصوص جایی که ارزش مدخل بوده، حتی اگر گشایش اعتبار هم مشکلی نداشته، ناتوانی بانک‌ها در پرداخت به موقع تعهدات خارجی به دلیل تحریم بوده، که به نوبه خود، حتی اگر طرحی به سامان رسیده، موجب کاهش ظرفیت اولیه این کارخانه‌ها شده است. بگذریم از اینکه اگر ظرفیت از لحاظ توانائی تولید کاهش نمی‌یافت بازار رکود زده ظرفیت آنرا می‌کاهید. بخش قابل توجهی از این فعالان اقتصادی، هرچند توانسته‌اند با تقلیل کیفیت زندگی شخصی خود و خانواده‌هایشان واحدهای تحت مدیریت خود را راه اندازی نموده و در مواردی تولید آزمایشی را نیز شروع کنند، ولی برای تداوم کار نیاز به سرمایه در گردش داشته‌اند، که در گیرودار بوروکراسی و قوانین موجود تاکنون برای تأمین این نیاز دستشان کوتاه و خرما بر نخیل بوده است. هرچند واحدهای ایجاد شده دارای ارزش فعلی، نرخ بازگشت داخلی و زمان بازگشت

با تمرکز بر صنعت احداث کشور، سپری کرده‌ام، مطالب زیر را صادقانه و خارج از تعارفات رایج برای توضیح وضعیت فعالان اقتصادی، صرف شنیدن روایتی دیگر از قصه نامرکز عشق، برای خواندن و شنیدن و شاید هم توجه کردن و احیاناً بکار بستن، عرضه می‌دارم. بنگاه‌های اقتصادی کشور بدون استثناء اعم از خدماتی و تولیدی، خرد یا کلان، بزرگ یا کوچک در بحرانی‌ترین شرایط زیستی تاریخ خود به سر می‌برند. تمامی شرکت‌های حوزه احداث کشور اعم از سازندگان، تأمین‌کنندگان، پیمانکاران و مشاوران سخت‌ترین ایام دوران حیات خود را می‌گذرانند. بدهکاری‌های دولت به این بنگاه‌ها مدت‌های مدیدی است که از حد طاقت آنها عبور کرده و آنها را به فقر و فاقه کشانده است. برای اینکه مطمئن شویم این فلاکت از سوئی سیاه نمائی پیمانکاران و سازندگان نیست و از سوی دیگر تنها پیمانکاران و سازندگان نیستند که دچار این تراژدی هستند و موضوع شمول عام دارد در این نوشته، به عنوان پایلوت، به بنگاه‌های کوچک تولیدی تمرکز بیشتری شده است. طی ده - دوازده سال گذشته به منظور ایجاد اشتغال و توسعه صادرات، بنگاه‌هایی تحت عنوان بنگاه‌های زود بازده تأسیس گردید،

به عنوان بزرگترین اولویت پسا تحریم، برای اشتغال و رونق اقتصاد فکری بکنیم، نگذاریم از این دیر تر شود!!!! اما اگر بخواهیم با پارادایم موجود، قوانین فعلی و مقررات جاری، که بانک‌ها را ناپویا کرده، اقتصاد را رونق دهیم بهتر است زحمت بیهوده نکشیم و وضع را، از این که هست، بدتر نکنیم. پارادایم و قوانین و مقررات موجود، حتی در قالب نام‌های دهن پرکنی مثل قانون رفع موانع تولید، نه در جهت تولید هستند، نه کارآفرینی، نه اشتغال‌زائی و نه نهایتاً رونق اقتصادی. پارادایم موجود به همراه قوانین و مقرراتش، که ما را به این نقطه نامطلوب رسانده‌اند، بی‌شک نمی‌توانند سرنوشت بهتر و مطلوبتری برایمان رقم بزنند. در عین حال اگر سریعاً دست به تغییرات بنیادی در نگاه و قوانین و مقررات ننیم، وفق یکی از قوانین طبیعت معروف به قانون مورفی، که می‌گوید: "وقتی امور بتوانند به خطا روند، حتماً به خطا می‌روند". اگر امور به خطا روند، در شرایط کنونی کشور ما، نهایتاً کارها از کنترل خارج و امور در بهترین وضعیت به انفعال کشانده می‌شوند. قانون طبیعت قانون خداست، به آن کم اعتنا نباشیم. به عنوان یک مهندس دلسوز، که حداقل ۲۰ سال اخیر را در امر تحقیق برای توسعه،



سرمایه گذاری قابل قبولی هستند، ولی به دلیل وضعیت رکود یاد شده از سوئی و نداشتن سرمایه در گردش از سوی دیگر و فقدان بازار مصرف به لانه پرنندگان تبدیل شده و ماشین آلات و تجهیزات مستقر در آنها نیز در معرض فرسایش قرار گرفته اند. در عین حال دیون این بنگاه‌ها به بانک از حالت جاری خارج و معوق شده و بانک بجای برخورد پویا و مسؤله‌نا به عنوان شرط لازم رونق اقتصادی کشور، بابت تأخیرات ناشی از تحریم، علاوه بر اصل تسهیلات، بسته به مورد تا چند برابر تسهیلات پرداختی سود و جریمه تأخیر مطالبه می‌کنند و می‌رود تا با اقدام قانونی طرح و وثایق خارج از طرح این بنگاه‌ها را، که اغلب آنها نیز از دیگران کرایه شده است!!، در معرض حراج قرار دهند و این فعالان اقتصادی را، بعد از سال‌ها سابقه کار، در نظام مقدس جمهوری اسلامی، مانند بقیه اشتغال آفرینان و خادمان واقعی عرصه اقتصاد کشور با نا مطلوب ترین شرایط مواجه نمایند. آیا بانک‌ها عمداً می‌خواهند چنین شود؟ طبیعی است که نه. این پارادایم و قوانین و مقررات حاکم، تاریخ مصرف گذشته، هستند، که بی توجه به نیازهای روز، چنین می‌کنند و نه بانک‌ها، که البته ممکن است در ظاهر همه کاسه و کوزه‌ها بر سر بانک‌ها شکسته شوند.

اندکی تردید ندارم که دولت، بخصوص با تیم اقتصادی که در خدمت دارند، به همه زوایای امور اقتصادی آگاهند، اما نخست قطعاً و آنگونه که هست از واقعیت دردناک درون این جماعت خدوم خیر ندارند، که در اثر تمرکز صرف دولت به مهار "عارضه" تورم، که البته شایسته تقدیر است، به عنوان یک امر طبیعی در اقتصاد و بی‌عنایتی به "سرطان" رکود، به عنوان اولویت اول اقتصاد کشور، چگونه نیاز به شیمی درمانی پیدا کرده‌اند. دوم اینکه نمی‌دانیم چرا دولت محترم تدبیر و امید در ریشه یابی این مسائل، که از سوئی شمول عام دارند و از سوی دیگر نتیجه پارادایم تاریخ مصرف گذشته حاکم بر کل حاکمیت، از جمله بانک‌ها هستند، بی‌عنایت مانده و از بخش خصوصی در عمل و نه در حرف استعانت نمی‌طلبند. سوم اینکه چرا نسبت به نقش بازدارنده قوانین، مقررات

و بخشنامه‌های ناکارآمد حاکم بر شؤونات اقتصادی کشور و ضرورت کنار نهادن فوری آنها برخورد فعال نمی‌شود. چهارم اینکه، چرا دولت محترم، در خصوص اینکه این نگاه و این قوانین جایگاه اقتصادی کشور ما را این گونه رقم زده و قطعاً بیش از تحریم‌ها به کشور لطمه وارد کرده‌اند، برخورد قاطع نمی‌کند. پنجم اینکه، اگر به حذف این قوانین و مقررات ناکارآمد، که فاقد ظرفیت کافی برای حل حتی مشکل کوچکی هستند و نمی‌توانند امور را ختم به خیر کنند و اقتصاد ما را به وضع مطلوبتری برسانند، باور دارند چرا همچنان تعارف می‌شود و با تساهل و تسامح برخورد می‌گردد. ششم اینکه، چرا به این نکته اساسی که این نگاه و قوانین، به عاملیت کارفرمایان از سوئی و بانک‌ها از سوی دیگر، که همچنان در دوره دولت تدبیر و امید، بجای تغییر نگاه خود و قوانین موجود، برخورد خشن با تضعیف شدگان اقتصادی را در دستور کار خود قرار داده‌اند، عنایتی نمی‌شود. و هفتم اینکه چرا به این مهم توجه کافی نمی‌شود که سرنوشت اشتغال و رونق اقتصادی، بخاطر این کوتاهی‌ها، در معرض توفان‌های سهمگینی قرار گرفته است. هشتم اینکه چرا، بگونه‌ای ظالمانه، این نکته مغفول می‌ماند، که این بنگاه‌های اقتصادی نبوده‌اند که در وضع، استقرار، ابقا، استمرار یا حتی برداشتن تحریم‌ها نقش داشته‌اند، که حالا باید تاوان آن‌را بدهند و بار کسری نقدینگی بانک‌ها

اگر یک اشتغال آفرین با از خودگذشتگی، شجاعت و شهامت، آسایش خود و خانواده‌اش را سلب نموده و دست به تأسیس یک بنگاه و اجرای یک طرح یا احداث کارخانه ای زده، در حقیقت اقدام به ایجاد ثروت ملی کرده است، که نمی‌تواند آنرا با خود به گور ببرد. بنابراین آیا حداقل وظیفه ما حفظ این ثروت ملی و سرمایه‌های اجتماعی مولد این ثروت نیست؟

و دولت را بدوش بکشند؟ نهم اینکه چرا نادیده می‌گیریم که این جماعت صبورانه هر رنجی را تحمل کرده‌اند و در حالیکه قلب خود را از درد می‌جوییده‌اند هیچ کاری جز پشتیبانی از حاکمیت نکرده‌اند؟

ما قبول داریم، که اقلیتی رانت خوار عمده و جوه بانکی را، که اموال مردم است، تحت عنوان طرح‌های مختلف، که یا هرگز از روی کاغذ بیرون نرفته یا اجرای طرح‌هایی که فقط به زیان کشور و محیط زیست ملت بوده، حیف کرده‌اند تا میل کنند، اما دردآورتر از همه اینکه در نهایت وصال نصیب بی‌مباران و حرمان نصیب یاران شده است. یعنی از طرفی رانت خواران در امان باشند و از طرف دیگر اکثریت قریب به اتفاق صاحبان بنگاه‌های کوچک، که همه زندگی و جان و مال خود را به منابع و تسهیلات دریافتی از دولت یا بانک‌ها علاوه کرده‌اند تا طرحشان به ثمر نرسند، با بی‌قیدی و یا تصرف ماحصل زندگی نظیر وثایق ملکی، بابت تسهیلات اعم از نقدی یا ضمانت نامه‌ای توسط کارفرمایان یا بانک‌ها مواجه شوند؟ آیا با این کار حتی اندکی از مسائل بانک، اقتصاد، اشتغال و توسعه حل خواهد شد؟ معلوم است که جواب منفی است، ولی حتماً نیروهای متفکر و فعال اقتصادی به خیل بیکاران و بی‌ثمران اضافه خواهند گردید. اگر یک اشتغال آفرین با از خودگذشتگی، شجاعت و شهامت، آسایش خود و خانواده‌اش را سلب نموده و دست به تأسیس یک بنگاه و اجرای یک طرح یا احداث کارخانه ای زده، در حقیقت اقدام به ایجاد ثروت ملی کرده است، که نمی‌تواند آنرا با خود به گور ببرد. بنابراین آیا حداقل وظیفه ما حفظ این ثروت ملی و سرمایه‌های اجتماعی مولد این ثروت نیست؟ اما متأسفانه نگاه و قوانین و مقررات حاکم، نه تنها این را نمی‌بیند، بلکه در عوض این جماعت را با رانت خواران یکسان گرفته و اتفاقاً، نقطه اتکای اهرم فشار بانکها، این بنگاه‌های کوچک را نشانه رفته است. این نگاه و این قوانین رانت خوار پرور، که با رونق و توسعه همخوانی ندارند، اگر متناسب با نیازهای اقتصادی کشور در پسا تحریم تغییر نکنند و یا اگر بانک‌ها نتوانند یا مختار نباشند طی ضوابطی فعالانه و رأساً موارد را





تک تک ما نقش داشته اند، تراژدی هائی را رقم زده اند، که خود و در درون خود آنها را پرورده ایم و از درون به آنها جان داده ایم و با آنها خود بدست خود آتش بردل و جانمان زده ایم. لذا گزافه نیست اگر بگوئیم زینهار، کار را به خود کشی این ضعیف شدگان نشانیم. فاجعه از بیرون اعمال می شود و تراژدی از درون شکل می گیرد. مشکلات اساسی اقتصادی کشور با آمدن و رفتن این یا آن دولت و یا وضع و برداشتن تحریم ها حل نمی شوند. حل این مشکلات فقط با تغییر پارادایم یا نگاه آنهم در عمل ممکن است. نه نصیحت کمک می کند و نه انشاالله و ماشاالله. شاید روح حاکم بر اقتصاد مقاومتی هم همین باشد.

پرداخت فوری سود و جریمه بانکی چند میلیارد تومانی ناشی از تحریم به بانک ها، در شرایط رکود فعلی، آنهم توسط جماعتی که فعلاً به نان شب محتاج شده اند، نه تنها فوق طاقت بنگاه های نحیف و بیمار، بلکه ظالمانه و اساساً امری محال است. این بیماران نحیف، که ممکن است یا چک برگشتی داشته باشند و یا دیونشان معوق شده باشند و یا وثیقه نداشته باشند تا در رهن بانک بگذارند یا ترکیبی از اینها، با این سیاست ها راه سلامت طی نخواهند کرد و البته نهایتاً دودش هم به چشم اشتغال و رونق اقتصادی خواهد رفت. اگر کمی از آسمان، پارادایم، قوانین و مقررات جاری،

بنابراین، اگر آنچه را که مانده است نجات ندهیم، دیری نخواهد پائید، که خوش بینی های پساتحریم وارونه شوند و اگر چنین شود، به نوبه خود جفای بزرگتری، نسبت به دوره هشت ساله معروف، به کشور خواهد بود. عنایت داشته باشیم که حل بخش عمده مشکل بیکاری و تحقق رونق اقتصادی در ید با کفایت همین مدیران بنگاه های به ظاهر کوچک، ولی دریا دل است، لذا با این جماعت صادق به از این باید بود.

درست است، که تحریم ها فجایعی بزرگ بوده اند، که از بیرون به کشور ما تحمیل شده اند، ولی نگاه ما و قوانین ما، که ساخته و پرداخته خودمان است و در تربیت و باور

**حل بخش عمده مشکل
بیکاری و تحقق رونق
اقتصادی در ید با کفایت
همین مدیران بنگاه های
به ظاهر کوچک، ولی
دریا دل است، لذا با این
جماعت صادق به از این
باید بود.**



از هم تفکیک نموده و مسئولانه طرح هائی را که امکان احیا دارند، ولی در بند قوانین و مقررات گرفتارند، کمک کنند، مثل خوره به جان اقتصاد کشور می افتند، که افتاده اند، و نه تنها هیچ رشدی را تضمین نخواهند کرد، بلکه، از این رهگذر فعالان اقتصادی، علی الخصوص بنگاه های کوچک را، با چنان ضربات مهلکی مواجه خواهند کرد، که بزودی نه از تاک نشانی بماند و نه از تاک نشان. آیا هدف ما از آمدن و استقرار دولت تدبیر و امید این بوده است؟ وقتی در شرایط رکود و بیکاری یک بنگاه کوچک، می تواند با دو تا سه میلیارد تومان سرمایه در گردش ۸۰ نفر را بطور مستقیم بکار گیرد گرفتار آمدنش، در بند نگاه های نادرست و قوانین و مقررات ناکارآمد، مصداق بارز تراژدی نیست؟ کتاب زندگی فعالان اقتصادی و اشتغال آفرینان کشور مثل زندگی هر کس دیگری چاپ دوم ندارد تا منتظر تغییر قوانین و مقررات در چاپ بعدی باشند و به همین دلیل عمر بنگاه ها در ایران کمتر از عمر بانیان آن بوده، لذا ضمن اینکه حق نیست که در اثر نگاه و عملکرد مدیریت اقتصادی کشور با چنین وضع اسفناکی مواجه شوند، لازم است این نکته یادآور شود دیربست، که دنیا بر این باور غلط، که جنگل که سوخت خشک و ترمی سوزد، خط بطلان کشیده و این باور درست را جایگزین کرده، که جنگل که سوخت هر چه را می توان باید نجات داد.



که ما را به این روز انداخته، پائین بیائیم و از روی زمین به موضوعات نگاه کنیم، متوجه می شویم که بازپرداخت بدهی بانکی و رونق اقتصادی و حل مشکل بیکاری چنان درهم تنیده شده اند، که حل مجزای آنها محال است، لذا، بخصوص اینکه که به یمن درایت فرزندان خوب ما ورود کشور به عرصه اقتصاد جهانی با آبرومندی آغاز می شود، شایسته است با نگاهی دقیقتر، به شیوه نگاه و قوانین موجود، نگاه و قوانین و مقررات کارآمدتری برای رونق اقتصادی کشور رقم بزنیم.

نه کشور ما اولین کشور دنیاست که با چنین بحرانی مواجه شده و نه آخری خواهد بود و هرچند این بحران در کشور ما بی سابقه است، اما شدت آن هم حتماً به اندازه دوران رکود دهه سوم قرن بیستم میلادی اروپا و امریکا نیست و همانطور که در آنجا راهکار یافته شد در اینجا هم می توان حتی روشی بهتر از روش کینز برای گذر از آن پیدا کرد. کافی است قبول کنیم تولید حتی بدون فروش، چون موجب افزایش دارائی می شود، از مفسده های بیکاری بهتر است و لذا با فهم درست مطلب و با حمایت بانک ها گذر از این گلوگاه البته با هزینه کمتر و نتیجه بهتر ممکن است و آنوقت و به درستی و افتخار می توان نام اینکار را نیز هدمندی یارانه ها گذاشت، و نه آن یکی را، که نامی با مسماتر از هدمندی یارانه ها برایش نمی توان یافت. فقط از سوئی نباید

تعطل کرد، که متأسفانه با همه احترامی که باید برای این دولت قائل بود، ولی حرکتش عین تعطل است و از سوی دیگر نباید بخش خصوصی را دست کم گرفت، که متأسفانه و بی تعارف چنین است. جان کلام هم اینست که دخالت یافتن بخش خصوصی در امور اقتصادی کشور، که بی اغراق یکی از بزرگترین اولویت ها و نیازها در این برهه تاریخی است، با حرف پیش نمی رود. این مهم فقط در قالب یک پروتکل معتبر بین حاکمیت و بخش خصوصی ممکن است و الا بدون چنین پروتکلی هر حرفی از زبان هر مسؤولی در حاکمیت، در این خصوص، فقط یک تعارف است، که هم حاکمیتی ها به آن آگاهند و هم بخش خصوصی به این حرفها اعتمادی ندارد. بحث این نیست که حتما همه ریا می کنند، نه، بحث این است که چگونگی این همکاری روشن نیست و تا روشن نشود و در قالب پروتکلی جا نیفتد و طرفین مکلف به پیروی از مفاد نباشند مصداقی در عمل پیدا نخواهد کرد و تداوم هم نخواهد یافت. صد البته اصلی ترین وظیفه بخش خصوصی کار محققانه روی مفاد این پروتکل و جا انداختن آن است، اما تا این کار صورت نگیرد امور روی ریل درست نخواهد افتاد. به هر بخش خصوصی فقط در قالب یک پروتکل، که مورد احترام طرفین باشد، می تواند رشد کمی و کیفی پیدا کند و نه با تعارف. خوب چرا وضع ما چنین است و به چنین اموری توجه

نمی شود؟ همانگونه که گفته شده ریشه این امور در بذر نگاه و پارادایم کهنه موجود در همه ارکان و اعضا و جوارح حاکمیت کشور نهفته است و البته به مصداق "الناس علی دین ملوکهم" در آحاد افراد نیز جاری و ساری می شود. یعنی از آن راه به نگاه و پارادایم ملت تسری یافته و به عادت ثانوی آنها بدل شده و نتیجتاً همه چیز هم طبیعی بنظر می رسد و این گونه که هست توجیه می گردد. پارادایم حاکم همه امور و موضوعات جاری در جامعه از توسعه ورزش و جنس تماشاگران تا توسعه اقتصادی را حاکمیت محور می بیند حال آنکه حاکمیت باید در همه ابعاد توسعه محور باشد. مصیبت بارتر اینکه در پارادایم حاکم توسعه و اقتصاد بانک محور هستند. در صورتیکه بانک باید توسعه و اقتصاد محور باشد. همین موضوع بر فرهنگ ما هم حاکم است. یعنی بجای اینکه حاکمیت فرهنگ محور باشد فرهنگ حاکمیت محور است. وقتی چنین است همه چیز آمرانه می شود. از بالا به پائین. امر حاکمیت در همه آحاد کشور جاری و ساری می شود. فرقی هم نمی کند که رئیس جمهور کشور زید باشد یا عمر. همه ابعاد توسعه از نگاه کارمندان دولتی چه در بانک و چه در غیر آن شکل می گیرد. از آبدارچی تا مدیرعامل بانک با نگاه یک کارمند دولتی به توسعه می نگرند و در آن تأثیر می گذارند نه از نگاه یک متفکر توسعه شناس. آنها به اندازه حقوقی که

بانک محور است، بانک‌هایش از درک این امر عاجزند و قابل سرزنش هم نیستند و تا بانک‌ها اقتصاد محور نشوند، اقتصاد سترون است و در نتیجه تحقق زایش در درون ناممکن است و برون‌نگری ناممکن. به همین دلیل است که بانک‌ها در چنین کشوری بنگاه‌دار می‌شوند و به رقیب اصلی بخش خصوصی مبدل می‌گردند. این بانک‌ها اصلاً به زایش در درون اقتصاد نمی‌اندیشند و وقتی زایش در درون که شرط لازم برون‌نگری است محقق نشود، نه تنها برون‌نگری نیز تصویری محال و خیالی باطل خواهد بود، بلکه خلاقیت، نوآوری، ایده‌پردازی، تأثیرگذاری، کارآیی و بهره‌وری نیز مفهوم نخواهند شد. اینها همه خبر بد است، اما خبر بدتر اینست که کشور ما در این مقطع تاریخی در شرایطی نیست که از این پس بتواند حرف‌های شعارگونه را تاب آورد. یا باید آنچه را که می‌گوئیم شرایط تحققش را فراهم کنیم یا اصلاً حرفش را ننویسیم. بنده بارها از زبان رهبر کشور شنیده‌ام که گفته است هر چند کسی از متخصصان را ندیده که با اقتصاد مقاومتی مخالف باشند، ولی از عدم پرداختن جدی به آن نیز در شگفت بوده است. بنظر بنده جای شگفتی نیست. این سرنوشت محتوم کشوری است که با پارادایم حاکمیت محوری و بانک‌محوری در توسعه اقتصادی زندگی و فعالیت می‌کند. با این پارادایم جان دادن به آینده ناممکن است. درست است که در چند دهه گذشته آمریکای جهان‌خوار به سردمداری سرمایه‌داری نو لیبرالیستی بدترین لطمات را با تحریم‌های ظالمانه اش به اقتصاد ایران و فعالان این حوزه وارد کرده، ولی آنچه که پارادایم حاکم بر کشور بر سر اقتصاد ما آورده نه تنها کم از آن نبوده، بلکه بسیار بیش از آن بوده است. خوب اینک که بخش عمده تحریم‌ها برداشته شده‌اند، با تحریم‌هایی که از ناحیه پارادایم بازدارنده حاکم بر همه شؤانات زندگیمان شده چه می‌خواهیم بکنیم؟ آیا به سردادن شعار ادامه دهیم یا واقعاً دیگر شعار بس است؟ کدام یکی؟ واقعیت این است که با نگاه و پارادایم و قوانین فعلی کاری از پیش نخواهد رفت. قوانین و مقررات دوران تحریم و رکود و ماقبل آن، که اینک همچون بختکی بر همه شؤانات زندگی ما از اقتصادی و غیر آن حاکم هستند، بکار دوران پویائی و رونق



یعنی طرف قرارداد را ابتدا به ته چاه می‌اندازد و خود بالای چاه می‌ایستد و سپس با او به تعامل می‌نشینند!!!!. از این که بگذریم واقعاً معنای مشارکت چیست؟ آیا معنی مشارکت این است که شریک بزرگتر که در کشور ما یا حاکمیت است یا بانک فقط در سود شریک باشد؟. بهر حال چیزی مفهوم نیست، اما از این نکات که بگذریم باید تکلیف خودمان را با موضوع اقتصاد مقاومتی هم در جزئیات و هم در کلیات آن روشن کنیم. اینجا ما قصد نداریم وارد مسائل اقتصاد مقاومتی، که بنظر می‌آید راه نجات اقتصاد کشور در آن است بپردازیم، اما نکته این است وقتی در اقتصاد مقاومتی می‌گوئیم اقتصاد باید درون‌زا و برون‌نگر باشد یعنی چه؟ بنده شک ندارم بخش خصوصی و همه فعالان اقتصادی با پوست و گوشت و استخوانشان این را می‌فهمند، ولی بانک‌ها هم این را فهمیده‌اند؟. همه دلایل و شواهد و قرائن خلاف این را نشان می‌دهند. یعنی تأثیرگذارترین بخشی که در درون زائی اقتصاد نقش دارد، بانک‌ها، بوئی از درون زائی و برون‌نگری اقتصاد نبرده‌اند. نکته کلیدی هم اینجاست که کشوری که اقتصادش

می‌گیرند در توسعه ایفای نقش می‌کنند. تراژدی از آنجا شکل می‌گیرد که وقتی توسعه حاکمیت محور و بانک محور شد، حاکمیت و بانک برای توسعه بجای تشویق شرط قائل می‌شوند. خوب در اینجا جایگاه تعامل کجاست؟. با چه کسانی و در خصوص چه موضوعاتی باید تعامل کرد؟. با کارمندی که توسعه را با مواجب خود می‌سند یا با افرادی که توسعه را می‌شناسند و محور فکری آنها جز توسعه را نمی‌شناسند؟. وقتی چنین تفکری در حاکمیت و بانک حاکم نیست، آیا الفاظی مثل بخش خصوصی و تعامل با آن بیش از یک تعارف است؟. در چنین شرایطی همه عقود بانکی، که لفظ اسلامی را هم با خود یدک می‌کشند، یکطرفه بوده و به گونه ای یکطرفه اعمال می‌شوند که در آنها تعهد بانک‌ها نامفهوم و صحبت از آن بیشتر به یک شوخی شبیه است. در حالیکه در جایی که بانک اقتصاد محور است تعهد بانک حتماً مسئولانه بوده و در عقود نیز جدی هستند. بانک‌ها در کشور ما در هنگام تعامل با شریک خود در مشارکت به اصطلاح مدنی با معوق کردن دیون شریک کوچکتر



اقتصادی نمی‌آیند. این قوانین و مقررات پوسیده و تاریخ مصرف گذشته در بهترین شرایط یا مسموم کننده اند و یا زنجیرهایی هستند، که نه حتماً با سوء نیت، بلکه قطعاً با حسن نیت، پویائی اقتصادی را با ناپویائی بانکی متوقف و چرخ رونق اقتصاد را از کار می‌اندازند. وقت آن است که دولت تدبیر و امید، بی‌تعلل، این مقررات را، حتی آنانی را که ظاهراً در یکسال گذشته تغییر کرده اند، متناسب با دوران پسا تحریم از نو باز نویسی کند. توجه داشته باشیم اگر ما صادقانه از جامعه جهانی، به عنوان یک اقدام درست و منطقی، انتظار داشتیم پرونده پی‌ام‌دی، را ببندند و از این پس روی به آینده داشته باشند، خودمان نیز در داخل کشور باید چنین کنیم. اگر چنین نکنیم معنی آن این است که ما در گفتار خود صادق نبوده ایم و وقتی ما در درون خود صادق نیستیم و به این حرف‌ها باور نداریم انتظار نداشته باشیم دیگران ما را باور کنند. مدارای با دشمنان و مروت با دوستان که حتماً در فرهنگ مردم ما ریشه دار است باید در یک حرکت راستین به فرهنگ حاکمیت تسری یابد. در این صورت آنگونه که در شعارهای پسا تحریم آمده، بخش خصوصی می‌تواند شریک قدری برای شرکت‌های خارجی باشد و در مشارکت واقعی با خارجی‌ها حرفش خریدار پیدا کند و الا بار دیگر و این بار متأسفانه خفت‌بارتر از گذشته در کشور خود توسط بیگانگان به بیگاری گرفته خواهد شد. بدون شک دولت و مجلس آینده اگر تفکری توسعه‌گرایانه داشته باشند و در شعار و حرف خود صادق باشند پشتیبانی همه جانبه بخش خصوصی را با خود خواهند داشت، اما اگر همچنان منظور حاکمیت از بخش خصوصی، حصولی‌ها بوده، که همه امکانات را در ید پر قدرت خود قبضه کرده‌اند، بنده همه حرف‌هایم را پس می‌گیرم و به زندگی لاک پشت وارم ادامه می‌دهم. اما شرط انصاف نیست که حرف صرفاً با انتقاد به پایان رسد و عیش همه گفته و هنرش پوشیده بماند، لذا اولاً بسیار جادار از اقدام درست بانک مرکزی در رفع ممنوعیت خروج از مدیران شرکت‌هایی که چک برگشتی داشته و به این دلیل ممنوع الخروج شده اند تشکر شود. البته اگر امور در

گلوگاه‌های قوه قضائیه معطل نشوند. و ثانیاً این نکته را یادآور می‌شود که چنین امری تقریباً در هیچ کشوری رایج نیست که کسی را به علت داشتن چک برگشتی ممنوع الخروج کنند. حال چه این شخص حقیقی باشد و چه نماینده یک شخص حقوقی.

اما پیشنهادها:

برای یک برنامه سریع و حداقلی به منظور خروج فعالان اقتصادی از بحران فعلی، اول باید سوابق به اصطلاح بد بانکی بنگاه‌ها را، که در اثر تحریم‌ها ظالمانه خارجی و پارادایم ناکارآمد داخلی برای فعالان واقعی اقتصادی رقم زده شده است، برای مدتی معین، با برنامه‌ای کنترل شده، به عنوان یک "محرک اقتصادی" مسکوت گذاشت. یعنی با همان شرط رفع ممنوع الخروجی مدیران به علت داشتن چک برگشتی در صورتیکه آن چک‌های برگشتی واجد همان شرط باشد باید از تأثیر منفی آن چک‌های برگشتی روی پرونده اعتباری شخص حقوقی جلوگیری شود و با مکانیزم‌های تشویقی بجای تنبیهی و جریمه دیرکرد یکجانبه و امثال آن به اشتغال آفرینان کمک شود تا کشور را، که اینک به مثابه نوجوانی است که باید استخوان بترکاند، با نگاهی جدید بسازند. صد البته همزمان باید تدابیری، قابل اجرا و نه خیالی، اندیشید تا این بنگاه‌ها، اگر دینی واقعی دارند، نه بصورت ظالمانه یکجا، بلکه

برای یک برنامه سریع و حداقلی به منظور خروج فعالان اقتصادی از بحران فعلی، اول باید سوابق به اصطلاح بد بانکی بنگاه‌ها را، که در اثر تحریم‌ها ظالمانه خارجی و پارادایم ناکارآمد داخلی برای فعالان واقعی اقتصادی رقم زده شده است، برای مدتی معین، با برنامه‌ای کنترل شده، به عنوان یک "محرک اقتصادی" مسکوت گذاشت

بصورت پلکانی و در زمانی معقول و با نرخ عادلانه دین خود را به بانک‌ها بپردازند. برای توفیق در این امر پیشنهاد می‌شود، هرچه سریعتر، در یک اقدام ملی کمیته‌ای صاحب اختیار و با قدرت تصمیم‌گیری، مرکب از نماینده گان ریاست جمهوری، بخش خصوصی، بانک مرکزی، معاونت راهبردی، وزارتخانه‌های ذیربط و بانک مربوطه، که خوشبختانه تعدادشان هم خیلی زیاد نیست، در مرحله نخست در بانک‌های دولتی تشکیل گردد تا بنگاه‌های واجد صلاحیت را به ترتیب و با اولویت‌هایی نظیر: آمادگی برای ایجاد اشتغال، توانائی آغاز تولید، توانائی ایجاد دارائی و احیاناً امکان درآمد زائی و بازپرداخت دیون، شناسائی کرده و بصورت اورژانسی برای کمک به آنها اقدام کنند. این کمک، که ممکن است تزریق مالی باشد یا تعویق بازپرداخت دیون یا نهایتاً ساماندهی منصفانه آنها و اصلاح پرونده اعتباری و رفع موانع صدور دسته چک جدید، حتماً موجب آرامش خاطر فعالان اقتصادی شده و ایجاد اعتماد و سینرژی خواهد کرد. این امر تورم‌زا نیست و احتیاج هم به چاپ اسکناس ندارد. یا حداقل در حد نگران کننده نیست، اما در هر صورت بهتر از رکود و بیکاری و تالی‌های فاسد و ترسناک آنست.

ثانیاً نمی‌توانستم از اشاره به بزرگترین نیاز کشور یعنی آموزش، که متأسفانه هنوز هم مهاجر و مغفول مانده و با تحصیل یکی گرفته می‌شود، بی‌اعتنا بگذرم لذا برای توسعه در همه شئون و بویژه تولید اگر بجای خام فروشی مواد اولیه به چینی‌ها و ... تولید درست و فرآوری صحیح را فراگیریم، می‌توانیم جایگاه خاصی در اقتصاد، غیر نفتی، پیدا کنیم. فقط لازم است نگاهی از دریچه علم و تکنولوژی به امور کنیم و کافی است ببینیم که مشکل در "انجا" و در دور دست نیست، بلکه "اینجا" و در ذهن ماست. بنده بالغ بر ۷۰٪ آموزش را در حوزه وظایف بخش خصوصی و کمتر از ۳۰٪ آنرا در حوزه وظایف حاکمیت می‌شناسم و امیدوارم اگر بخت یار باشد، در آینده نزدیک، مطلبی را در این خصوص تقدیم کنم.





گردهمایی پیشگامان صنعت ساخت با موضوع

سرمایه گذاری در سازندگی زیربنایی، با حضور بخش های خصوصی و دولتی ایران و ایتالیا برگزار شد

گام اول سرمایه گذاری خارجی سندیکای شرکت های ساختمانی ایران



پیام آبادگران
بهمن ۱۳۹۴
شماره ۳۳۹

شهرسازی ایران و وزیر حمل و نقل و امور زیربنایی ایتالیا برای حمایت از این همکاری مشترک، شرکت های بخش خصوصی ایران و ایتالیا به صورت رودررو بدون واسطه پای میزهای مذاکره حاضر و از نزدیک با پروژه ها و فرصت های سرمایه گذاری در ایران آشنا شده و به تعامل مشترک با شرکت های ساختمانی بخش خصوصی بپردازند. این گردهمایی به دنبال همایش دو ماه قبل سندیکای شرکت های ساختمانی ایران با شرکت های متخصص در مصالح ساختمانی بخش خصوصی ایتالیا برگزار شد تا اولین حضور سرمایه گذاران ایتالیایی در ایران با حمایت مشترک دو وزارتخانه راه و شهرسازی ایران و حمل و نقل و امور زیربنایی ایتالیا انجام گیرد و از این پس این کشور به عنوان دروازه ورود سایر شرکت های خارجی به ایران مسیر تبادل دانش، تجربه فنی و تامین مالی پروژه های عمرانی و زیرساختی را هموار کند.

همکاری مشترک در طرح های گوناگون زیربنایی همچون راه آهن، راه و جاده، فرودگاه، بندر و احداث شهرهای جدید را فراهم کردند. بخش قابل توجهی از سفر هیأت بزرگ اقتصادی ایتالیا به مذاکره و رایزنی با شرکت های بخش خصوصی و توافق با مسئولان وزارت راه و شهرسازی بر سر نحوه همکاری مشترک و ارائه تضمین های لازم برای حسن همکاری هایی که قرار است اقتصاد و زیرساخت های دو کشور را در آینده نزدیک با تحولات عمده همراه کند، سپری شد.

سندیکای شرکت های ساختمانی ایران در روز سه شنبه ۲۰ بهمن ماه با برگزاری گردهمایی مشترک بین مقامات بخش دولتی و شرکت های بخش خصوصی دو کشور ایران و ایتالیا، تحت عنوان گردهمایی پیشگامان صنعت ساخت: سرمایه گذاری در سازندگی زیربنایی (ایران + ایتالیا)، زمینه ای فراهم کرد تا علاوه بر دیدار و قول مشترک وزیر راه و

همزمان با برگزاری گردهمایی پیشگامان صنعت ساخت در سندیکای شرکت های ساختمانی ایران، اولین حضور عملیاتی هیأت های بزرگ اقتصادی خارجی به کشور در دوران پساتحریم با سفر دو روزه هیأت بزرگ اقتصادی ایتالیا به ایران کلید خورد تا مذاکرات اولیه ۱۹۷ شرکت، انجمن و بانک این کشور با شرکت های بخش خصوصی و دولت ایران در زمینه همکاری های مشترک در حوزه حمل و نقل، امور زیربنایی و کشاورزی صورت عملی به خود بگیرد.

در این سفر دو روزه که به ریاست دو تن از وزرای کشور ایتالیا - وزیر حمل و نقل و امور زیربنایی و وزیر کشاورزی این کشور - صورت گرفت برجسته ترین شرکت های بخش خصوصی ایران با نمایندگان بخش خصوصی و دولتی کشور ایتالیا دیدار کردند و با برگزاری گردهمایی مشترک هم اندیشی در محل سندیکای شرکت های ساختمانی ایران، مقدمات

سه مزیت نشست هم اندیشی ایران و ایتالیا در سندیکا

حمل و نقل و امور زیربنایی و کشاورزی این کشور اروپایی، ۲۰ بهمن ماه سفری دو روزه به تهران داشت.

این هیات اقتصادی در پی سفر سه روزه «دکتر حسن روحانی» رئیس جمهوری اسلامی ایران در پنجم بهمن ماه (۲۵ ژانویه ۲۰۱۶) و انعقاد توافقنامه‌های همکاری میان تهران - رم به ایران سفر کرد. «مائوریتزیو مارتینا» وزیر کشاورزی و «گراتیانو دل ریو» وزیر حمل و نقل و امور زیربنایی ایتالیا ریاست این هیات بزرگ اقتصادی را برعهده داشتند.

در راس دو هیأت بزرگ اقتصادی و در کنار بزرگترین شرکت‌های ساختمانی بخش خصوصی دو کشور، اعلام آمادگی و حضور نماینده بیمه اعتباری ساچه برای تضمین مالی و اعتباری پروژه‌ها و همچنین برگزاری جلسات رودررو و بدون واسطه تجاری میان نمایندگان شرکت‌های ساختمانی دو کشور سه مزیت عمده این گردهمایی به شمار می‌رود. بنا بر این گزارش، هیات بزرگ اقتصادی ایتالیا متشکل از ۳۱۰ نفر به نمایندگی از ۱۹۷ شرکت، انجمن و بانک در امور زیربنایی، سازه، نفت، گاز و کشاورزی به ریاست وزیران

در این حضور مشترک پس از اعلام موافقت روسای وزارتخانه‌های دو کشور برای حمایت از همکاری‌های مشترک شرکت‌های ساختمانی، اولین مذاکرات مستقیم و بدون واسطه تجاری - مذاکرات B2B - شرکت‌های ساختمانی ایران و ایتالیا انجام شد تا هر کدام از این شرکت‌ها با اطلاع از جزئیات و ریز اطلاعات مربوط به هر یک از پروژه‌های ساختمانی نسبت به انعقاد تفاهم نامه و قرارداد با شرکت‌های ایرانی اقدام کنند. حضور مشترک دو وزیر راه و شهرسازی و حمل و نقل و امور زیربنایی ایران و ایتالیا



سابقه همکاری بخش خصوصی با شرکت‌های ساختمانی جهان



حوزه برشمرد. ملکبانی فرد بر حضور روسای شرکت‌های بزرگ فنی و ساختمانی ایتالیا به عنوان فرصت و امتیاز بزرگی برای تبادل اطلاعات و دانش فنی و عمرانی تأکید کرد.

عمرانی کشور سابقه قبلی و طولانی در این زمینه وجود دارد. منوچهر ملکبانی فرد با ارائه اطلاعاتی در خصوص نحوه فعالیت و مشارکت شرکت‌های ایرانی با شرکت‌های ساختمانی دنیا اظهار امیدواری کرد: این گردهمایی مشترک زمینه ساز آغاز همکاری‌های گسترده و عمیق دو جانبه بین دو کشور ایران و ایتالیا باشد. وی فرصت ایجاد شده برای حضور روسای بزرگترین شرکت‌های ساختمانی این کشور در پروژه‌های فنی و عمرانی را ظرفیت بزرگی در این

رئیس هیأت مدیره سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران در این گردهمایی ضمن خوش آمدگویی به هیأت بزرگ اقتصادی کشور ایتالیا و مسئولان وزارت راه و شهرسازی، فعالان و روسای شرکت‌های ساختمانی، با اشاره به سابقه ۶۸ ساله سندیکای شرکت‌های ساختمانی در فعالیت‌های عمرانی و آبادانی کشور، گفت: این اولین بار نیست که شرکت‌های ایرانی با فعالان خارجی و شرکت‌های ساختمانی جهان همکاری و مشارکت می‌کنند و در اجرای پروژه‌های



استقبال وزیر راه و زیربنایی ایتالیا از همکاری با ایران

وزیر حمل و نقل و امور زیربنایی ایتالیا در نشست هم‌اندیشی شرکت‌های ساختمانی ایران و کشور ایتالیا که به میزبانی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران و با حضور ده‌ها نفر از سران دولتی و شرکت‌های بخش خصوصی دو کشور برگزار شد، گفت: ما اینجا هستیم تا روابط دوستانه خود را با دولت ایران و شرکت‌های بخش خصوصی ایران تقویت کنیم. ما و شما تجربیات بسیاری برای اشتراک گذاشتن با یکدیگر داریم و اعتقاد داریم ما می‌توانیم به خوبی با هم رشد کنیم. وی ادامه داد: ایران طرح‌های بزرگی در بخش‌های زیربنایی متفاوتی چون راه آهن، بزرگراه‌ها، بنادر و واحداث شهرهای جدید دارد که برای مشارکت در آنها باید فناوری پیشرفته و ابزار مالی لازم را ارائه و همکاری‌ها را هر چه سریعتر عملی کنیم.

«گراتیانو دل ریو» وزیر حمل و نقل و امور زیربنایی ایتالیا اظهار داشت: با توجه به حجم انبوه طرح‌های موجود در ایران و اهمیت نقش بیمه اعتباری «ساجه» و دیگر نهادهای ایتالیایی درگیر در تخصیص بیمه صادرات و اعتبارات، در پی افزایش سقف تضمین اعتبارات هستیم.

وزیر زیرساخت‌ها و حمل و نقل ایتالیا با بیان اینکه ایرانی‌ها دوستان ما هستند گفت: ما در ایران هستیم تا با شما همکاران خودمان

و مهندسان درباره پروژه‌های مختلف عمرانی و فعالیت در زیرساخت‌های حمل و نقل از قبیل دریایی، هوایی، ریلی و جاده‌ای گفتگو کنیم.

وی ادامه داد: در این سفر ایران را کشوری علاقمند به رشد و توسعه اقتصادی مشاهده و درک کردم. همچنین جلساتی با دکتر آخوندی وزیر راه و شهرسازی ایران چه در سفر با دکتر روحانی به رم و چه در سفر هیأت ایتالیایی به ایران داشتیم که برگزاری این جلسات به تمام دنیا اعلام می‌کند که ایران و ایتالیا در حال گذار به سمت برقراری روابط دوستانه و جدیدی هستند.

این مقام دولت ایتالیا تصریح کرد: قرار است در زمینه فروش هواپیما و همچنین ساخت خدمات زیربنایی حمل و نقل با وزارت راه و شهرسازی ایران همکاری کنیم تا روابط خود را با ایران توسعه دهیم و دولت ایتالیا از هر شرکتی که در ایران سرمایه‌گذاری کند همه‌گونه حمایتی به عمل خواهد آورد.

دل ریو گفت: فهرست فرصت‌های کار با ایران طولانی است و باید مورد بررسی قرار گیرد. برخورد ایران با ایتالیا همراه با اعتماد و گشایش بوده است. این مقام دولت ایتالیا تصریح کرد: بسیار خوشحال و مفتخرم که وزیر راه و شهرسازی ایران از ما خواسته

است با همراهی یکدیگر، استراتژی مربوط به یک طرح بزرگ مدرنیزاسیون در این کشور را مورد مطالعه قرار دهیم. دیگر نوبت ماست که از خود تحرک نشان دهیم و دست همکاری خود را به سمت ایران و شرکت‌های بخش خصوصی آن دراز کنیم.

وزیر راه و زیرساخت ایتالیا در این نشست با ابراز رضایت از بازگشایی مسیر تبادل دانش، تجربه و تامین مالی بین ایران و سایر کشورها پس از توافق هسته‌ای خطاب به مسئولان دولتی و فعالان بخش خصوصی ایران اعلام کرد: ایتالیا به‌عنوان یک شریک، خواهان گسترش روابط با ایران در زمینه‌های گوناگون راه، مسکن و امور زیرساختی است.

وی با بیان اینکه به دلیل وجود تحریم‌ها و بسته بودن دروازه‌های دنیا به روی کشور و اقتصاد ایران طی دوران تحریم، سال‌ها از همکاری مشترک با دولت و مهندسان ایرانی به دور بوده‌ایم؛ به نقش موثر ایران در ایجاد ثبات و توسعه جهانی، صلح و تبادل دانش، تجربه فنی و گسترش تجارت با دنیا اشاره کرد و گفت: دولت ایتالیا در تمام حوزه‌های نفت و گاز و زیر بنایی از جمله راه‌سازی جاده‌ای، راه‌آهن، صنایع هوایی و دریایی خواهان مشارکت با دولت و شرکت‌های ساختمانی بخش خصوصی در ایران است.



رقابت بی واسطه شرکت‌های خارجی در ایران

وزیر راه و شهرسازی ایران هم در این گردهمایی مشترک با اعلام آمادگی برای حمایت از شرکت‌های ایرانی و فراهم کردن بستر همکاری دو جانبه برای جذب سرمایه از کشور ایتالیا در حوزه‌های گوناگون پروژه‌های زیربنایی، راه و شهرسازی گفت: این جلسه، گردهمایی هم‌اندیشی شرکت‌های ساختمانی ایران و ایتالیا است آن هم در زمانی که دو کشور رابطه خوبی در دوره ریاست جمهوری دکتر روحانی و دولت یازدهم دارند. باعث افتخار من است که در این جمع حاضر باشم، جمعی که در آن همکاران ایرانی من، شرکت‌های بسیار سرشناس ساختمانی ما حضور دارند.

عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: قطعاً ایتالیا یکی از طرف‌های اصلی کاری ما در اروپا است، ایتالیا یکی از اولین کشورهایی است که دکتر روحانی از ابتدای ریاست جمهوری به آنجا سفر کرده و ایشان انتخاب کردند تا ایتالیا اولین کشوری باشد که پس از رسیدن به توافق اخیر به آنجا سفر نمایند و این موضوع نشان می‌دهد که ما علاقه مند به توسعه روابط دو کشور هستیم. وی تصریح کرد: من فکر می‌کنم ما ارتباط دوباره با ایتالیا را مجدداً از سر گرفته ایم و این بار در تمامی سطوح ممکن.

وی با اشاره به فاصله بسیار کم مدت زمان سفر هیأت ایتالیایی به تهران پس از سفر هیأت ایرانی به ایتالیا خطاب به وزیر راه و

امور زیربنایی ایتالیا گفت: همکاران من، این شرکت‌های ساختمانی که امروز در این گردهمایی حضور دارند، شرکت‌هایی هستند که پروژه‌های بسیار زیادی را در سراسر ایران به انجام رسانده‌اند. تقریباً تمامی ساختمان‌های اصلی و پروژه‌ها و امکانات اصلی در ایران توسط اینان ساخته شده، پروژه‌های زیربنایی در زمینه‌های مختلف در بنادر، جاده‌ها، فرودگاه‌ها، راه آهن‌ها، همین‌طور در سایر صنایع همانند پتروشیمی و نفت و گاز، همه توسط این شرکت‌های همکار به سرانجام رسیده است، به همین دلیل اینان برای ما بسیار عزیز هستند. وی ادامه داد: من امروز به شما پیشنهاد می‌دهم که همکاری بسیار خوبی را بین شرکت‌های ایتالیایی و این شرکت‌های ایرانی به وجود آورید چرا که هر رابطه‌ای که میان دولت ایران و ایتالیا ساخته شود تکیه بر این همکاری فی مابین شرکت‌های ایرانی و ایتالیایی خواهد داشت. آخوندی افزود: شرکت‌های ایرانی و مهندسان ایرانی از دانش بالایی برخوردارند بنابراین سرمایه‌گذاری ایتالیایی‌ها در پروژه‌های عمرانی ایران سود سرشاری را نصیب آنان خواهد کرد.

وی با تأکید بر امکان همکاری مشترک شرکت‌های ایرانی و ایتالیایی در پروژه‌های یکدیگر در فضای رقابتی، اضافه کرد: همانگونه که در نشست‌های گذشته نیز بیان کرده‌ام، ما پروژه‌های بسیاری در زمینه‌های

مختلف داریم از پروژه‌های زیربنایی انواع راه، راه آهن، فرودگاه‌ها، صنایع دریایی و بنادر و غیره، که امروز زمان حرکت به جلو و اجرایی کردن تمامی این پروژه‌ها از طریق همکاری بین شرکت‌هایمان می‌باشد. وزیر راه و شهرسازی مهم‌ترین نکته در توسعه همکاری‌های مشترک دو کشور را وجود رقابت مثبت میان شرکت‌های فعال دو کشور معرفی و بیان کرد: علاقه شدید ما به ایجاد رقابت سالم و عادلانه میان شرکت‌های ایرانی و بین‌المللی است. وی ادامه داد: ما به دنبال رابطه برد-برد هستیم و به همین دلیل آمادگی همکاری با کشورهای مختلف به ویژه ایتالیا را داریم، و امروز با این همکاری می‌توانیم از یکدیگر بیاموزیم و با هم رشد نماییم به همین دلیل اشتیاق زیادی برای همکاری بین شرکت‌های طرفین وجود دارد. آخوندی تصریح کرد: نکته مهم دیگر در این همکاری‌ها سرمایه‌گذاری مستقیم و بدون واسطه شرکت‌های ایتالیایی در ایران است. وی با بیان اینکه با وجود حضور شرکت‌های ایتالیایی در ایران سایر کشورهای اروپایی نیز به ایران می‌آیند، افزود: هرگونه سرمایه‌گذاری تنها به شرط انتقال دانش و فناوری به شرکت‌های ایرانی امکان پذیر است. ضمن اینکه همکاری‌های بانکی و صنعتی نیز برای ما اهمیت دارد. آخوندی اظهار امیدواری کرد که دو کشور بتوانند در دوره پسا برجام روابط نوینی را رقم بگذارند.





مریم خوانساری مدیر روابط بین الملل سندیکای شرکت های ساختمانی ایران و دبیر همایش، ماسیموروستیکو معاون وزارت خارجه و مدیر انجمن شرکت های ساختمانی ایتالیا به گفتگو با موضوع نقش بخش خصوصی و ارتباط شرکت های بخش خصوصی ایران و ایتالیا پرداختند.

در ادامه بخش اول از گردهمایی پیشگامان صنعت ساخت، دو پانل تشکیل گردید که پانل اول با حضور محمدرضا انصاری نایب رییس اتاق بازرگانی و رییس شورای هماهنگی تشکلهای مهندسی، هرمزد رامینه رییس هیأت مدیره جامعه مهندسان مشاور ایران،



پیام روشن دولت برای بخش خصوصی

اشاره کنم این است که زمان زیادی از این همکاری سپری شده است و اکنون در ایران امروز، شما با پتانسیل های بسیار بیشتری در مهندسان و شرکت های ایرانی رو به رو هستید و توانایی های زیادی را

همکاری مشترک بین شرکت های ایرانی و ایتالیایی تأکید کرد. وی با اشاره به سابقه ۴۰ ساله همکاری وی با شرکت های ایتالیایی، خطاب به ایتالیایی ها تصریح کرد: آنچه مایلیم به آن

نایب رییس اتاق بازرگانی و رییس شورای هماهنگی تشکلهای مهندسی و ساختمانی در این گردهمایی گفت: افتخار داریم که در این گردهمایی به عنوان یکی از اعضای هیأت مذاکره کننده بخش خصوصی با هیأت بزرگ اقتصادی ایتالیا با حضور وزرای راه و شهرسازی و حمل و نقل دو کشور حضور داشته باشیم. می دانم مشتاقان زیادی برای مشارکت اقتصادی و انجام پروژه های زیر بنایی با شرکت های بخش خصوصی ایران از سراسر دنیا وجود دارد با توجه به اینکه هم اکنون زمینه همکاری مشتاقانه زیادی هم، برای ما در دوران پسا تحریم ایجاد شده است. محمدرضا انصاری با بیان اینکه پس از رفع تحریم ها ایتالیا اولین کشوری بود که مصمم به ایجاد روابط و تعامل مشترک اقتصادی با ایران شد، با اشاره به سخنان وزیر راه و شهرسازی، بر اهمیت حمایت دولت از



می توانید در شرکت های ایرانی مشاهده کنید.

انصاری تاکید کرد: هم اکنون ایتالیایی ها شرکای بهتری در مقایسه با دو دهه قبل می توانند در ایران داشته باشند که بخشی از این توانمندی ها در نتیجه دوران تحریم و تلاش مهندسان ایرانی برای دور زدن تحریم حاصل شده است. طوریکه اگر هم اکنون بر فراز ایران پرواز کنید مشاهده می کنید که پروژه های زیادی در این دوران ساخته شده که همه بر

پایه تکنولوژی های بومی و مدیریت متفاوتی بوده که در طول این زمان رشد کرده است.

وی خاطرنشان کرد: شرکت های ایرانی در ۲۰ سال گذشته در ۶۰ کشور دنیا فعالیت کرده اند و هم اکنون حدود ۸۰ شرکت ایرانی داریم که به صورت موفق در خارج از کشور کار می کنند. انصاری با بیان اینکه لازم است به این پتانسیل ها توجه کنیم خاطرنشان کرد: دولت ایران همواره در زمینه های مختلف به همکاری متقابل و نه یک جانبه تاکید دارد.

ما نه تنها در ایران بلکه در منطقه می توانیم با شرکت های دنیا کار کنیم و با توجه به نزدیکی فرهنگی با سایر کشورهای منطقه، همکاری شرکت های ایتالیایی و اروپایی با بخش خصوصی ایران به منزله دروازه ورود به بازار سرمایه گذاری منطقه است.

وی خطاب به شرکت های ایتالیایی گفت: می توانیم با توجه به نزدیکی ها و روابط منطقه ای با سایر کشورهای همسایه، زمینه همکاری شما در این کشورها را هم فراهم کنیم.

مهندسان مشاور، پل ارتباطی شرکت های ایرانی و خارجی

در ادامه پانل، رییس هیأت مدیره جامعه مهندسان مشاور ایران هم ضمن بیان خیر مقدم به هیأت بزرگ اقتصادی ایتالیا به تهران، گفت: رابطه ما با کشور ایتالیا بسیار فراتر از آن است که تصور می شود؛ در دهه ۶۰ شرکت های ایتالیایی همکاری های گسترده خود را با ما آغاز کردند و ما در آن سال ها پروژه های بسیار خوبی را با همکاری آن ها انجام دادیم؛ اکنون در سال ۲۰۱۶ قرار داریم و شرایط اقتصادی و کاری بسیار متفاوت تر از چیزی است که در آن سال ها شاهد بودیم.

هرمزد رامینه در ادامه به معرفی انجمن مهندسان مشاور پرداخت و گفت: انجمن مهندسان مشاور ایران در سال ۱۹۷۳ تاسیس

شد و هم اکنون این انجمن در برگیرنده ۲۰ رشته مختلف با ۸۰۰ عضو از شرکت های خصوصی است. در واقع هر شرکت مستقل مشاوره در ایران جزو این انجمن است و ما در زمینه نفت، راه، فرودگاه، راه آهن، آب، فاضلاب، سد، آبیاری، دامپوری و غیره فعالیت می کنیم. در واقع شرکت های ما تمامی طیف فعالیت های مهندسی زیربنایی ها را پوشش می دهند. انجمن ما همچنین نماینده فدراسیون بین المللی مهندسان مشاور است. وی خاطرنشان کرد: شرکت های مهندسان مشاور ما در کشورهای متفاوتی در بازارهای بین المللی به ارائه خدمات مشغول هستند و در ایران این شرکت ها سرمایه گذاری های مشترک (Joint venture) بسیاری با

شرکت های دنیا دارند؛ شرکت های ما کاملا با پیمانکاران بین المللی آشنا هستند و با سایر کشورها مشارکت دارند. به عنوان مثال ما هم اکنون در آفریقا و آسیای میانه مشغول فعالیت هستیم.

رامینه افزود: همانطور که آقای آخوندی، وزیر راه و شهرسازی اعلام کرد برای کار در ایران نیاز به واسطه ندارید و مستقیما با شرکت های مشاوره ما از طریق انجمن مهندسان مشاور ارتباط پیدا می کنید. می توانیم به شما این اطمینان را بدهیم که کسانی را که برای کار با آن ها نیاز دارید معرفی خواهیم کرد و با کمک به شناسایی این افراد و شرکت ها هر چه سریعتر شما را برای انعقاد قرارداد با آن ها یاری خواهیم رساند.

شفافیت مالی ضرورت همکاری دو جانبه ایران و ایتالیا

معاون وزارت خارجه و مدیر انجمن شرکت های ساختمانی ایتالیا (ANCE) با تاکید بر ضرورت ایجاد نظام شراکت دو طرفه در انتقال دانش و تجربه فنی، تصریح کرد: آنچه مهم است ورود شرکت های جدید و بین المللی به ایران و تامین مالی پروژه های زیربنایی است.

ماسیمو روستیکو با بیان اینکه اصول، نحوه و

میزان تامین مالی و حجم سرمایه گذاری باید به صورت دقیق برنامه ریزی و مشخص شود، مشارکت دو طرفه و همکاری دو جانبه بین شرکت های ساختمانی دو کشور را مهمترین اصل اساسی این همکاری عنوان کرد.

وی با تشکر از میزبانی و همکاری مناسب سندیکای شرکت های ساختمانی ایران در برگزاری این گردهمایی خاطرنشان کرد: هم

اکنون بیش از ۲۰۰ شرکت ساختمانی فعال از شرکت های بزرگ، متوسط و کوچک داریم که آماده همکاری مشترک با بخش خصوصی ایران در امور زیربنایی و حمل و نقل می باشند و امروز اینجا حاضر هستند تا شروعی باشد برای این همکاری.

روستیکو با بیان اینکه امروز صنایع ساختمانی ایتالیا دید خوبی به شرکت های

بخش خصوصی ایرانی دارند، گفت: ۲۰ سال پیش به عنوان یک دیپلمات در ایران بودم، آن زمان شرکت‌های ایتالیایی بسیار زیادی در این همکاری داشتند و شرایط بسیار مناسبی جهت پیشرفت شرکت‌ها

وجود داشت و اکنون پس از رفع تحریم‌ها دروازه‌های خوبی برای همکاری‌های دو جانبه و آغاز تعاملات فی ما بین به روی ما باز شده است. ما با شما رقیب نیستیم و به هیچ وجه دنبال رقابت نیامده ایم، بلکه خواهان

شراکت با شرکت‌های ایرانی هستیم و می‌خواهیم دانش ما را با شما شریک شویم تا با هم و در کنار هم رشد کنیم؛ این رشد باید هم در بازارهای داخلی ایران و ایتالیا باشد و هم در سطح بازارهای بین‌المللی.



وی گفت: انجمن شرکت‌های ساختمانی ایتالیا پانزده هزار عضو دارد؛ این اعضا هم اکنون در ۸۵ کشور و ۵ قاره مشغول به کار و فعالیت هستند و از پتانسیل‌های بالایی برخوردارند. به گفته وی هم اکنون این شرکت‌ها حدود ۱۰۰ میلیارد یورو سرمایه در ساخت و سازها به کار گرفته اند که سالانه این مبلغ بین ۱۰ تا ۱۵ میلیارد یورو افزایش می‌یابد و سرمایه در گردش بین‌المللی به این ترتیب به رشد ادامه می‌یابد که البته متأسفانه بیشتر از

سرمایه در گردش ملی است اما این امری است اجتناب ناپذیر. مدیر انجمن شرکت‌های ساختمانی ایتالیا با ابراز امیدواری از موقعیت ایجاد شده برای تعامل دو کشور گفت: مطمئنم فرصت‌های بسیار خوبی خواهیم داشت و آنچه برای ما بسیار مهم است ورود شرکت‌های جدید به ایران و ادامه همکاری‌های مشترک در این زمینه است. انتخاب پروژه‌های مناسب، پروژه‌هایی که برای دولت‌ها

مناسب هستند، پروژه‌هایی که برای آنها امکان‌سنجی صورت گرفته، امکان‌سنجی واقع‌گرایانه، اولین مرحله است. پس از این وارد مرحله بعدی می‌شویم که سرمایه‌گذاری و تأمین مالی نهاد جدیدی است که شرکت ایتالیایی و ایرانی با هم می‌سازند و مالک پروژه می‌شوند. روستیکو افزود: اگر این مسیر درست طی شود و اگر دولت ایران شرکت‌ها را در این مسیر حمایت نماید، من مطمئن هستم که موفق می‌شویم.

سازندگی زیربنایی آغاز مسیر رشد و توسعه

دبیر گردهمایی پیشگامان صنعت ساخت هم در این مراسم با بیان خیرمقدم خطاب به حاضران گفت: از تمامی حاضرین که جمعی هستند از انجمن‌ها و ارگان‌های خصوصی و دولتی ایران و ایتالیا تشکر می‌کنیم که در این گردهمایی حضور یافته‌اند. اما آنچه مهم است حضور نمایندگان شرکت‌ها در این جمع می‌باشد، هر نماینده‌ای که بر خودش باور داشته برای به وجود آوردن تغییر در کشورش، ایران یا ایتالیا. کسانی

که امروز در این گردهمایی حضور دارند با ارزش‌ترین دارایی خود یعنی زمان خود را به ما اختصاص داده‌اند چرا که باور داشته‌اند که می‌توانند به ارزش‌های کشورشان بیافزایند. مریم خوانساری تصریح کرد ما قدر انگیزه و خواسته شما را میدانیم و امروز با گردهم آوردن پیشگامان خصوصی و دولتی در صنعت ساخت تلاش نموده ایم شرایطی را فراهم آوریم تا بتوانید با مذاکره صحیح و اصولی به شروع همکاری‌های

دوجانبه بپردازید. همکاران ایتالیایی که امروز به این گردهمایی آمده‌اند نه به دلیل شروع آشنایی با جامعه ایران که به دلیل شروع همکاری در پروژه‌های زیربنایی که به عقیده من مهمترین صنعت هر کشوری است به اینجا آمده‌اند و این فرصت ویژه‌ای است که با توجه به اعلام پشتیبانی هر دو دولت از شرکت‌ها، بایستی قدر آن را دانست و به بهترین نحو در راستای پیشرفت و توسعه از آن استفاده نمود.



در ادامه پانل دوم، رامبینه و روستیکو جای خود را به کریستیانا مورلی، یکی از مدیران ارشد بیمه سرمایه گذاری ساچه دادند. در

این پانل که با موضوع سرمایه گذاری در ایران و به صورت پرسش و پاسخ تشکیل گردید، در ادامه گفتگوها اصغر فخریه کاشان

قائم مقام وزیر راه و شهرسازی در امور بین الملل نیز به جمع حاضران در پانل پیوست.



ورود بیمه سرمایه گذاری ساچه به ایران

حضور مدیران بیمه سرمایه گذاری بین المللی ساچه در گردهمایی پیشگامان صنعت ساخت یکی از مهمترین نقاط قوت اولین فصل از حضور شرکت های خارجی برای سرمایه گذاری در ایران در دوران پسا تحریم به شمار می رود.

در این زمینه، یکی از مدیران ارشد شرکت بیمه ساچه در مورد نحوه گارانتی قراردادهای ساختمانی برای حضور و سرمایه گذاری شرکت های خارجی در ایران گفت: ساچه به عنوان ضمانت کننده قراردادهای ساختمانی می تواند شرایط تضمین میانگین ۸۵ درصدی بازدهی قراردادهای شرکت های ساختمانی ایتالیایی در ایران فراهم کند. به گفته کریستیانا مورلی، تنها چیزی که این شرکت بیمه سرمایه گذاری برای تضمین سرمایه گذاری ایتالیایی ها در ایران به آن نیازمند است اطلاع از جزئیات دقیق قراردادها برای تضمین اسناد مالی آن ها و

گارانتی دولت ایران است.

وی خاطرنشان کرد: باید قراردادهای تجاری را تحلیل کنیم و در نهایت بازپرداخت سرمایه توسط وزارت امور دارایی ایران تضمین شود. بررسی مدارک جهت تضمین هر قرارداد ممکن است حدود یک تا دو ماه طول بکشد که این موضوع به نسبت پیچیدگی قراردادها و حجم آن ها و همچنین روند پیشرفت مذاکرات متفاوت است.

کریستیانا مورلی ادامه داد: این تضمین سرمایه برای هر کدام از پروژه ها به صورت جداگانه و در فرمول های مختلفی صورت خواهد گرفت که می تواند تا ۸۵ درصد از ارزش قراردادهای صادرات را برای این شرکت ها تضمین کند. همین طور ساچه می تواند با پاره ای از محدودیت ها، تا ۳۰ درصد از هزینه های محلی از ارزش قراردادهای صادرات را نیز پشتیبانی نماید. حق بیمه ما می تواند تا ۱۰۰ درصد تأمین مالی شود.

وی پوشش مالی ساچه برای شرکت ها را بسیار بلند مدت اعلام کرد و افزود: این پوشش مالی بلند مدت در پروژه های مختلف می تواند متفاوت باشد، برای مثال برای پروژه زیربنایی مانند راه آهن می توان پوشش مالی قرارداد بلندمدت را تا ۱۴ سال از زمان تکمیل پروژه عنوان کرد و افزود: در صورتی که شرکت ها و دولت ایران به هر دلیلی موفق به بازپرداخت سرمایه به شرکت های خارجی نشوند این بازپرداخت در مدت زمان توافق شده در متن قرارداد از طرف ساچه انجام می پذیرد ضمن اینکه گارانتی های پرداخت هم یک بار دیگر از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی ایران تضمین خواهد شد

مورلی تصریح کرد: ما می خواهیم به ساده ترین شکل ممکن همکاری نماییم، لذا باید در ابتدایی ترین زمان آغاز همکاری دو شرکت برای انجام یک پروژه در جریان امور قرار



بگیریم و باید کلیه مدارک و جزئیات پروژه به ما ارائه گردد.

وی با بیان اینکه ساچه قبلا هم در ایران فعالیت داشته است بر حمایت از کار، سرمایه و فعالیت شرکت‌های ایتالیایی در ایران تاکید کرد و خاطرنشان کرد: ما حتی در دوران تحریم هم رابطه و همکاری خود را با شرکت‌ها و دولت ایران حفظ کرده و هم اکنون به دنبال گسترش آن هستیم. در همین راستا پس از رفع تحریم‌ها تفاهم نامه‌های زیادی امضاء گردیده است اما زمان آن فرارسیده تا از امضاء تفاهم نامه گذشته و به مرحله بعد بیایید: پروژه‌های مناسب را یافته و به گفتگو درباره مدارک مالی پروژه‌ها با ما بپردازید.

وی افزود: طی ده سال گذشته ساچه در فرایند رشد خود به شرکتی بزرگ تبدیل شده و در حال حاضر به جایی رسیده ایم که می‌توانیم از هر نوع سرمایه‌گذاری و صادرات ایتالیا حمایت کنیم.

شویم. معمولا هیأت مدیره ما یک تا دو بار در ماه تشکیل جلسه می‌دهد که در صورت نیاز و در صورت آماده بودن پروژه‌های نیازمند تضمین، می‌توان این جلسات را زودتر هم برگزار کرد.

مورلی خاطرنشان کرد: حضور دکتر روحانی در رم موفقیت بزرگی بود؛ اکنون که تحریم‌ها برداشته شده و موافقتنامه بین ساچه و ایران منعقد شده است می‌توانیم به صورت مجدد در ایران به صورت گسترده وارد

ابهام در همکاری در صورت بازگشت تحریم‌ها

نگرانی‌های سرمایه‌گذاران خارجی مبنی بر احتمال بازگشت تحریم‌ها و ابهاماتی که در نتیجه آن برای شرکت‌های خارجی وجود دارد، خاطرنشان کرد: بسیاری از شرکت‌هایی که علاقه‌مند به همکاری و سرمایه‌گذاری در ایران هستند ممکن است با این ابهام مواجه باشند که در صورت بازگشت تحریم‌ها تکلیف سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های آنان در ایران چه خواهد شد. وی توضیح داد: در جلسات دولت و وزارت امور خارجه با سران سیاسی جهان تلاش شده است تصمیم‌گیری‌های مناسبی انجام شود تا در صورت بروز چنین مشکلی هیچ‌یک از طرفین اقتصادی درگیر در پروژه‌ها متحمل ضرر و زیان نشوند؛ این در حالی است که با توجه به فضای مثبت بین ایران و جامعه جهانی احتمال بازگشت تحریم‌ها بسیار ضعیف خواهد بود. به گفته وی هنوز پاسخ قطعی و کاملاً روشنی

کشورها برای امکان وام‌دهی بانک‌های خارجی به بانک‌ها و شرکت‌های ایرانی است و اولین مسئله ما در مقطع زمانی فعلی این است که دولت‌های خارجی مصمم به انجام این کار شوند. فخریه کاشان، با اشاره به برخی

قائم‌مقام وزیر راه و شهرسازی در امور بین‌الملل نیز با بیان اینکه استفاده از سرمایه خارجی در مقطع زمانی فعلی موضوعی چندوجهی است، گفت: آنچه در حال حاضر و در این زمینه در اولویت قرار دارد، برقراری بیمه رایج سرمایه‌گذاری در



به این ابهام داده نشده است هر چند در راهنمایی‌هایی که تاکنون بعد از اجرای برجام نوشته شده یا در حال تدوین است تقریباً به ۹۰ درصد از ابهامات موجود پاسخ داده شده است اما هنوز به طور قطع و یقین

در مورد اینکه سرنوشت این همکاری‌ها در صورت بازگشت احتمالی تحریم‌ها چه خواهد شد حکم نهایی صادر نشده است. فخریه کاشان پاسخگویی به این ابهام را برعهده شرکت‌های بیمه سرمایه‌گذاری

قرار داد و گفت: باید دید شرکت‌های بیمه سرمایه‌گذاری که قرار است ارزش قراردادها و حجم سرمایه‌های خارجی در ایران را تضمین کنند چه راهکاری برای این موضوع اندیشیده یا می‌اندیشند.

پرسش و پاسخ از ساچه

سوال:

درباره همکاری شرکت‌های ایرانی و ایتالیایی صحبت می‌کنیم، فرض کنید یک شرکت ایرانی و یک شرکت ایتالیایی شریک شوند، آیا می‌توانید روش و راهکار رسیدن به ساچه را اعلام کنید و اینکه چه مدت زمان برای گرفتن تأیید از ساچه لازم است؟

پاسخ:

زمان انجام می‌تواند بسیار سریع باشد. ما نیاز به کلیه جزئیات برای رسیدن به یک قرارداد داریم. البته ما قادر به حمایت و پشتیبانی از همکاری‌های شرکت‌های ایرانی و ایتالیایی هستیم. البته ما باید از تکنولوژی و تجهیزات ساخت ایتالیا هم استفاده کنیم چرا که ما برای بازاریابی آنها در ایران هستیم. با رعایت محدودیتهائی، می‌توانیم از تجهیزات بومی نیز استفاده نماییم. لازم است قراردادهای بازرگانی تجزیه و تحلیل شده و درباره تسهیلات اعتباری صادرات بحث و گفتگو شود. این بدان معناست که موافقت وام و تضمین پرداخت، بسته به روند مذاکرات، حدود دو ماهی به طول می‌انجامد. معمولاً ماهی یک یا دو بار هیأت مدیره ما جلسه دارند اما اگر پروژه خاصی مدنظر باشد، جلسه فوق العاده قابل برگزاری است.



سوال:

وقتی شما می‌گویید که ۸۵ درصد تضمین می‌کنید، برای مثال وقتی یک قرارداد همکاری ۵۰-۵۰ وجود دارد، شما چقدر ضمانت می‌کنید؟ آیا از کل مبلغ قرارداد ۸۵٪ را ضمانت می‌کنید؟

پاسخ:

مبلغ سرمایه‌گذاری می‌تواند تا ۸۵ درصد از ارزش قرارداد صادرات باشد. این بدان معناست که تمام مبلغ قرارداد، یعنی ارزش قرارداد صادرات و البته که صادرات شامل قسمت بومی نمی‌گردد. سپس ما می‌توانیم تا ۳۰ درصد از اصول قرارداد را finance کنیم. همچنین ۳۰ درصد از ارزش قرارداد صادرات می‌تواند مربوط به هزینه‌های بومی باشد و این هزینه‌های بومی می‌تواند به financing ما که شامل ۸۵٪ از ارزش کل قرارداد صادرات است، اضافه گردد. که در نتیجه سود ساچه را می‌توان ۱۰۰ درصد سرمایه‌گذاری کرد. به نوعی گارانتی ما ۱۰۰ درصد مبلغ سرمایه‌گذاری را پوشش می‌دهد. البته بر اساس تک تک و مورد به مورد موضوعات، نیازمند تأییدیه مسئولان می‌باشد.

سوال:

شرایط قابل قبول و ایمن پرداخت از سوی ساچه که موجب گارانتی ضمانت است به چه صورت است. یعنی شرایط عادی finance است مانند پوشش ECA به صورت ۸۵ درصد یا روش های دیگر هم مورد قبول است. البته که نحوه عملکرد و اقدام برای گرفتن پروژه، ما به صورت کنسرسیوم یا joint venture بین شرکت های ایرانی و ایتالیایی خواهد بود. روش مطمئن ورود سرمایه به داخل ایران، مانند روش پوشش ECA که نرّم اروپایی است که تا ۸۵ درصد را سرمایه گذار می آورد و ۱۵ درصد را مالک که دولت ایران می شود برعهده دارد. سوال من در واقع این است که آیا ساچه روش های دیگری را هم پشتیبانی می کند؟

پاسخ:

در ارتباط با ضمانت سرمایه گذاری، ما می توانیم تولیدات دیگرمان را ارائه دهیم برای مثال صدور ضمانت بابت اوراق قرضه پیمانکار، در صورتی که پرداخت توسط پیمانکار انجام نگرفته باشد ما می توانیم این گونه خدمات را ارائه دهیم. در مورد کارهای عمرانی ما می توانیم سیاستی در پیش بگیریم که ریسک تولید صادرکنندگان ایتالیایی را پوشش دهد. برای پیمانکارانی که تامین سرمایه نشده باشند ولی از طریق دولت حمایت می شوند هم ما بگونه ای تضمین می کنیم به طوریکه ضمانت پرداخت عادلانه مستقیم به صادر کننده باشد. ما می توانیم سرمایه گذاری شرکت های ایتالیایی را در شراکت تضمین نماییم. ما می توانیم بیمه خطرات سیاسی برای سرمایه گذاران ایتالیایی را در شراکت تنظیم نماییم. در حقیقت ما قادریم هنگامی که پیمانکار در محل مستقر شده است طیف وسیعی از امکانات را در اختیارش قرار دهیم.



سوال:

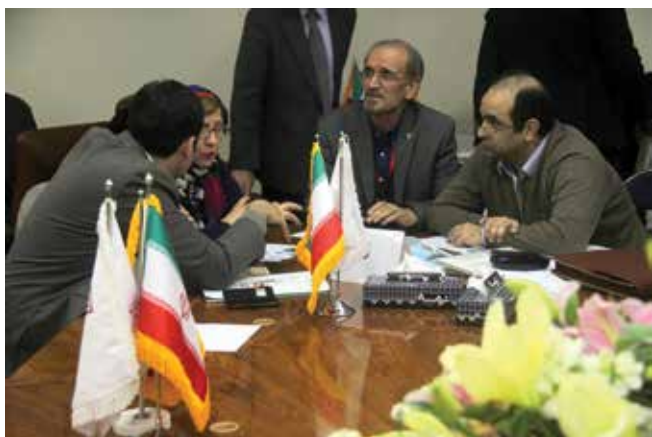
در رابطه با تضمین مستقل (sovereign guarantee) شما تنها ضمانت وزارت دارایی را قبول دارید آیا روش های دیگری وجود دارد؟ این روش معمول که ما سالها پیش از کشورهای خارجی مثل اروپایی ها یا دیگران داریم منظور من بطور اخص sovereign guarantee می باشد. به عنوان مثال از مدت ها پیش گارانتی پروژه های نفتی و گازی از طرف NIOC انجام می شود. اما ضمانت پروژه های غیر نفتی و گازی از نوع sovereign guarantee توسط وزارت دارایی می باشد که بطور معمول اعمال می گردد، آیا گارانتی های دیگری وجود دارد که مورد قبول ساچه می باشد؟

پاسخ:

اگر ما را جمع به ضمانت مستقل (sovereign guarantee) صحبت می کنیم این یک نوع گارانتی است که از طرف وزارت دارایی تضمین می شود همچنین واحدی که مستقیماً متعهد بودجه دولت است. این طریق متداولی است که ما برای sovereign guarantee نه تنها در ایران بلکه در سایر کشورها اعمال می کنیم البته ما آماده هرگونه تجزیه و تحلیل و همکاری برای ریسک های بانکی می باشیم خصوصاً برای سرمایه گذاری شرکت های کوچک و متوسط همچنین قراردادهای در رابطه با تامین ماشین آلات. ما اخیراً قرارداد با بانک های خصوصی امضا کرده ایم در نتیجه می توانیم برای پروژه های نه خیلی بزرگ، ماشین آلات تهیه نماییم. می توانیم ریسک های بانکی را هم مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم ریسک های همکاری مشترک را را مورد بحث قرار دهیم.



برگزاری ۲۹۹ جلسه B2B در سه ساعت



این گردهمایی از دو بخش تشکیل گردیده بود که بخش دوم به طور کامل به جلسات خصوصی رو در رو بین شرکت‌ها اختصاص داشت. به گفته دبیر گردهمایی پیشگامان صنعت ساخت در این مراسم در بخش دوم گردهمایی ۲۹۹ جلسه B2B ترتیب داده شد که در این نشست‌ها شرکت‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شدند؛ هر شرکت ایرانی با در اختیار داشتن یک میز، میزبان شرکت‌های ایتالیایی به طور مستقیم و در محدوده‌های زمانی مشخص بود و از این طریق هر دو طرف ایرانی و ایتالیایی در مورد پروژه‌ها، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و نحوه همکاری بایکدیگر به صورت رودر رو به دیدار و گفت‌وگو پرداختند. دسته دوم نشست‌ها، مربوط به جلسات آزاد و خود جوشی بود که به دلیل آشنایی که شرکت‌ها از سابقه و فعالیت یکدیگر پیدا کرده بودند به وجود می‌آمد و فضایی نیز به این دسته از جلسات اختصاص یافته بود.

مریم خوانساری، از در نظر گرفتن ۴۹ میز برای ۴۹ شرکت ایرانی به منظور میزبانی از مهمان خارجی خود خبر داد و افزود: در تمامی جلسات B2B که در برنامه‌های متفاوت برگزار می‌گردد متأسفانه به ایرانی‌ها کم لطفی گردیده و شرکت‌های مهمان خارجی به طور ثابت بر میزها نشستند، حال اینکه از اصول بین‌المللی چنین جلساتی این است که صاحبخانه پذیرای مهمان باشد. همچنین، در نهایت این شرکت ایرانی است که باید از میان شرکت‌های متفاوت خارجی یکی را برای همکاری انتخاب نماید و این موضوع تاکنون بسیار مورد کم لطفی برگزارکنندگان همایش‌های مختلف قرار گرفته است. همچنین این موضوع از ازدحام شرکت‌ها بر سر یک میز جلوگیری نموده و به برگزاری منظم تر جلسات مذاکره و رعایت خصوصی بودن جلسات برای طرفین کمک می‌نماید.

وی تصریح کرد: در این گردهمایی، شرکت‌های داوطلب به طور ثابت بر میزها مستقر بوده و با شرکت‌های متفاوت ایتالیایی ملاقات داشتند. برنامه این ملاقات‌ها بر اساس سایز، نوع فعالیت طرفین مذاکره و همچنین با توجه به درخواست ملاقات از یکی از طرفین، تنظیم گردیده بود. اصل اول در این مذاکرات رعایت نظم بود و پشت هر کدام از میزهای مذاکره بین ۵ تا ۸ مذاکره بین شرکت‌های توانمند ایرانی با هم‌تایان ایتالیایی خود صورت پذیرفت.

مریم خوانساری، حضور شرکت تضمین مالی ساچه به همراه هیأت ایتالیایی را از نکات مثبت این حضور در ایران برای مشارکت در پروژه‌های ساختمانی اعلام کرد. به گفته مریم خوانساری، حضور شرکت ایتالیایی بیمه ساچه به عنوان یکی



از شرکت‌های معتبر تضمین سرمایه‌گذاری در دنیا ضمن اعلام آمادگی کامل ایشان در پشتیبانی شرکتها و همکاری با دولت ایران، نقطه مثبتی برای اولین حضور خارجی‌ها در ایران محسوب می‌شود که می‌تواند با گارانتی سرمایه‌گذاری‌های آتی در پروژه‌های ساختمانی اطمینان بخشی مناسبی را برای این شرکت‌ها ایجاد کند.

وی با اشاره به برگزاری ۲۹۹ نشست رودررو میان هریک از شرکت‌های خارجی و ایرانی به‌طور مستقیم و بدون واسطه، تصریح کرد: برگزاری هریک از این جلسات این امکان را به شرکت‌های داخلی و ایتالیایی می‌دهد که به‌صورت مستقیم و در مورد هریک از پروژه‌های مورد نظر رودررو صحبت کنند تا بتوانند به نتایج مشخصی در رابطه با نحوه همکاری خود با یکدیگر دست پیدا کنند. همچنین برگزاری کلیه بخش‌های این گردهمایی به زبان انگلیسی که به عنوان اولین توانمندی لازم جهت انجام فعالیت بین‌المللی شرط لازم می‌باشد، برای طرفین مذاکره امکان برقراری ارتباط مناسب تر و درک بهتر و بدون واسطه با برداشت یکسان از مذاکرات را فراهم آورد که این امر بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

وی از تمامی مهندسان، شرکت‌های بخش خصوصی و دولتمردانی که به قصد ایجاد تغییر در کشور و انجام کارهای بزرگ و آبادگرانه در راستای برقراری ارتباط با شرکت‌ها و دولت‌های خارجی به خصوص کشور ایتالیا تلاش کرده‌اند، قدردانی کرد.



همصدایی دولت و بخش خصوصی برای جذب سرمایه خارجی

خوانساری تصریح کرد: از سوی دیگر حضور شرکت‌های خارجی در عرصه‌های مختلف اقتصادی و سازندگی کشور به معنای نوعی تفاهم، تبادل فکری، فنی و صنعتی خواهد بود و این تعاملات می‌تواند در بهبود فعالیت‌های عمرانی و زیربنایی اثر مطلوب داشته باشد. در واقع برقراری تبادل فکری و صنعتی راهگشا برای بهبود سرمایه‌گذاری در سازندگی زیربنایی در کشور خواهد بود. وی اظهار کرد: امروزه اگر می‌بینیم امکانات زیربنایی فوق پیشرفته همچون خطوط ریلی با سرعت بیش از ۳۰۰ کیلومتر در ساعت در کشور ما وجود ندارد. اولاً به دلیل نبود سرمایه کافی و دوماً عدم وجود تکنیک‌ها و دانش مورد نیاز در این زمینه است. این

حاضر برای دولت مقدور نیست. این در حالی است که تمام این پروژه‌هایی که هم‌اکنون به دلیل کمبود منابع مالی نیمه‌کاره و متوقف باقی مانده است پروژه‌هایی هستند که به دنبال نیازهای مردم در مناطق گوناگون کلنگ زنی و آغاز شده‌اند و نیمه‌کاره ماندن آن‌ها به معنای برآورده نشدن این نیازها و محرومیت مردم از این پروژه‌هاست.

وی با تاکید بر اینکه جذب سرمایه‌گذاری در اولین قدم می‌تواند تکلیف بسیاری از این پروژه‌های نیمه‌تمام و بلا تکلیف را روشن کند به اهمیت پروژه‌هایی که در برنامه ششم توسعه هم از طرف دولت مورد تاکید قرار گرفته‌اند اشاره نمود.

نایب رییس هیأت مدیره سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران با بیان اینکه برای تامین منابع مالی و استفاده از دانش فنی در حجم عظیم پروژه‌های ساختمانی و عمرانی کشور به همکاری‌های فنی و جذب سرمایه‌های خارجی نیازمندیم، گفت: هم‌اکنون بیش از ۷ هزار پروژه نیمه‌کاره در کشور وجود دارد که برای تکمیل تمام آن‌ها با هزینه‌های روز به ۴۰۰ هزار میلیارد تومان منابع مالی نیاز داریم. جواد خوانساری افزود: اگر امروز نیاز به سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های خارجی در کشور به شدت احساس می‌شود به این خاطر است که تامین این حجم عظیم از منابع مالی برای تکمیل پروژه‌ها در حال



امکان همان طور که در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا وجود دارد می تواند با کاهش سفرهای هوایی بسیاری از هزینه های مازاد در کشور را مدیریت کند. به همین علت هم اکنون در فضای پساتحریم و در شرایطی که زمینه های همکاری مشترک با کشورهای پیشرفته دنیا بار دیگر فراهم شده است به دنبال جذب سرمایه ها و دانش کشورهای بزرگ دنیا هستیم و در این مسیر دولت و بخش خصوصی با رسیدن به تفاهمی مشترک به همصدایی هم رسیده اند. این در حالی است که همکاری مشترک و جذب سرمایه های کشورهای پیشرفته و مهم دنیا منجر به افزایش همکاری ها و صدور خدمات فنی و مهندسی از ایران به کشورهای آسیایی، همسایه و سایر کشورها خواهد شد. نایب رییس هیأت مدیره سندیکای شرکت های ساختمانی ایران گفت: هم اکنون ایران پل ارتباطی مناسبی برای صدور خدمات فنی و مهندسی و سرمایه گذاری در کشورهای همسایه و منطقه برای دنیا محسوب می شود و این ارتباط علاوه بر اینکه امکان جذب سرمایه و دانش فنی خارجی را برای کشور فراهم می کند می تواند زمینه ساز حضور مهندسان ایرانی در کشورهای مختلف باشد. در واقع همکاری مشترک ایران و

کشورهای پیشرفته در زمینه صدور خدمات فنی و مهندسی به معنای ارتقای مقام و رتبه مهندسان و شرکت های ایرانی در این عرصه است که می تواند با افزایش صادرات مصالح و خدمات مهندسی، زمینه مناسبی برای افزایش صادرات و کسب بازارهای اقتصادی منطقه ای در این عرصه باشد. وی افزود: در این زمینه یکی از بخش های مهمی که هم اکنون به عنوان نیاز جدی مورد تاکید دولت و بخش خصوصی است جذب سرمایه و دانش فنی خارجی در حوزه حمل و نقل ریلی میان شهرهای مادر و شهرهای اقماری است. وزیر راه و شهرسازی به درستی موضوع ارتباط راه های کشور با خطوط ریلی از جمله راه آهن برقی - به خصوص مسیر شهرهای جدید به کلانشهرها و شهرهای اصلی - را مورد تاکید قرار داده است و در این زمینه با هیأت های خارجی هم دیدار و گفت و گو کرده و تفاهم نامه هایی برقرار گردیده است. خوانساری ادامه داد: این در حالی است که از دیگر نیازهای ما در شهرها موضوع نوسازی بافت های فرسوده، قدیمی و تاریخی است که این موضوع هم به سرمایه گذاری های خارجی نیازمند است. در ساخت و سازها و معماری شهری ظرفیت های زیادی برای جذب سرمایه وجود دارد و مدت هاست که

می بینیم دولت و وزارت راه و شهرسازی به دنبال بازسازی، نوسازی و تجمیع محدوده های فرسوده و بافت های تاریخی است. وی توضیح داد: هم اکنون می بینیم که در نقاط مختلف شهری به خصوص کلانشهرها فعالیت هایی در خصوص تجمیع محدوده های فرسوده و تبدیل آن ها به مراکز خرید و تجاری صورت گرفته است که در این زمینه هم جذب سرمایه می تواند کمک بسیار مناسبی برای توسعه اقتصادی بافت های فرسوده و کمک به جریان نوسازی در این محلات باشد. وی تاکید کرد: در این زمینه و در مسیر ورود سرمایه های خارجی به رغم لغو تحریم ها باید بتوانیم مشکلات فراوانی که هم اکنون در مسیر ورود و خروج سرمایه وجود دارد را حل کنیم. باید قوانین به نحوی تدوین شود که اگر سرمایه گذاران خارجی اعتماد کرده و سرمایه های خود را به ایران می آورند با اطمینان و آسودگی خاطر به کار و فعالیت در کشور بپردازند. متاسفانه هنوز هم مشکلات زیادی در این زمینه وجود دارد که مهمترین آن ها عدم وجود اطمینان و وجود ابهام در ایمنی سرمایه های خارجی در ایران و همچنین مسائل مربوط به ورود و خروج سرمایه از ایران است.



پنج پیش شرط رونق اقتصادی

دکتر طهماسب مظاهری، رئیس سابق بانک مرکزی

حاضر مانع سرمایه‌گذاری شده است. دولت نهم و دهم و همچنین دولت فعلی در دو سال اول فعالیت خود، برای مدیریت نظام اقتصادی در شرایط تحریم سیاست‌هایی را به‌کار گرفتند تا بتوانند محدودیت‌ها را مدیریت کنند. در شرایط فعلی و با توجه به لغو تحریم‌ها این محدودیت‌ها و مقررات محدود کننده باید برچیده شوند، چرا که صرف لغو تحریم‌ها موجب سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی نخواهد شد. اخذ موافقتنامه‌های اصولی وزارتخانه‌ها، روند خصوصی سازی و مقررات ارزی نمونه‌هایی از محدودیت‌های دوران تحریم اقتصادی است که برای رونق اقتصادی باید هر چه سریع‌تر برطرف شوند.

در این بین بدهی‌های دولت و عدم پرداخت این بدهی‌ها موجب بلوکه کردن گردش مالی شده و مهم‌ترین مساله‌ای است که به رکود اقتصادی ناشی از تحریم‌ها دامن می‌زند. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی عمدتاً به دلیل مطالبات از دولت متوقف شده‌اند و قدرت ایفای تعهدات خودشان را به بانک‌ها، سازمان امور مالیاتی، بیمه پرسنل و شرکت‌های طرف قرارداد خودشان از دست داده‌اند. در حال حاضر با رکود سنگینی مواجه هستیم که ناشی از مقررات سختگیرانه دولت و نبود منابع مالی مکفی در نظام گردش است. عوامل ایجاد رونق هرچه زودتر اقتصادی را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد. عامل اول بازپرداخت بدهی‌های دولت به بخش خصوصی و بانک مرکزی است. طبق آمار ارائه شده از سوی وزیر اقتصاد، میزان بدهی دولت ۳۸۰ هزار میلیارد تومان است. البته این عدد بدون در نظر گرفتن بدهی دولت به بانک مرکزی است. با احتساب این بدهی، مجموع بدهی‌های دولت به ۵۵۰ هزار میلیارد تومان خواهد رسید. در واقع دولت این مبلغ را در اختیار گرفته و به مصارف خود رسانده است. دولت متعهد به بازپرداخت این بدهی است ولی تاکنون این بدهی را بازپرداخت نکرده است. عمده بدهی‌های دولت به بخش خصوصی و بانک مرکزی در دولت نهم و دهم ایجاد شد. در دولت گذشته ریال‌های منتشر شده توسط بانک مرکزی و به الزام دولت، هر چند

به ثبات سیاسی و اجتماعی، روابط دولت با واحدهای تولیدی و بخش خصوصی بستگی دارد. حال اگر این شاخص‌ها شرایط مناسب و علامت‌دهی مثبتی داشته باشند، سرمایه‌گذاران تصمیم به سرمایه‌گذاری خواهند گرفت و به مرحله دوم وارد خواهند شد. در دوره پسا برجام دو پارامتری که می‌تواند ما را در تبیین قضایا کمک کند عبارت است از محدودیت‌های ناشی از تحریم و محدودیت‌های موجود در ساختار مدیریت اقتصادی کشور.

با اجرایی شدن توافق هسته‌ای، محدودیت‌های ناشی از تحریم که باعث افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری، هزینه مبادله و در نتیجه هزینه تولید شده بود کاهش خواهد یافت. البته به نظر می‌رسد بخشی از عواملی که در دوره تحریم‌های اقتصادی به ناچار ایجاد شده بود، در حال

فضای کسب و کار اطمینان بخش برای بخش خصوصی از الزامات اولیه رونق اقتصادی است که فضا را برای سرمایه‌گذاری مهیا می‌کند، چرا که رونق اقتصادی بدون سرمایه‌گذاری معنا ندارد.

در دولت قبل رونق اقتصادی از طریق واردات کالا را شاهد بودیم. واردات کالا با ارز ارزان، باعث شده بود تا قیمت‌ها کاهش پیدا کند و کمبود کالا نیز احساس نشود. این اتفاق را نمی‌توان رونق اقتصادی نام گذاشت. یک سرمایه‌گذار برای سرمایه‌گذاری دو مرحله را طی می‌کند. مرحله اول تصمیم به سرمایه‌گذاری است و در مرحله دوم سرمایه‌گذار انتخاب می‌کند که در چه حوزه و در چه ابعادی سرمایه‌گذاری کند. در مرحله اول سرمایه‌گذار صرفاً با توجه به فضای کسب و کار است که تصمیم می‌گیرد وارد سرمایه‌گذاری شود. به عبارتی سرمایه‌گذاری



توانست بدهی‌های دولت به بخش بانکی را تا حدودی تسویه کند ولی در نهایت با تورم سنگین مواجه شدیم. در دولت یازدهم نیز آن سیاست‌ها پیگیری می‌شوند، اما بدهی‌های دولت بازپرداخت نشده است. در واقع نمی‌توان گفت دولت امکان بازپرداخت چنین بدهی را ندارد، چرا که اقدام جدی در این زمینه صورت نگرفته است.

بنابراین گام اول برای دستیابی به رونق اقتصادی بازپرداخت بدهی‌های دولت است، چرا که هر واحد بدهی دولت در جریان اقتصادی موجب تامین نقدینگی بسیاری از واحدهای اقتصادی خواهد شد. بازپرداخت بدهی‌ها توسط دولت زنجیره بدهی‌های بنگاه‌های اقتصادی را با تسویه بدهی‌ها مواجه می‌کند. با توجه به سخنرانی رئیس جمهوری بعد از اجرای برجام، می‌توان امیدوار بود که دولت برای بازپرداخت بدهی‌های خود برنامه دارد. البته دولت برای اجرایی کردن این تصمیم باید از روش‌هایی کمک بگیرد که کمترین اثر تورمی را دارند. در این بین دولت باید ابتدا بدهی‌هایی را پرداخت کند که تاثیر بیشتری بر رونق اقتصادی دارند. اولویت بندی این حجم از بدهی‌ها نیازمند فعالیت پژوهشی دقیق و مناسبی است تا دولت بتواند سریع‌تر شرایط رونق اقتصادی را فراهم کند.

عامل دوم کمک به رشد دوباره نظام بانکی آسیب‌دیده است. نظام بانکی ایران از دیرباز دچار مشکل کمبود سرمایه بوده است. بانک‌های داخلی هیچ‌گاه نمی‌توانستند پروژه‌های بزرگ را تامین مالی کنند و عمده پروژه‌های بزرگ توسط بانک‌های خارجی تامین مالی شده است. این مساله در جریان افزایش نرخ ارز و افزایش شدید تورم مشکل کمبود منابع را تشدید کرد. این در شرایطی است که اقتصاد ما بسیار بانک‌محور است و در حال حاضر بانک‌ها نیز چنین ظرفیتی برای پشتیبانی از سرمایه‌گذاران ندارند و در نتیجه رونق اقتصادی در این بین نمی‌تواند شکل بگیرد. در این شرایط انتظار می‌رود بانک مرکزی بدون هیچ‌گونه تساهل و تسامح بدیهی‌ترین وظایف خود را به درستی

انجام دهد. برخورد با موسسات غیر قانونی، تایید صلاحیت بانک‌ها، مراقبت از رعایت نسبت کفایت سرمایه و نسبت‌های نظارتی توسط بانک‌ها و جلوگیری از انتصاب مدیران عامل غیربانکی از جمله این وظایفند. عامل سوم گسترش بازار سرمایه است. افراد بعد از تصمیم به سرمایه‌گذاری، برای تامین منابع سرمایه‌گذاری به بانک یا بازار سرمایه رجوع می‌کنند. عمدتاً بانک‌ها برای سرمایه‌گذاری در دوره کوتاه مدت و بازارهای سرمایه برای دوره بلندمدت ترجیح دارند. بازار سرمایه از ابتدای انقلاب تاکنون رشد مناسبی داشته است ولی جوابگوی حجم اقتصاد کشور نیست. بنابراین دولت باید برای رشد بازار سرمایه اقدامات جدی را اتخاذ کند تا بانک‌ها و بازار سرمایه به عنوان دو رقیب در کنار یکدیگر برای تامین منابع سرمایه‌گذاری حضور پیدا کنند. در حال حاضر این دو نهاد با یکدیگر رقابت ندارند بلکه، در شرایط رکود کنونی، بازار سرمایه به سیستم بانکی وابستگی پیدا کرده است.

عامل چهارمی که باید به آن توجه شود حفظ توازن بودجه دولت است. دولت باید بتواند در بودجه خود حد بهینه اخذ مالیات از واحدها و بنگاه‌های اقتصادی و

اگر دولت طبق آنچه تاکنون و در این دو سال و نیم گذشته انجام داده است عمل کند، تا پایان دولت یازدهم به رونق اقتصادی نخواهیم رسید. اما طبق سخنرانی اخیر رئیس جمهوری، اگر دولت بدهی‌های خودش را تسویه کند، اواسط سال آینده می‌توانیم رونق اقتصادی را لمس کنیم



در عین حال ارائه فرصت تنفس برای برخی بنگاه‌های آسیب‌دیده را رعایت کند. دولت می‌تواند با افزایش پایه مالیاتی و اخذ مالیات از نهادهایی که اکنون دیگر باید طبق قانون مالیات پرداخت کنند، بودجه خود را از کسری برهاند. در عین حال باید حیات بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی را با فرصت تنفس مالیاتی حفظ کرد. این وظیفه بر عهده سازمان امور مالیاتی است که با حفظ حد تعادل و تفکیک واحدهایی که در تنگنای سال‌های اخیر صدمه دیده‌اند و واحدهایی که به دنبال فرار مالیاتی هستند، بتواند درآمد مالیاتی مناسبی برای دولت فراهم کند. در این بین پرداخت یارانه‌ها بار سنگینی بر بودجه خواهد داشت که در نتیجه سیاست‌های غلط دولت گذشته است، اما با همه تفاسیر یارانه‌ها به عنوان یک حق مکنتسبه مردم باید ادامه پیدا کند. میزان پرداختی یارانه‌ها به مرور زمان با توجه به تورم وزن کمی در بودجه خواهد داشت و مستحیل خواهد شد.

و در نهایت عامل پنجم تک نرخی کردن ارز است. تحقق سرمایه‌گذاری به خصوص توسط سرمایه‌گذاران خارجی نیازمند مشخص شدن رژیم ارزی است. اگر نرخ ارز رسمی و غیرواقعی که از سوی دولت ارائه می‌شود در تناقض با نرخ واقعی و غیررسمی ارز تعیین شده در بازار باشد، سرمایه‌گذاری خارجی قابل توجهی در کشور صورت نخواهد گرفت و رانت‌های اقتصادی و قاچاق کالا در کشور به وجود خواهد آمد. با توجه به سیاست‌های سال‌های گذشته تنها راه برای مبارزه با تمام مشکلات مذکور تک نرخی کردن ارز است که در مهم‌ترین وجه آن سرمایه‌گذاری را افزایش خواهد داد. اگر دولت طبق آنچه تاکنون و در این دو سال و نیم گذشته انجام داده است عمل کند، تا پایان دولت یازدهم به رونق اقتصادی نخواهیم رسید. اما طبق سخنرانی اخیر رئیس جمهوری، اگر دولت بدهی‌های خودش را تسویه کند، اواسط سال آینده می‌توانیم رونق اقتصادی را لمس کنیم.

به تاریخچه تمدنی کشور گفت: ما در تاریخ سه هزار ساله خود يك ساختار دیوان سالارانه در جامعه داریم که در فرهنگ نهادینه شده است و با عادت ملت ایران به این مسئله، جایگاه ویژه‌ای در روابط فرد و جامعه، فرد و حکومت و حکومت و جامعه پیدا کرده است. ساختار جامعه بیشتر دستور پذیراست و با اینکه تغییرات و انقلاب ایران در راستای تغییر این مسئله صورت گرفته است ولی جامعه خود به خود به سمت و سوی اجرای دستور پیش می‌رود که در دنیای امروز جوابگوی مطالبات مردمی نیست و دولت‌ها از جامعه و سازمان‌های مردمی خواهان ایفای نقش ویژه هستند.

مهندس عطاردیان ادامه داد: فعالیت جامعه مدنی در شرایط امروز مبتنی بر این است که مردم توسط حاکمیت باور شوند و امورات کشور و جامعه بدون مشارکت داوطلبانه و میل جمعی به نتیجه نمی‌رسد هر چند که با اعمال زور و فشار همراه باشد.

وی تصریح کرد: مشکلاتی که امروز گریبان جامعه را گرفته است این است که قوانینی توسط يك سری افراد نوشته می‌شود که نگاه بالا دستی دارند و اساسا برپایه دانش اکتسابی بر این باورند که بر کلیه مسائل اشراف دارند و برای کل جامعه قانون و لایحه آماده می‌کنند که در مرحله اجرا، با نواقص بی‌شماری مواجه می‌شوند چون با خواسته‌های درونی مردم در جامعه فاصله زیادی دارد.

رئیس شورای سازمان‌های جامعه مدنی ایران تاکید کرد: این قوانین که توسط دولتی‌ها تهیه می‌شود در مجلس و ارگان‌های دولتی دیگر تصویب و لازم الاجرا می‌شود که در مرحله عمل با مشکلات مواجه می‌شود و برای از بین بردن این نواقص و ایجاد سهولت دوباره وارد چرخه قانون گذاری می‌شود که مسیر دیگری برای افزایش تبصره و ماده و قانون در کشور فراهم می‌شود. یکی از تلاش‌های سازمان‌های مردم نهاد در جامعه مدنی اصلاح فرایند قانون گذاری است به صورتی که قوانین و مقررات با مشورت و



تلاش سمن‌ها باید اصلاح فرایند قانون گذاری باشد

محمد عطاردیان رئیس شورای سازمان‌های جامعه مدنی ایران و عضو شورای عالی سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران ضمن تشکر و قدردانی از حضور افراد در این نشست و ضمن اشاره

مهندس عطاردیان:

مشکلاتی که امروز گریبان جامعه را گرفته است این است که قوانینی توسط يك سری افراد نوشته می‌شود که نگاه بالا دستی دارند و اساسا برپایه دانش اکتسابی بر این باورند که بر کلیه مسائل اشراف دارند و برای کل جامعه قانون و لایحه آماده می‌کنند که در مرحله اجرا، با نواقص بی‌شماری مواجه می‌شوند



۲۵ بهمن ۱۳۹۴ همایش «مطالبات فعالان و سازمان‌های مدنی از مجلس آینده» توسط شورای سازمان‌های جامعه مدنی ایران در سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران برگزار شد.

این همایش در دو پنل برگزار شد و در پنل اول حمیدرضا جلالی پور عضو هیأت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران، علی صابری وکیل دادگستری و عضو شورای شهر تهران و محمد عطاردیان ریاست شورای سازمان‌های جامعه مدنی ایران سخنرانی کردند.

در پنل دوم دغدغه‌ها و مطالبات فعالان مدنی و نمایندگان سازمان‌های مدنی در حوزه‌های مختلف نظیر پزشکی، پرستاری، مطبوعاتی، انتشاراتی، ورزشی، حقوقی، گردشگری، دانش آموزی، دانشجویی، کارفرمایی، کارگری، پناهندگی و حوزه زنان، کودکان کار، حقوق حیوانات توسط نمایندگان نهادهای مردمی بیان شد.



همکاری سازمان‌های مربوطه برای عملیاتی شدن در جامعه تهیه و تأیید شود. وی در پایان تأکید کرد: در صورت تهیه قوانین با مشورت و مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد فعال می‌توان بیان کرد که قوانین از جامعیت برخوردار باشند و قوانین با خود کنترلی جا معه دور زده نشده و آسیب‌های کمتری در اجتماع ظهور و بروز و رشد پیدا کند.

حمیدرضا جلالی پور عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران در این نشست بیان کرد: جامعه سیاسی برای طرح شفاف مطالبات افشار اجتماعی با تنگنا روبرو است که این تنگنا ناشی از ساختاری است که بر جامعه تحمیل شده است و کل کشور با آن مواجه است. مطالبات سازمان‌ها در جامعه به دو صورت مطرح می‌شود که در نگاه اول، مطالبات در یک فضای باز و متاثر از تجربه کشورهای اروپای غربی مطرح می‌شود در این کشورها حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد مردم به راحتی مطالبات خود را ارائه می‌کنند که توسط احزاب مورد توجه قرار می‌گیرد که در این جوامع حکومت برای ارتقای حقوق شهروندان به قدرت می‌رسد. این جوامع در مرحله تحکیم دموکراسی قرار دارند و مردم با حضور در نهادهای مردمی مطالبات خود را مطرح می‌کنند. از آنجایی که مطالبات در برنامه احزاب نهادینه می‌شود و کادر سازی احزاب از نهادی مدنی صورت

حمیدرضا جلالی پور:

انقلاب در ایران برای تقویت جامعه مدنی صورت گرفته است و در چهار دهه گذشته حرکت مردمی به سمت تقویت و تحکیم دموکراسی بوده است و بخش فعال جامعه مدنی برای تحکیم دموکراسی تلاش دارد گزینه‌های متفاوت اصلاحی را مورد امتحان قرار بدهد به جزء انقلاب.



می‌گیرد مطالبات افشار مردم برآورده می‌شود. وی تأکید کرد: در جوامع پیشرفته غربی امروزه به جای دموکراسی پارلمانی دموکراسی مستقیم و مشارکتی برای پوشش خواست‌های مردمی و همچنین ارتقا و تحکیم دموکراسی مطرح شده است. در جامعه اطلاعاتی و ارتباطی به دلیل شدت فشارهای جامعه در خواست‌های مردمی از عهده دولت خارج است و انتظارات مردمی پاسخ داده نمی‌شود. در جوامع سیاسی که در مرحله قبل از ورود به تحکیم دموکراسی قرار دارند مطالبات مردم با لکت بیان می‌شود و در خواست‌های مردمی سامان نیافته است و اجماعی در مورد آنها صورت نگرفته است که چگونگی، چرایی و آینده مطالبات

در پرده ابهام قرار می‌گیرد. جلالی پور تأکید کرد: در این جوامع با نگاه سوء به نهادهای مردمی از سامان یابی و فعالیت صحیح آنها جلوگیری می‌شود که در نهایت این سازمان‌ها در ایفای نقش ما بین دولت و مردم با مشکل مواجه می‌شوند. وی اشاره کرد: اگر مطالبات مردمی توسط انجمن‌ها در قالب احزاب مطرح شود می‌توان امیدوار بود که نظام رقابت حزبی شکل بگیرد و رسانه‌های گروهی، و سازمانهای مدنی برای احیای حقوق شهروندی در گستره جامعه وارد عمل شوند. در جوامع امروزی میلیونها غریبه با هم زندگی می‌کنند و فرهنگ زندگی با غریبه در مقابل فرهنگی زندگی با خویشاوند امروزه در جوامع مطرح است که در کشور ما برای کاهش تناقضات فرهنگ زندگی با غریبه آموزش داده نمی‌شود که بر عکس آن عمل می‌شود در حالی که در کشورهای پیشرفته و دمکرات این فرهنگ از دوران کودکی به نسل آینده آموزش داده می‌شود که تنش‌های جامعه را در نسل‌های آینده کاهش می‌دهد. وی اشاره کرد: فرهنگ مدنی در جوامع غربی براساس خوش بینی و احترام پایه گذاری شده است تا در این جوامع شرایط وصول مطالبات مردمی به سهولت فراهم شود. انقلاب در ایران برای تقویت جامعه مدنی صورت گرفته است و در چهار دهه گذشته حرکت مردمی به سمت تقویت و تحکیم



دمکراسی بوده است و بخش فعال جامعه مدنی برای تحکیم دمکراسی تلاش دارد به جزء انقلاب گزینه‌های متفاوت اصلاحی را مورد امتحان قرار بدهد. حکومت مردم را نجیب فرض می‌کند و درانتخابات اخیر نماینده ۶۰ درصد جامعه بوده اند و با حذف ورد صلاحیت که مورد اعتراض قرار نگرفت انتظار بر این است که مشارکت نکنند و نیرویی که طالب تغییر است دست بسته با حرکت تدریجی مدون به دنبال تغییر موفق است. انتخابات فرصت تغییر هر چند اندک را در جامعه پدید می‌آورد به امید آن که در جامعه گشایش صورت بگیرد و فضای رقابت در کسب قدرت رقابتی تر بشود و امید است که مردم با مشارکت خود جامعه سیاسی را براساس واقعیات پیش ببرند.

علی صابری وکیل دادگستری و عضو شورای شهر تهران نیز در این نشست گفت:

باید به این فکر کرد که نهادهای جامعه مدنی برای چه منظوری به وجود آمده‌اند و در پاسخ می‌توان عنوان کرد که نهادهای مدنی عاملی برای انتقال دغدغه‌های مردم به زبان تخصصی به تصمیم‌گیرندگان هستند. از زاویه دید حقوقی برای نهادهای مدنی می‌توان دو وظیفه متصور شد که در وهله اول قوانین صرف حقوقی را که حقوقدانان بر اساس دانش حقوقی به رشته تحریر می‌آورند را اجرا کنند که در این مورد به دلیل حقوقی بودن سازمانها فقط مجری هستند و قوانین را می‌توان قوانین دسته اولی نامید. در مورد قوانین دسته دوم که مربوط به مسائل روز جامعه است انجمن‌ها می‌توانند به عنوان واسطه نیازهای جامعه را در اذهان و تفکرات قانون‌گذار منعکس کنند به صورتی که افکار ۱۰۰ نفر از اعضای جامعه توسط ۱۰ نفر توانا و کارکننده به دیگران انتقال داده شود.

عضو شورای شهر تهران افزود: فایده نهادهای مدنی در واسطه‌گری و انعکاس تخصصی مسائل شهروندان در سطح جامعه

به دستگاه تصمیم‌گیری است. اگر مطالبات مردم به صورت خام نگه داشته شود و مورد توجه قرار نگیرد موجب می‌شود تا قوانین به صورت ناقص طراحی شود که در نهایت به ضرر جامعه است و قوانین کارشناسی نشده در نهادهای مردمی قانون ناقص و غیر قابل اجرا در سطح کشور است که با مشکلات عدیده روبرو است، که استفاده از سمن‌ها در این مورد، کاهش آسیب‌های ناشی از قانون‌گذاری را در جامعه پدید می‌آورد. وی تصریح کرد: نهادهای مدنی بایستی در حوزه نگارش قانون در فرایند قانون‌گذاری فعالیت کنند تا با نظارت مناسب دغدغه جامعه را در قانون منعکس کنند و با ایجاد تعادل در قوانین خط قانون‌گذاری را برای پیشرفت و ارتقای جامعه پیش ببرند. از طریق جامعه مدنی می‌توان دغدغه‌های مربوطه را در میان مردم و حاکمان انتقال داد که در نهایت این دو در یک مسیر ریل‌گذاری شده می‌نمایند در کنار هم حرکت کنند.

سید محمود میرلوحی معاون وزیر کشور دولت اصلاحات هم در این نشست به سخنرانی پرداخت و گفت: جریان اصلاح طلب

به خرد جمعی و مطالبات بخش‌های مختلف جامعه اعتقاد داشته و آن را در بیانیه‌های خود منتشر نموده است. شعار ما امید، آرامش و رونق اقتصادی است، زیرا جامعه‌ای امیدوار و هدفمند نیاز داریم.

علی صابری:

فایده نهادهای مدنی در واسطه‌گری و انعکاس تخصصی مسائل شهروندان در سطح جامعه به دستگاه تصمیم‌گیری است. اگر مطالبات مردم به صورت خام نگه داشته شود و مورد توجه قرار نگیرد موجب می‌شود تا قوانین به صورت ناقص طراحی شود



در فضای پرتالهاب کنونی این سازمانهای مردم نهاد هستند که می‌توانند گره‌های کور را یکی پس از دیگری باز کنند. احزاب اصلاح طلب اعتقاد اساسی به حقوق انسانی مردم، کرامت انسانی، و حریم خصوصی دارند. از دید این احزاب فساد را می‌توان با آزادی اندیشه و اطلاعات برطرف نمود. مجلس باید نماینده مردم باشد و نه نماینده حاکمیت.

دکتر حمید رضا سیفی رییس شورای عالی هماهنگی تشکل‌های کشوری کارفرمایی و کارگری هم در این نشست با اشاره به اینکه بحران ده سال آینده کشور بحران اقتصادی است گفت: ما امروز باید برای

مجلس کسانی را انتخاب کنیم که اقتصاد را بفهمند و تا وقتی که افراد جامعه حداقل نیازهای اولیه خود را نداشته باشند کشور به هیچ یک از اهداف بلند مدت خود نمی‌رسد. وی با اشاره به سوابق تحصیلی و سوابق کاری نمایندگان مجلس نهم گفت: در کمیسیون‌های تخصصی این مجلس در حوزه تحصیلات ما ۵۰ درصد انحراف و در حوزه سوابق کاری ۲۵ درصد انحراف داشتیم که در بحث تلفیق تحصیلات و سوابق کاری این انحراف به ۷۱ درصد می‌رسد.

رییس انجمن صنفی پیمانکاران و شرکتهای ساختمانی و تاسیساتی استان تهران همچنین با تاکید بر انتخابات پیش رو گفت: تا زمانی که نگاه ما در انتخابات نگاه جناحی باشد ما راه به جایی نمی‌بریم بلکه باید این نگاه اصلاح شده و تخصص محور گردد. باید افرادی صاحب بینش و دانش را انتخاب کنیم و برای خواسته‌هایمان ابتدا سازوکار درست برای رسیدن به آنها را فراهم سازیم.

در ادامه این نشست بسیاری از فعالان حوزه‌های مختلف اجتماعی از قبیل فعالان حوزه زنان، گردشگری، پرستاری و پزشکی، دانش‌آموزی، حمایت از حقوق زنان و اتباع خارجی هم به ایراد نظرانشان در مورد توقعات این حوزه‌ها از مجلس دهم پرداختند.

وضعیت مسکن به کدام سو می رود؟



در کلان شهرها واحد مسکونی ساخته ایم. به عبارتی در بخش مسکونی شاهد ساخت و ساز مازاد بوده ایم. وی تاکید کرد: ساخت واحدهای اضافی در تهران بدترین چیزی بوده که می توانست اتفاق بیفتد و همه این کارها را به بهانه کسب درآمد انجام داده اند. با وجود مازاد مسکن در سال ۹۵ با احتساب مجوزهای جدید اخذ شده رقابت شدیدی بین عرضه کنندگان ایجاد خواهد شد و بدون تردید می توانم بگویم بازار مسکن ایران هرگز رشد قیمتی و سود رانتی سال ۸۸ تا ۹۰ را نخواهد دید.

ساخت و ساز به هیچ عنوان به صرفه نیست

نعمت الله جلالی، انبوه ساز و فعال ساختمانی هم در گفت و گو با اقتصادنیوز با تایید اینکه بازار با مازاد مسکن روبرو است، گفت: اما این مازاد در واحدهای گران بوده و مشتری زیادی ندارد.

وی اضافه کرد: در حال حاضر با وجود هزینه گزاف ساخت و ساز و مجوزهای شهرداری، ساخت و ساز به هیچ عنوان به صرفه نیست.

بازار ساخت و ساز و مسکن شده و باعث آشفتگی و حباب در این بازار شوند. این کارشناس مسکن با بیان این مطلب که رانت مسکن باعث زمین گیر شدن و تعطیلی بخشی از این صنعت شده است، بیان کرد: سال ۹۵ را می توان سال بهبود اوضاع صنعت دانست.

اطهاری در پاسخ به این سوال که آیا این مازاد مسکن در شهرستان های دیگر نیز وجود دارد؟ اظهار کرد: در حال حاضر بسیاری از شهرستان ها با مازاد مسکن بدون مشتری روبرو شده اند که بدون تردید این بازار نمی تواند منبع بزرگی برای سودهای رانتی باشد. به طور مثال حدود ۲۰۰ هزار مسکن مازاد در گیلان داریم که نسبت به رشد جمعیت منفی این شهرستان رقم بسیار بالایی است.

وی در پاسخ به این سوال که آیا در سال ۹۵ این بخش همانند واحدهای تجاری، رکود خواهد داشت و آیا نیازمند انباشته در این قسمت وجود دارد؟ عنوان کرد: طبق آمارهای ارائه شده از مرکز آمار ایران سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲، حدود ۱،۵ تا دو برابر سال های قبل

برخی از سازندگان چشم انداز روشنی از بازار آینده ساخت و ساز نداشته و نمی دانند آیا این بازار در سال ۹۵ سودده خواهد بود یا نه؟ با این حال یک کارشناس بازار مسکن از وجود عرضه مازاد در این بازار و کارشناسی دیگر از به صرفه نبودن ساخت و ساز سخن می گوید. کمال اطهاری، کارشناس مسکن در گفت و گو با اقتصادنیوز با بیان این مطلب که خوشبختانه ۸۰۰ هزار واحد تمام شده و نیمه تمام در کلان شهر تهران داریم، گفت: البته این حداقل تخمین از موجودی در بازار مسکن است. بدون تردید بازار مسکن سال در ۹۵ بازار مصرف است، نه بازار سرمایه گذاری. این بازار بازاری نخواهد بود که در آن کسی مسکن بخرد و به امید گران شدن آن را نگه دارد. این بازار برای کسانی مناسب خواهد بود که به قصد اجاره دادن یا مصارف شخصی خرید کنند و بازار کسانی است که اجاره داری را شغل خود قرار داده اند.

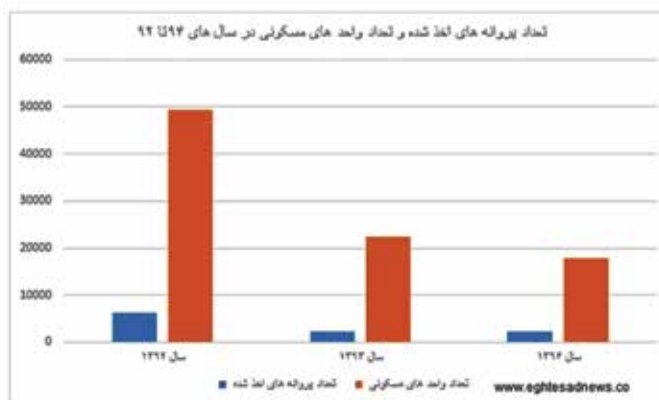
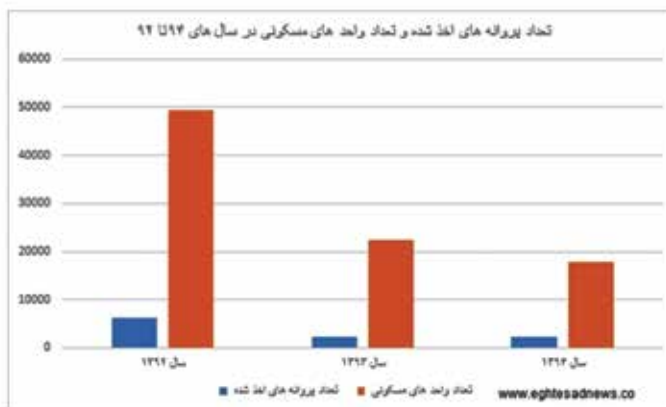
اطهاری با اظهار خوشحالی از وضعیت به وجود آمده، افزود: سود رانتی مسکن در چند سال اخیر باعث شده بود بسیاری از دلالتان و واسطه گران و حتی شاغلان غیر مرتبط وارد

این فعال ساختمانی افزود: در حال حاضر هزینه متوسط ساخت و دریافت مجوز و بورکراسی های شهرداری و اداره ها مرتبط هر متر مربع در تهران از یک میلیون تومان تا بالای چهار میلیون تومان است که در این درون رکود و با توجه به مازاد مسکن به هیچ عنوان دارای سود بالای ۲۰ درصد نیست.

جلالی تصریح کرد: در حال حاضر اوضاع تقاضا وضعیت مناسبی ندارد و بسیاری از واحدهای مسکونی ساخته شده و مجوز گرفته، بدون مشتری است که اگر مشاوران املاک بتوانند تمام این واحدهای را عرضه کنند تا پایان سال ۹۷ زمان خواهد برد.

وی در مورد سرمایه گذاری در واحدهای تجاری نیز عنوان کرد: به نظر من، در یکی دو سال آینده، واحدهای تجاری غیر قابل فروش خواهد بود و تنها می توان از این املاک به عنوان واحدهای اجاره مدت دار استفاده کرد که به هیچ عنوان به سود سازنده نخواهد بود.

این فعال ساختمانی در مورد بهترین سرمایه گذاری در واحدهای مسکونی یادآور شد: به عقیده من، ساخت واحدهای ارزان و متراکم در قسمت های جنوب شهر در سال های آینده به صرفه تر است.



تعداد پروانه های احداث ساختمان و برخی ویژگی های آن در شهر تهران (منبع: مرکز آمار ایران)

تعداد پروانه	مساحت زیربنا (هزار مترمربع)	مساحت زمین (هزار مترمربع)	تعداد واحد مسکونی	
۶۱۵۰	۸۲۸۴.۰	۱۸۱۹.۱	۴۹۳۴۲	تابستان ۹۲
۲۳۲۲	۴۴۲۴.۴	۸۹۵.۷	۲۲۳۴۴	تابستان ۹۳
۲۲۷۲	۳۱۲۳.۳	۶۴۶.۴	۱۷۸۵۳	تابستان ۹۴





توسعه مالیات و سرمایه گذاری خارجی جایگزینی برای نفت ۲۷ دلاری

کارشناسان اقتصادی از فرصت‌های موجود برای رهایی از اقتصاد نفتی می‌گویند

برد، یکی با شرط زمانی بلندمدت ۱۰ساله همراه با انتقال کامل فناوری و دوم با تاکید بر این موضوع که کالای تولیدشده ضمن پوشش دادن بازار داخلی از طریق ایران به بازارهای منطقه نیز صادر شود، البته با همان کیفیتی که در کشور خودشان تولید خواهند کرد، منتهی با هزینه حمل‌ونقل پایین‌تر و شرایط سهل‌تری می‌توانند این کار را انجام دهند. در این فرآیند ما هم سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، هم فناوری را انتقال داده‌ایم و هم مدیریت را به اشتراک گذاشتیم و هم می‌توانیم به بازارهایی که آنها دسترسی دارند، دسترسی داشته باشیم. درحقیقت این کار شرایط مطلوبی را فراهم می‌کند تا ما بتوانیم صادرات غیرنفتی را گسترش دهیم.» با توجه به اینکه اقتصاد نفتی یکی از علل بیکاری گسترده به‌شمار می‌رود، سرمایه‌گذاری می‌تواند مشکل بیکاری ما را نیز درمان کند.



صادرات غیرنفتی را گسترش دهیم

بهترین گزینه به جای اقتصاد نفتی، افزایش میزان صادرات غیرنفتی است. در این باره حمیدرضا برادران‌شیرکا استاد دانشگاه و اقتصاددان با تاکید بر این موضوع در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: «باتوجه به فرصت‌های پیش‌آمده و اقبال گسترده سرمایه‌گذاران به سمت ایران می‌توان با عملکردی مناسب جذب سرمایه‌گذاری خارجی را جایگزین اقتصاد نفتی کرد. البته سرمایه‌گذاری مشترک را همواره می‌توان با دو شرط همکاری پیش

قیمت یک بشکه نفت در حال حاضر ارزان‌تر از یک بشکه آب معدنی شده است؛ به طوری که صادر کردن آب به صرفه‌تر از نفت خواهد بود. البته می‌توان این موضوع را یک فرصت برای اقتصاد ایران تلقی کرد، فرصتی برای رها شدن از اقتصاد نفتی. کارشناسان اقتصادی رها شدن از اقتصاد نفتی را کارچندان مشکلی نمی‌دانند، چراکه معتقدند کشور ما سرشار از منابع و نیروی‌های بالقوه برای بالندگی و رشد اقتصادی است. تنها موضوع مورد تاکید این مسئله است که رهایی از اقتصاد نفتی، نیازمند زمان و برنامه‌ریزی مناسب است.

در این باره برادران شرکا معتقد است: «با توجه به اینکه مشکل اساسی کشور بیکاری است ما باید به دنبال سرمایه‌گذاری جدید باشیم، سرمایه‌گذاری جدید می‌تواند مشکل بیکاری را حل کند. البته موضوع صادرات تنها صادرات کالا نیست، صادرات خدمات هم می‌تواند صادرات به شمار رود. در کشور ما نیروی جوان تحصیل‌کرده بالایی وجود دارد که می‌تواند جایگزین اقتصاد نفتی باشد و با توجه به این نیروی انسانی می‌توانیم عامل خدمات به منطقه هم به شمار رویم. ما می‌توانیم در کشورهای آسیای میانه خدمات باکیفیت بین‌المللی ارائه کنیم که علاقه‌مند به جذب خدمات از سوی ما هستند، مانند ارائه خدمات بانکی، بیمه‌ای و سیستم حمل‌ونقل و... تمام این موارد جزو صادرات خدمات محسوب می‌شود.» درباره جاذبه‌های گردشگری به‌عنوان گزینه دیگر اقتصاد نفتی برادران شرکا تاکید می‌کند: «ما کشوری تاریخی هستیم، فرصت‌های زیادی برای گردشگری در کشور وجود دارد و ما می‌توانیم با سرمایه‌گذاری‌های مشترک با خارجی‌ها در بخش گردشگری فعالیت‌های گسترده‌ای انجام دهیم که می‌تواند برای ما تولید درآمد کند. در نهایت اینکه به‌جای اینکه نفت را به صورت خام صادر کنیم، می‌توانیم صنایع پایین‌دستی آن را فعال کنیم، مانند صنایع پتروشیمی، چراکه در دنیا محصولات بسیاری در کارخانه‌های پتروشیمی به دست می‌آید که بازار خوبی دارد به علاوه آنکه ما در داخل هم می‌توانیم آن موادی که نیازمند آن هستیم را تولید کنیم. در زمینه محصولات پتروشیمی می‌توانیم محصولات اولیه یا میانی را در کشور خودمان تولید کنیم. اگر تمام این عوامل را با هم در نظر بگیریم، می‌توان کاهش قیمت نفت را به‌عنوان یک فرصت طلایی در نظر گرفت که برای رهایی از اقتصاد نفتی از آن به خوبی استفاده کنیم.»

بهره‌گیری درست و بجا از مالیات

در همین رابطه محمود جامساز در گفت‌وگو با صمت عنوان کرد: «همواره بودجه‌های اقتصادی دولتی ما به منابع آسان‌رس نفتی وابسته بوده است. با وجود سیاست‌های کلی نظام که تاکید بر وابسته نبودن بودجه به نفت داشته و در پایان برنامه پنجم قرار بر این بوده که این وابستگی به صفر برسد، اما همچنان شاهدیم که وابستگی به نفت در ذات اقتصاد دولتی ایران نهفته است؛ اقتصادی که در ذات خود رانت می‌پرواند. از این‌رو برای رهایی از اقتصاد نفتی نیازمند منابع دیگری هستیم که به صورت بالقوه این منابع در کشور ما وجود دارد. اینک که دیپلماسی دولت در زمینه توافق هسته‌ای به ثمر نشسته و مراحل پسابرجام آغاز شده و فرصت‌های قابل توجهی از نظر گشایش‌ها و ارتباطات پولی و مالی و بازگشایی سوئیت و بیمه‌ها و رفع ممنوعیت نفتکش‌ها و فروش آزادانه نفت پیش‌روی ما قرار گرفته، لازم است دولت بهترین بهره‌گیری را از این موقعیت‌های پیش‌آمده داشته باشد.»

دکتر جامساز:

با وجود سیاست‌های کلی نظام که تاکید بر وابسته نبودن بودجه به نفت داشته و در پایان برنامه پنجم قرار بر این بوده که این وابستگی به صفر برسد، اما همچنان شاهدیم که وابستگی به نفت در ذات اقتصاد دولتی ایران نهفته است؛ اقتصادی که در ذات خود رانت می‌پرواند.

دریافت وجه حاصل از یک‌سو و رفع انسداد دارایی‌های مسدود شده ایران از سوی دیگر منابعی هستند که تا حدودی می‌توانند، کسری‌های مالی دولت را پوشش دهند اما با توجه به قیمت ۲۰ دلاری نفت و شرایط نامناسب و نبود تولید و افزایش تولید نفت به میزانی که در بودجه سال ۹۵ آمده به‌طور قطع این منابع تنها قادرند شکاف‌های مالی دولت را پر کنند، از این‌رو منابع دیگری لازم است تا در موقعیت پسابرجام از منابع در جهت اهداف توسعه‌ای خود استفاده کند. «بهره‌گیری درست و بجا از مالیات می‌تواند یکی از راه‌های افزایش درآمد دولت به شمار رود. در این باره جامساز معتقد است: «منابع داخلی که مهم‌ترین آن مالیات‌ها هستند می‌توانند جایگزین مناسبی برای نفت باشند و به دلیل اقتصاد چندقطبی که راه فرار مالیاتی بسیاری از موسسه‌ها و بنگاه‌ها و نهادهای فرادولتی و حاکمیتی را فراهم آورده، دولت قادر نخواهد بود مالیات حقه خود را وصول کند، از این‌رو برای جایگزینی مالیات به جای نفت باید تمام نهادهای مختلف را مشمول مالیات کرد.» وی در زمینه گردشگری نیز عنوان کرد: «زیرساخت‌های گردشگری هم از نظر آسایش و پذیرش گردشگران و هم به دلیل مسائل فرهنگی که محدودیت بسیاری را برای آن دسته از گردشگران تفریحی ایجاد می‌کند، هنوز آماده نشده تا درآمدی که برای مثال کشور همسایه ما ترکیه از آن بهره می‌گیرد، به دست آورد. از همه مهم‌تر حجم بالای نقدینگی ۸۸۰ هزار تومانی است که قابل رصد نبوده و دولت قادر نیست این نقدینگی را از بخش غیرواقعی اقتصاد به بخش واقعی منتقل کند تا شوک مثبت به تولید وارد شود و زمینه افزایش رشد اقتصادی و اشتغال و رفع بیکاری که در حال حاضر یکی از مهم‌ترین ناهنجاری کشور است را فراهم آورد. از این‌رو آنچه باقی می‌ماند، جذب سرمایه‌های خارجی اعم از سرمایه‌گذاری مستقیم و استفاده از فاینانس و انواع سرمایه‌گذاری‌های خارجی





است که چشم‌انداز آن در ظاهر با توجه به سفرهای متعدد هیات‌های تجاری و سیاسی کشورهای توسعه‌یافته به کشور و بالعکس، نوید بهبود در تامین منابع مورد نیاز را می‌دهد. اما همه این سرمایه‌گذاران خارجی که به ایران سفر می‌کنند در حال حاضر درصد کشف سرمایه‌گذاری در ایران هستند و توجه آنها به شاخص‌های کلان مطلوب اقتصادی که از سوی موسسه‌های اعتبارسنجی و بین‌المللی اعلام می‌شود، جلب می‌شود. به‌طور قطع بهبود این شاخص‌ها مستلزم پیش‌زمینه‌هایی است که معیارهای اندازه‌گیری لازم برای یک اقتصاد پویا را در اختیار موسسه‌های اعتبارسنجی بین‌المللی قرار می‌دهد. با این حال بیشتر صنایع ما از نفتی و پتروشیمی و معادن، کشاورزی و خودروسازی و... همه نیازمند سرمایه‌های خارجی هستند تا با ورود این سرمایه‌ها همراه با فناوری پیشرفته و مدیریت‌های دانش‌بنیان بتوانند متحول شده و محصولات خود را با نشان (برند)‌های مشهور جهان از طریق ایجاد سرمایه‌گذاری مشترک تولید و صادر کنند و کشور و اقتصاد را وارد بازار رقابت جهانی کنند و این امر ممکن نیست مگر آنکه دولت بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی خود را به بخش خصوصی واقعی واگذار کند و با کمک مالی و قانونی و حفظ حقوق مالکیت و ایجاد شرایط

مناسب کسب‌وکار آنها را در جهت افزایش بهره‌وری و تولید و صادرات تشویق کند.»

پایبندی به برنامه‌های تدوین شده

بهروز احمدی، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با صمت نیز معتقد است: «در صورت برنامه‌ریزی مناسب می‌توان به اقتصاد بدون نفت رسید، البته پایبندی به برنامه‌های تدوین شده در این زمینه بسیار مهم‌تر

بهروز احمدی:

باید وابستگی بودجه دولت به نفت را تا حد امکان کاهش داد و این امر در یک برنامه میان‌مدت ۳ تا ۵ سال می‌تواند امکان‌پذیر باشد چراکه حذف نفت تا قبل از آن، دولت را با کسری بودجه شدید روبه‌رو خواهد کرد.

حمیدرضا برادران شرکا:

باتوجه به فرصت‌های پیش‌آمده و اقبال گسترده سرمایه‌گذاران به سمت ایران می‌توان با عملکردی مناسب جذب سرمایه‌گذاری خارجی را جایگزین اقتصاد نفتی کرد.

از برنامه‌های اولیه به‌شمار می‌رود. باید وابستگی بودجه دولت به نفت را تا حد امکان کاهش داد و این امر در یک برنامه میان‌مدت ۳ تا ۵ سال می‌تواند امکان‌پذیر باشد چراکه حذف نفت تا قبل از آن، دولت را با کسری بودجه شدید روبه‌رو خواهد کرد. وی با اشاره به راهکارهایی که می‌تواند بودجه دولت را از اتکا به نفت برهاند، خاطرنشان کرد: دولت باید در این زمینه برنامه‌ریزی مالی مناسبی داشته باشد، از این‌رو باید در دو مرحله خود این وابستگی را به حداقل ممکن برساند. به منظور این برنامه‌ریزی مالی، دولت در وهله نخست باید هزینه‌های جاری خود را به حداقل کاهش دهد، در صورتی که ما شاهد افزایش ۲۰ تا ۲۵ درصدی هزینه‌های دولت به‌صورت هرساله هستیم، چه از نظر تعداد و چه از نظر ساختار این هزینه‌ها هر سال در حال بیشتر شدن هستند. در مرحله دوم، با کاهش هزینه‌ها دولت باید با سایر منابع مانند مالیات‌ها، واگذاری‌ها یا بهره‌عوارض و... درآمدهای خود را افزایش دهد که در این میان مالیات نقش پررنگ‌تری خواهد داشت. زمانی که بتوان نظام مالیاتی را قانونمندتر کرد، هم پایه‌های مالیاتی اصلاح شده و هم از فرارهای مالیاتی جلوگیری می‌شود که به یقین درآمدهای نفتی جبران خواهند شد.»



قلمی برای زنده نگهداشتن تاریخ ۱۶۸ شهر



پیام‌آبادگران
بهمن ۱۳۹۴
شماره ۳۳۹

یزد:

یزد اولین شهر خشکی و دومین شهر تاریخی جهان بعد از شهر ونیز ایتالیاست. قدمت بسیاری از آثار تاریخی کشف شده در شهر یزد به قرن پنجم هجری بازمی‌گردد. در عین حال کشف بناهای دیگری متعلق به قرن‌های دوم و سوم هجری، تردیدها را در تخمین قدمت شهر یزد بیشتر می‌کند. در هر صورت تاریخ سکونت انسان در این خطه از هزاره سوم پیش از میلاد فراتر رفته است. یزد را از آن جهت که جنگ و بلاای طبیعی تاکنون نتوانسته به آن صدمه‌ای وارد کند امن‌ترین شهر می‌دانند. مارکوپولو جهانگرد ایتالیایی نیز درباره یزد می‌گوید که تجار جاده ابریشم این شهر را به لحاظ امنیت مالی و جانی آن دوست دارند.

تبریز:

در کتاب تاریخ ایران (چاپ دانشگاه کمبریج) آمده که تبریز در اوایل دوره ساسانی (سده سه یا چهار میلادی) بنا شده یا به احتمال بیشتر در سده هفتم این واقعه روی داده است. شهر کنونی تبریز بر روی خرابه‌های شهر «تورژ» (بارها) بنا شده است. تورژ یکی از بااهمیت‌ترین مراکز بازرگانی منطقه بوده و به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب اهمیت فراوانی داشته است. امروزه تنها دو محل باستانی یعنی ارگ تبریز و مسجد کبود از تبریز قدیم برجای مانده است.

اصفهان:

بنای اصفهان را به تهمورث، سومین پادشاه از سلسله پیشدادیان نسبت داده‌اند. در تاریخ قدیم از آن، تحت عنوان گابای یا

نگهداشت بافت‌های تاریخی شهرهای کشور که از آن به عنوان میراث زنده‌ی ایران یاد می‌شود و متأسفانه هر روز بیشتر از دیروز در معرض تخریب قرار دارد، امروزه به دغدغه‌ای عمومی تبدیل شده که شاید "سند بازنده سازی بافت‌های تاریخی" بتواند کمکی برای حفظ این آثار ارزشمند باشد.

به گزارش ایسنا، معرفی و بازیابی ارزش‌های فرهنگی، شهری و اجتماعی، حفاظت از بافت تاریخی و حیات اجتماعی از اهداف سازماندهی بافت‌های تاریخی بیان می‌شود که بی‌توجهی به آنها می‌تواند به محو تاریخ زنده فرهنگ و تمدن کشور بیانجامد.

قدمت سکونت در بعضی از شهرهای کشور همچون یزد به قبل از هزاره سوم پیش از میلاد می‌رسد که حفظ این میراث زنده از جمله دغدغه‌های عمومی است. ضرورت پاسداشت هویت و فرهنگ کشور که به نگهداری از بناهای شهرهای تاریخی گره خورده بیش از پیش شده اما در راه حفظ این میراث چالش‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها بی‌توجهی به طرح‌های تفصیلی شهرهای تاریخی، تعدد دستگاه‌های دخیل، ناهماهنگی و همراستا نبودن اهداف و برنامه‌های این دستگاه‌ها و بی‌توجهی عمومی نسبت به بناها، بزرگ‌ترین معضل حفظ بافت‌های تاریخی عنوان می‌شود. در اهمیت موضوع صیانت از بافت‌های تاریخی ابتدا به تعدادی از شهرهای تاریخی کشور اشاره می‌کنیم تا لزوم جلوگیری از تخریب این بافت‌ها بیش از پیش تبیین شود:



کرمانشاه:

کامبدان یا کامباده نام شهری باستانی در شمال شهر کرمانشاه است و با گسترش شهر کرمانشاه جزئی از شهر کرمانشاه شد که ویرانه‌های آن میان طاق بستان و شهر کرمانشاه قرار دارد. در منابع به وجود شهری در ۵۰۰ سال پیش از اسلام در دامنه‌ی کوه پراو خبر داده اند که بر باور عده‌ای بعدها بهرام چهارم نام خود یعنی کرمانشاه را بر آن نهاد.

به رغم اینکه بناها پس از ثبت در فهرست آثار تاریخی، از یک پشتوانه حقوقی برخوردار می‌شوند تا هرکسی نتواند دخل و تصرفی در بناها انجام دهد که چنین اقدامی برای بعضی از شهرهای تاریخی کشور انجام شده اما تعداد زیادی از بناها آسیب دیده اند. بنابراین، ثبت کردن آنها مانعی قطعی برای جلوگیری از تخریب نبوده است.

بهنام قلیچ خانی، مدرس معماری در این خصوص تنها راهکار برای حفظ بناهای تاریخی ثبت شده و دارای ارزش ثبت را مشارکت مردم می‌داند و بیان می‌کند: مردم به لحاظ مالی به دلیل کثرت در تعداد، بیشتر از دولت قادر به کمک در فرآیند حفظ بناهای تاریخی خواهند بود و گره زدن سرنوشت این بناها به یک جریان زندگی تنها راه حل جلوگیری از تخریب بناهای تاریخی است. در واقع یک برنامه اقتصادی مناسب می‌تواند این بناها را نجات دهد.

البته در آبان ماه سال جاری نجات ۱۶۸ شهر تاریخی ایران در دستور کار مسوولان وزارت راه و شهرسازی و سازمان میراث فرهنگی قرار گرفت.

در آذرماه نیز طرح «حمایت از احیاء و مرمت بافت‌های تاریخی - فرهنگی و توانمندسازی ساکنان و مالکین آنها» که از سوی ۲۷ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه شده بود، پس از بررسی در کمیسیون مشترک و دریافت نظرات مرکز پژوهش‌های مجلس، در صحن علنی مجلس به شور گذاشته شد که به تعریف مواردی همچون حفاظت، مرمت، احیا، صیانت، حریم بنا و محدوده بافت پرداخت. هم‌چنین در روزهای اخیر، معاون وزیر راه و شهرسازی از ارایه سند سیاست‌گذاری واحد برای بازنده‌سازی بافت‌های تاریخی در آینده‌ی نزدیک خبر داد و گفت: متاسفانه تعدد دستگاه‌های دخیل و برنامه‌های مختلف و گوناگون منجر شده تا حتی بسیاری اقدامات مثبت جنبه‌های تضعیف کننده داشته باشد. به نظر می‌رسد یکی از گام‌های اولیه برای رفع چنین مشکلی تدوین یک بیانیه و تلاش برای همراستا کردن برنامه‌های تمام دستگاه‌های دخیل در قالب یک چارچوب مشخص است.

محمدسعید ایزدی از تعیین تکلیف محدوده‌های ۱۶۸ شهر تاریخی کشور توسط سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خبر داد و گفت: تعیین این محدوده‌ها کار بسیار ارزشمندی بود که اخیراً در شورایی عالی شهرسازی و معماری تصویب شد. البته تعیین محدوده‌های ۱۶۸ شهر تاریخی کشور در قالب بسته نخست است چراکه شهرهای ما به ۱۶۸ شهر محدود نمی‌شوند.

تابای نیز نام برده شده است. این شهر محل تقاطع راه‌های عمده و اقامتگاه سلطنتی پادشاهان هخامنشی نیز بوده است. اصفهان سرشار از آثار هنری و تاریخی است که میدان نقش جهان، مسجد امام، سی و سه پل، پل خواجه، پل مارنان، مسجد جامع، مسجد سید، مسجد شیخ لطف‌الله، منار جنبان، برج کیوترخانه، گذر چهارباغ عباسی، سبزه میدان، کاخ چهلستون، آتشگاه اصفهان، کاخ عالی قاپو، کاخ هشت بهشت، کلیسای وانک، حمام علیقلی آقا، مدرسه چهارباغ و هتل عباسی خانه خان (خوراسگان)، امام زاده ابو العباس (خوراسگان) از بارزترین آنها هستند.

بم:

اگر بخواهند به یک جهانگرد دو سه عکس تاریخی از ایران نشان دهند حتماً یکی از آنها ارگ بم است. (ارگ بم بزرگترین بنای خشتی جهان است که از لحاظ عظمت و زیبایی با دیوار چین مقایسه می‌شود). شهر بم در گذشته به پاریس ایران شهرت داشت.

هگمتانه (همدان):

این شهر کهن، نخستین پایتخت ایران بوده و به همراه آتن در یونان و رم در ایتالیا، از معدود شهرهای باستانی جهان است که همچنان زنده و مهم مانده است. هرودوت این شهر را ساخته دیاکو دانسته و گفته است که هفت دیوار داشته که هر کدام به رنگ یکی از سیاره‌ها بوده‌اند.



نقش خصوصی‌ها در تامین مالی خارجی

دیدگاه است. متأسفانه در حال حاضر کشور ما از سرمایه‌های لازم برای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی تهی است. صندوق توسعه ملی و حساب ذخیره ارزی به حدی نیستند که بتوانند اثری در توسعه اقتصادی کشور داشته باشند زیرا ذخایر آنها در طی سال‌ها حیف و میل شده است و به جای ایفای نقش مثبت در نوسانات ارزی و همچنین تخصیص بهینه آن منابع به بخش خصوصی مولد به صورت نابهینه بین بخش غیر واقعی اقتصاد رانتی توزیع شده است و اکنون دولت با تنگناهای مالی شدید روبه‌روست. اینک که دارایی‌های مسدود شده ایران که در میزان واقعی آن ابهاماتی وجود دارد، آزاد می‌شود و جریان فروش نفت در عدم وجود تحریم‌های بین‌المللی به شکل پیش از تحریم‌ها صورت می‌گیرد و وجوه حاصل از آن از طریق مبادلات پولی بین‌المللی به ایران بازمی‌گردد، برخی از مسئولان امیدوارند که تحرکی در مبادلات تجاری بین‌المللی در

نیست، یکی از روش‌های جبران کمبود منابع داخلی و رسیدن به رشد و توسعه اقتصاد است. لازمه تامین مالی خارجی به اعتقاد کارشناسان تغییر ساختار نهادهای مسئول تامین مالی خارجی است. در این زمینه با کارشناسان گفتگو کردیم.

محمود جام‌ساز، اقتصاد دان:

تحول در ساختار اقتصاد دولتی نفتی و رانتی

در اقتصاد پساتحریم دولت به‌طور بسیار خوش‌بینانه‌ای به تحول اقتصادی در جهت بهبود شرایط رکود، تورم، بیکاری و رونق اقتصادی که متضمن رفاه عمومی و اقتصادی آحاد مردم باشد، نگاه می‌کند و بی‌تردید جذب سرمایه‌های خارجی در سرمایه‌گذاری‌های سودآور و همچنین تولیدات باکیفیت بالا با بهره‌گیری از تکنولوژی روزآمد یکی از مهم‌ترین عوامل این

پسابرجام فرصت بهینه‌ای برای جبران کمبود منابع مالی کشور با استفاده از منابع مالی خارجی فراهم کرده است. در حال حاضر تامین مالی به چالش اساسی برای رشد اقتصادی تبدیل شده است.

برآوردهای منفی یک درصدی تا مثبت ۰/۷ درصدی از نرخ رشد اقتصادی در سال ۹۴ خود گویای وضعیت بی‌رمق اقتصاد و نیاز به تزریق منابع مالی است. به گفته کارشناسان اگرچه مطابق اسناد منتشره برای تحقق نرخ رشد ۸ درصدی که در برنامه ششم مطرح شده نیازمند ۱۵,۵ درصد رشد سالانه سرمایه‌گذاری یا به تعبیر دیگر حدود ۷۰۰ هزار میلیارد تومان منابع مالی سالانه برای سرمایه‌گذاری هستیم، اما بر اساس اسناد موجود از منابع مالی کشور در سال‌های پیش این منابع قادر به تامین میزان گفته شده نیست.

تامین مالی خارجی در کشورهای در حال توسعه که در واقع منابع داخلی آنها کافی





جهت ورود ایران به عرصه رقابت تجارت جهانی به وجود آید. البته این امید هم چندان بی پایه نیست. اما باید توجه داشت که شرایط اقتصادی ما در پساتحریم به شرایطی برمی گردد که هنوز تحریمی اعمال نشده بود. با این تفاوت که اکنون چندین سال از آن زمان گذشته و کشور ما از سایر رقبای خود به لحاظ زمانی بسیار عقب مانده است. با این وجود برای ورود ایران به تجارت خارجی با محوریت بخش خصوصی که در واقع رشد اقتصادی و اشتغال را باید مرهون فعالیت های رقابت آمیز این بخش دانست، لازم است دولت از حمایت های حقوقی و مالی این بخش دریغ نرزد. هنوز بسیاری از قوانین و دستورالعمل های جاری سد محکمی برای رشد و شکوفایی بخش خصوصی ایجاد کرده است و همین امر باعث نگرانی های بسیاری برای بخش خصوصی است. سرمایه های خارجی در پساتحریم با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی البته مایلند که به ایران وارد شوند اما برای ورود این سرمایه ها پیش زمینه هایی لازم است که سرمایه گذاران را نسبت به سرمایه گذاری

در کشور ترغیب کند. در حال حاضر متأسفانه با کاهش قیمت نفت به ۲۰ دلار ممکن است بسیاری از سرمایه گذاران نفتی منابع خود را در کشورهای نفت خیز دیگر جستجو کنند اما خوشبختانه هزینه نازل استخراج نفت در ایران که پس از عربستان سعودی قرار دارد، می تواند یک عامل مثبت در جذب سرمایه های خارجی در زمینه های استخراج نفت باشد. گرچه در حال حاضر

محمود جامساز:

برای ورود ایران به تجارت خارجی با محوریت بخش خصوصی که در واقع رشد اقتصادی و اشتغال را باید مرهون فعالیت های رقابت آمیز این بخش دانست، لازم است دولت از حمایت های حقوقی و مالی این بخش دریغ نرزد. هنوز بسیاری از قوانین و دستورالعمل های جاری سد محکمی برای رشد و شکوفایی بخش خصوصی ایجاد کرده است و همین امر باعث نگرانی های بسیاری برای بخش خصوصی است.



استراتژی اقتصادی و سیاسی کشور نباید بر خام فروشی همچنان که مرسوم است، تاکید ورزد زیرا به دلیل کسر بودجه آشکاری که در سال ۹۵ به چشم خورد، خام فروشی راحت ترین منبع جذب منابع درآمدی بوده است ولی در میان مدت، استراتژی اقتصادی باید به سمت رشد فرآورده های نفتی تغییر پیدا کند که این امر درآمد حاصل از فروش مواد پترو و کمیکال را چندین برابر درآمد وجوه حاصل از فروش نفت خام خواهد کرد. اما همانطور که گفته شده جذب سرمایه مستقیم خارجی یا فاینانس یا سایر ابزارهای مشابه که از ابزارهای مهم توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه هستند، لازم است با تکیه بر نیازهای واقعی کشور مدیریت شود. یکی از مهم ترین این نیازها به طور طبیعی مشارکت بخش خصوصی مولد با سرمایه گذاران خارجی است که هم سرمایه را وارد کشور می کند و هم تکنولوژی پیشرفته را همزمان وارد صنایع کشور می کند که نتیجه آن البته تولید بیشتر و با کیفیت است ضمن آنکه آگاهی و دانش کارگران و تکنسین های ایرانی و از جمله مدیریت صنایع ارتقا می یابد

و به طور طبیعی بهره‌وری نیز افزایش پیدا می‌کند. در برنامه ششم توسعه کشور ۸ درصد رشد اقتصادی پیش‌بینی شده که از این مقدار سه واحد درصد آن مربوط به بهره‌وری است که این امر بدون جذب سرمایه مستقیم خارجی یا فاینانس یا مشارکت بخش خصوصی و خارجی امکان‌پذیر نیست. سیستم بانکداری کشور نیز باید در راستای قواعد و ملزومات پولی و مالی و روابط بانکی بین‌المللی به خود تصحیحی برسد تا بتواند با انطباق عملیات بانکداری خود با سیستم بانکداری جهانی امربادلات پولی و مالی را با توجه به استفاده از ابزارهای جدید مالی، پولی مدرن بین‌المللی منطبق با بانکداری جهانی پیش ببرند. لذا تحول در نظام بانکی یکی از مهم‌ترین پیش‌زمینه‌ها برای توسعه اقتصادی کشور در پساتحریم است. ضمن آنکه ساختار مجموعه اقتصادی کشور که در حال حاضر یک مجموعه اقتصاد دولتی، رانتی و نفتی است، لازم است دچار تحول در جهت رهایی اقتصاد از دخالت‌های نامطلوب دولت شود و بخش خصوصی و بازار رقابتی تقویت شود و دوام پیدا کند تا استعدادهای بخش خصوصی شکوفا شده و سبب افزایش رشد اقتصادی و اشتغال شود.

محمدرضا شهیدی تبار، استاد دانشگاه:

فراهم کردن زمینه حضور بانک‌های خارجی

در ایران ریسک مالی وجود ندارد چرا که ذخایر و داشته‌های اقتصادی کشور به گونه‌ای است که همواره امکان تامین مالی وجود دارد که عمده‌ترین آن همین فروش نفت و درآمدهای حاصل از آن است. اما ریسک سیاسی وجود دارد که آن هم با مذاکرات و رفع تحریم‌ها برطرف شده است. اگر واقعا به دنبال دستاوردهای مالی از پسابرجام و تامین مالی خارجی هستیم، لازم است زمینه حضور بانک‌های خارجی

در کشور فراهم شود. اقتصاد کشور باید از این قابلیت برخوردار باشد که شعب بانکی در کشور تاسیس شود و امکان فعالیت این بانک‌ها ایجاد شود. اینکه نرخ بهره در حال حاضر در کشور ما بالاست و بین آن با نرخ بهره دیگر کشورها تفاوت وجود دارد، مزیتی برای حضور بانک‌های خارجی و سرمایه‌گذاران است. این تفاوت در واقع برای آنها جذابیت دارد. از این امر به شرطی می‌توان در کشور استفاده کرد که نرخ ارز در میزان معقول و منطقی آن باشد. با باز شدن سوئیفت تا حدود زیادی زمینه مرادوات بانکی ایجاد شده است. اگر در کنار آن قوانین بانکی تغییر پیدا کند و قوانین و مقررات کشور برای بانک‌های خارجی به گونه‌ای مناسب باشد، شعب بانکی ایجاد شده و تراکنش مالی این بانک‌ها در کشور شکل می‌گیرد.

کاظم یآوری، استاد دانشگاه:

ریسک‌پذیر کردن نظام بانکی و خصوصی‌تر کردن آن

سرمایه‌گذار خارجی به دنبال امنیت

محمدرضا شهیدی تبار:

با توجه به محدودیت منابع در بودجه، تداوم رکود اقتصادی در چند سال گذشته و کاهش شدید سرمایه‌گذاری در کشور، سیاست‌گذاران اقتصادی چاره‌ای جز استفاده از ظرفیت‌های بازارهای مالی داخلی و خارجی ندارند. میزان استفاده از ظرفیت‌های بازارهای مالی خارجی و دسترسی به منابع ارزان قیمت ارزی منوط به پاره‌ای از اصلاحات در فضای کسب و کار کشور است



سرمایه‌گذاری و سود قابل قبول است. زمانی سرمایه‌گذاری در کشور شکل می‌گیرد که امنیت آن تامین شود و دغدغه سرمایه‌گذار در کمترین حد خود باشد. لزوماً برای تامین مالی خارجی نیازی به تغییر ساختار نهادهای مسئول تامین مالی خارجی نیست چرا که اگر سرمایه‌گذاران خارجی با این ساختارها مشکلی داشته باشند، راضی به بستن قرارداد یا مذاکره با کشور نمی‌شوند. آنها قبل از این کار مطالعات و بررسی‌های خود را انجام می‌دهند و نسبت به نظام بانکی شناخت کسب می‌کنند. البته این نهادها در کشورهای مختلف متفاوت است. پیش شرط آنها این است که نظام بانکی اصلاح شود. برای این کار لازم است بین نظام بانکی داخل کشور با نظام بین‌المللی ارتباط برقرار شود تا تسهیلات و مبادلات با هزینه‌های کمتری انجام شود. لازم است نظام بانکی کشور ریسک‌پذیر شده و نسبت به قبل خصوصی‌تر شود، همانطور که در نظام بانکی بین‌المللی نیز ریسک بالایی وجود دارد. یکی از راه‌های تامین مالی خارجی مبادلات مالی است که به نوسازی نظام مالی بانکی و سیستم نقل و انتقالات نیاز دارد که نمونه آن در بحرین انجام شده است. تامین مالی بخشی از توسعه و رشد اقتصادی است که برای تسهیل و آسان‌سازی مشکلات اقتصادی می‌توان از آن استفاده کرد. تامین مالی خارجی نقش مکملی دارد و باید شرایط دیگری برای آن مهیا شود مانند ثبات نسبی قیمت‌ها، ثبات نظام ارزی، سیاست‌های منضبط پولی و مالی و سیاست‌های حمایت از حق مالکیت و ... از جمله اثرات مثبت تامین مالی بر اقتصاد کمک به صنایع و ایجاد اشتغال است. برای اینکه رشد پایدار اتفاق بیفتد، سرمایه‌گذاری خارجی باید بیشترین استفاده را از منابع مازاد کشور مانند نیروی تحصیلکرده و کمترین استفاده را از منابع کمیاب مانند آب کند.

تعهد تازه برای بلندمرتبه سازی ممنوع شد



وزیر راه و شهرسازی درباره تصمیم شورای عالی شهرسازی و معماری برای ممنوع کردن هرگونه تعهد تازه برای بلندمرتبه سازی، گفت: در ۱۰ سال گذشته به دلیل افزایش ساختمان های بلند، جریان باد در شمال تهران کاهش یافته است.

به گزارش پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی، «عباس آخوندی» در بیستمین نشست شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تصریح کرد: مطالعات دیگر کشورها مانند آمریکا، هنگ کنگ و کره جنوبی در زمینه تاثیر ساختمان های بلند بر جریان باد نیز این موضوع را تایید می کند.

آخوندی افزود: از سال ۶۶ به بعد جریان سریع ساخت ساختمان های بلندمرتبه را داشتیم و براساس گزارش شهردار تهران، نزدیک به ۹۷۹ پروانه در این مدت صادر شده است که هر پروانه می تواند چندین ساختمان باشد.

به گفته او، به دلیل بلوک های بزرگ در منطقه ۲۲ تهران، میزان ساختمان ها نسبت به پروانه ها بیشتر است. آخوندی ادامه داد: از جامعه مهندسان درخواست می کنیم به اخلاق مهندسی از منظر بررسی آثار تبعی ساخت و سازها در زندگی مردم توجه کنند. وی افزود: بر اساس طرح جامع، ظرفیت جمعیت پذیری شهر تهران باید هفت میلیون و ۸۰۰ هزار نفر باشد اما اکنون این میزان به بیش از ۱۰ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر افزایش پیدا کرده است. به گفته او، اگر این روند ادامه پیدا کند مشکل زیستی روند تصاعدی خواهد یافت و باید مدیریت شهری و مدیریت مرکزی یک نقطه پایانی برای توسعه شهری تهران و کلانشهرها قرار دهد. با حضور وزیر راه و شهرسازی، شهردار تهران و مدیرانی از سازمان هواشناسی، محیط زیست و وزارت کشور تاثیر بلندمرتبه سازی بر آلودگی شهر تهران بررسی شد.

ظرف ۶ ماه ضوابط شهری ریل پایه،

تدوین می شود

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به تردد بیش از

۴۰۰ هزار خودرو در روز در شهر تهران تصریح کرد: باید یک نظام حمل و نقل حومه ای ریل پایه داشته باشیم و امروز در شورای عالی شهرسازی مقرر شد در ۶ ماه، ضوابط شهری بر مبنای ریل را تهیه کنیم. وی گفت: در دو و سه سال گذشته نهضت بیرون رفتن ریل از شهرها راه افتاده بود و اکنون باید عکس آن را عمل کنیم.

شهرداری تهران از روند ساخت و سازهای

بلندمرتبه گزارش تفصیلی می دهد

شورای عالی شهرسازی و معماری مقرر کرد به منظور جلوگیری از ایجاد حقوق بعدی، هرگونه ایجاد تعهد تازه شامل توافق، تشکیل پرونده، طرح موضوع در کمیسیون ماده ۵ و کمیته های کاری این کمیسیون و صدور پیش پروانه برای بلندمرتبه سازی تا تعیین تکلیف قطعی ضوابط مکان یابی و ساخت این ساختمان ها ممنوع شد.

همچنین شهرداری تهران موظف است گزارش تفصیلی از روند ساخت و سازهای بلندمرتبه در قالب شمار پروانه و ساختمان، سطح اشغال و ارتفاع هر کدام به تفکیک تاریخ صدور پروانه و پایان کار و منطقه شهرداری ظرف سه هفته به دبیرخانه شورای عالی ارائه کند.

دبیرخانه شورا موظف است با همکاری سازمان هواشناسی و سازمان محیط زیست تاثیر ارتفاع ساختمان ها بر جریان باد در تهران را مدل سازی کند و نتایج آن را با ضوابط ساخت و ساز طرح جامع شهر تهران مطابقت دهد و پیشنهادهای لازم را برای انجام اصلاحات ارائه کند.

همچنین وزارت راه و شهرسازی موظف است با همکاری سازمان نظام مهندسی ساختمان مشارکت مهندسان را در کنترل ضوابط ساخت و ساز و بهبود شرایط زیست جلب کند و گزارش حمل و نقل سبز در کلانشهرهای ایران و ضوابط شهرسازی ریلی را تهیه کند و در ۶ ماه آتی به تصویب شورای عالی برساند.

دبیرخانه شورای عالی موظف است با بهره گیری از توان فنی مشاوران و کارشناسان حقیقی و حقوقی صاحب صلاحیت و دانشگاه ها نسبت به تهیه چارچوب تدوین ضوابط مکان یابی ساختمان های بلندمرتبه برای همه کشور و تهیه ضوابط مربوط به این امر برای شهر تهران اقدام و نتیجه را به شورای عالی ارائه کند.

باید در این مطالعات موضوع ایمنی و بررسی جریان باد بویژه جریان بادهای سطحی بررسی شود. منبع: ایرنا





نیاز فوری ایران به تقویت حمل و نقل ریلی در توسعه شهری

آخوندی در نخستین همایش شهرسازی ریل پایه مطرح کرد



پیام آبادگران
بهمن ۱۳۹۴
شماره ۳۳۹

نمونه بارزی از فشردگی زمان و مکان است. ما این فشردگی را در فضای مجازی و اینترنت نیز شاهد هستیم، شما هرگونه جابه جایی در این فضا را در لحظه انجام می دهید. امروزه مفهوم حرکت که در واقع اصلی ترین مفهوم جهانی شدن است به روانی صورت گرفته و هیچ چیز حتی مرزها نمی توانند در این کره خاکی مانع آن شوند.

آخوندی در ادامه سخنانش مفهوم حرکت را خمیرمایه اصلی جهانی شدن اعلام کرد و گفت: در دنیای گذشته حرکت همواره مسئله بشر بوده است، کاروان ها و کاروانسراها که همچنان از بخش های عمده میراث فرهنگی ما به شمار می روند میراثی بر پایه مسیر حرکت در آن زمان به شمار می روند و اجزایی که در این بخش خدمت رسانی می کردند نیز در سابقه ایران شهری ما حضور دارند.

وی اضافه کرد: همچنان وقتی از میراث ایران شهری خود صحبت می کنیم از جاده ابریشم سخن می گوئیم. جاده ابریشم یک راه نیست بلکه یک تمدن، یک سبک زندگی، گفتمان، مدل اقتصادی و فرهنگی است که برای خود اجزای متعددی دارد. نکته بسیار

جابه جایی در سطح زمین، کیفیت زندگی و قابلیت زندگی در سکونتگاه ها اندیشه ای بنیادی داشته باشیم.

وزیر راه و شهرسازی افزود: ما در این مسئله با دو بحث بنیادی مواجه هستیم و فقط موضوع حمل و نقل یا بحث فیزیکی آن و جابه جایی موضوع مورد توجه نیستند. وقتی ما از جابه جایی صحبت می کنیم جنبه های انسانی، اقتصادی، اجتماعی و روابط انسانی نیز در آن تاثیرگذار هستند. این مسئله ما را با گسست های جدی در جامعه مواجه کرده است. ما امروز وقتی از اجرای یک خط حرکت قطار یا جاده در شهر صحبت می کنیم شاهد ایجاد گسست از لحاظ اجتماعی در این عرصه هستیم چرا که در نظام شهری جدید فضای عمومی را از دست داده ایم.

وی با بیان اینکه عصر جهانی شدن دارای ویژگی بسیار مهمی مبنی بر فشردگی زمان و مکان است گفت: اگر در چهار دهه گذشته مکان قابل جابه جایی در فضای شهری برای ما ۲۰ کیلومتر بود این مکان در حال حاضر تبدیل به ۳۳ کیلومتر شده که متعاقباً زمان کافی برای پیمودن این مسیر نیز کاهش یافته است که

اولین همایش «شهرسازی ریل پایه؛ توسعه شهری و منطقه ای بر مبنای حمل و نقل ریلی» صبح یکشنبه ۱۱ بهمن برگزار شد. این همایش با هدف بررسی و بستر سازی توسعه همزمان و یکپارچه شهری و منطقه ای، مبتنی بر توسعه خطوط پرسرعت ریلی درون و برون محدوده های هریک از مجموعه های شهری کشور برگزار شد.

عباس آخوندی در این همایش پررنگ شدن حمل و نقل ریلی در توسعه شهری را نیازمندی عاجل ایران دانست و گفت: یکی از مهمترین اهداف ما در این حوزه تغییر رویکرد بنیادی در حمل و نقل و شهرسازی است. واقعیت این است که در بسیاری از شهرهای بزرگ با مشکل جدی حرکت و جابه جایی مواجه هستیم. قاعدتا موتور و انواع وسایل موتوری برای آسایش زندگی بشر ابداع شده اند ولی در شهرهای کشور ما و همچنین بسیاری از شهرهای جهان این وسایل ناقله تبدیل به موانع اصلی زندگی و حرکت شده و زندگی شهری را با بحران جدی مواجه کرده اند. این نشان می دهد ما باید نسبت به نحوه استفاده از وسایل موتوری و چگونگی بهره بردن از آنها برای افزایش سرعت



مهم این است که در جاده ابریشم علاوه بر مبادلات کالا، مبادلات فرهنگی نیز صورت می‌گرفت و در این مسیر کانون‌های فیزیکی و کاروانسراها به عنوان محل اصلی این مبادلات کالا، فرهنگ و اندیشه به شمار می‌رفتند.

وزیر راه و شهرسازی با تأکید بر اهمیت بالای جاده ابریشم و اندیشه ایران شهری اعلام کرد: کانون‌های توسعه ایران شهری بر مبنای کانون‌های ارتباطی ایجاد شده‌اند. در واقع این کاروانسراها فضاهایی عمومی بوده‌اند که در آن گفتگو صورت می‌گرفت و انسان‌ها محور این جاده و تمدن تلقی می‌شدند. این فضاها برای انسان ساخته شده و همه در خدمت بشر بوده‌اند.

آخوندی افزود: به گفته جامعه‌شناسان عرصه عمومی در گذشته محل داد و ستد ذهنی بود، مشکلی که ما امروز با آن مواجه هستیم این است که با وجود اینکه موتور برای آسایش انسان به وجود آمد ولی با گذشت زمان این وسیله به هدف تبدیل و انسان از این بخش حذف شد. امروزه شاهد ایجاد شهرهایی هستیم که تنها برای تردد ماشین‌ها فراهم شده‌اند و انسان در آن جایگاهی ندارد.

وی گفت: در حال حاضر شاهد وجود ایستگاه‌ها و ترمینال‌هایی هستیم که فقط جایگاه سوار و پیاده شدن مسافران هستند در صورتی که مبادله فرهنگی و اجتماعی و ایجاد امکاناتی برای صرف اوقات فراغت در کنار این جابه‌جایی باید وجود داشته باشد. این ایستگاه‌های جدید بازخوانی کاروانسراهای پیشین ما هستند که به شدت نیاز به حرکت به سمت انسانی شدن دارند ولی ما در این بخش در مرحله ابزاری باقی مانده‌ایم و نتوانسته‌ایم حمل و نقل را در اختیار انسان قرار دهیم.

وزیر راه و شهرسازی ضمن اشاره به رشد شتابان شهرنشینی در بسیاری از شهرها اعلام کرد: با افزایش جمعیت شهری با پدیده حمل و نقل و گرفتاری وسایل موتوری، محیط زیست و آلودگی هوا مواجهیم. امروزه ما به دنبال یک نظام ذهنی هستیم که چگونه شهروندان را در سایر شهرهایی که به شدت در حال الگوبرداری از این شهرهای بیمار (کلانشهرها) هستند محور قرار داده و همه بخش‌ها را به خدمت انسان بگماریم.

آخوندی با تأکید بر اینکه مبنای شهرسازی باید انسان قرار گیرد افزود: متأسفانه مدل

وی تأکید کرد ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف حمل و نقل همگانی با نظام شهری بسیار ضروری است و گفت: نبود شبکه گسترده حمل و نقل یکپارچه از مشکل‌های مهم توسعه حمل و نقل عمومی در شهرهاست.

تقی زاده گفت: ابهام در متولی یکپارچگی سازی ابعاد مختلف حمل و نقل درون و برون شهری و نبود متولی واحد برای قطارهای حومه ای یکی دیگر از مشکل‌های لاینحل توسعه حمل و نقل عمومی در شهرهای بزرگ است. وی افزود: در ایران همواره حمل و نقل درون شهری مربوط به شهرداری‌ها و برون شهری مربوط به وزارت راه و شهرسازی است و ایجاد هماهنگی بین این دو بخش به تسهیل تردد مردم در کلانشهرها و شهرهای بزرگ کمک بسیاری می‌کند.

پیروز حناچی معاون وزیر راه و شهرسازی در این همایش گفت: یکپارچگی حمل و نقل در توسعه شهری می‌تواند کیفیت زندگی را در کلانشهرها ارتقا دهد.

وی تصریح کرد: استفاده از حمل و نقل چندوجهی، مترو و اتوبوس و ایجاد هماهنگی بین آنها در شهرهای بزرگ جهان یک امر رایج است که سبب دسترسی مردم به حمل و نقل عمومی سریع می‌شود. به گفته وی، بیشترین تراکم جمعیت در بخش‌های مرکزی شهرهاست و هرچه از مرکز شهرها فاصله بگیریم، ترافیک و تمرکز شهری کمتری شود. حناچی گفت: ایجاد تعادل در بخش‌های شهری و توزیع مناسب جمعیت سبب می‌شود در کلانشهرها شاهد حمل و نقل روانی باشیم و مردم به راحتی تردد کنند.

شهرسازی کنونی بر مبنای وسایل موتوری شکل گرفته است و بر همین اساس است که روزی یک پل ساخته می‌شود و بعد تصمیم بر تخریب آن و ایجاد یک حمل و نقل زیرزمینی مدنظر قرار می‌گیرد. این مسئله نباید به یک پروژه تقلیل پیدا کند بلکه این یک تحول ذهنی رخ داده در گذشت زمان است. در واقع فضای شهری باید قابلیت زندگی داشته باشد و شهر باید از فضاها و عرصه عمومی و یک کیفیت مناسب زندگی بهره‌بردار.

مهرداد تقی زاده دبیر نخستین همایش تخصصی «شهرسازی ریل پایه در این همایش گفت: ناهماهنگی بین حمل و نقل برون و درون شهری به نارضایتی مردم منجر شده؛ در حالی که اکنون در بسیاری از کشورهای جهان یکپارچگی سامانه حمل و نقل ریلی مانند مترو و قطار بسیار رایج است.

دبیر نخستین همایش تخصصی شهرسازی ریل پایه از انتقال پایانه مسافری شرق از داخل شهر تهران به سرخه حصار انتقاد کرد و گفت: این بدعت بسیار بدی است که بجز مشکل برای مردم چیز دیگری نخواهد داشت؛ زیرا رفت و آمد مسافران به این پایانه در خارج از شهر تهران گرفتاری‌های زیادی به بار می‌آورد. تقی زاده مکان یابی پایانه‌های مسافری برون شهری و درون شهری برای ایجاد هماهنگی بین این دو بخش را بسیار با اهمیت دانست و ادامه داد: در توسعه حمل و نقل شهری ایجاد کریدورهای تراموا در محدوده‌های شهری در رفع مشکل تردد مردم در شهرهای بزرگ تأثیر مثبتی خواهد داشت.



در همایش ملی مدیریت
ساخت و پروژه مطرح شد

اتلاف منابع نفتی کشور باروش‌های سنتی راهسازی

همگرا هستند. وی گفت: رفع فرسودگی و خرابی‌های راه‌ها، استفاده از مصالح جدید به جای مصالح سنتی و مانیتور کردن راه‌ها از مسایلی است که باید در حوزه مدیریت پروژه‌های راه، به آن توجه شود. واحدی با انتقاد از اینکه سال‌هاست در پروژه‌های راهسازی از قیر استفاده می‌کنیم، گفت: متأسفانه سال‌هاست چاه‌های نفت افقی در کشور به عنوان راه پهن کرده‌ایم در حالی که باید به فکر مهندسی ارزش در این حوزه باشیم. وی به برگزاری دومین کنفرانس ملی مدیریت ساخت و پروژه اشاره کرد و

جریان نقدینگی پروژه‌ها، ارتقای کیفی پروژه، آسیب‌شناسی پروژه‌ها، شناسایی پروژه‌های بحرانی و هدایت پروژه‌ها در مسیر درست، از ویژگی‌های دفا تر مدیریت پروژه است. واحدی با تأکید بر اینکه مدیریت پروژه، دانش بکارگیری مهارت‌ها و تکنیک‌ها است، اظهار داشت: یکی از موضوعاتی که در این حوزه باید بدانیم این است که هر فعالیتی در صنعت ساخت رخ می‌دهد سیاست‌گذاری مناسب و مدیریت صحیح منابع مالی را می‌طلبد. مدیرکل راه و شهرسازی استان تهران افزود: مهندسی و مدیریت ساخت در مدیریت پروژه از لحاظ مفهومی متفاوت اما

دومین همایش ملی مدیریت ساخت و پروژه با هدف ایجاد ارتباط بین دستگاه‌های اجرایی و تأثیرگذار با جامعه مهندسی کشور و دانشگاه، به همت دانشگاه علاءالدوله سمنانی گرمسار، برگزار شد. فریبرز واحدی قائم مقام وزیر و مدیرکل راه و شهرسازی استان تهران در دومین همایش ملی مدیریت ساخت و پروژه اظهار داشت: مدیریت پروژه جهت افزایش بهره‌وری‌ها در سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ مطرح است. وی به راه‌اندازی دفتر مدیریت پروژه در اداره کل راه و شهرسازی استان تهران از سال‌های گذشته اشاره کرد و گفت: رصد



پیام آبادگران
بهمن ۱۳۹۴
شماره ۳۳۹

گفت: با هدف ایجاد ارتباط بین دستگاه‌های اجرایی و تأثیرگذار با جامعه مهندسی کشور و دانشگاه، این کنفرانس به همت دانشگاه علاءالدوله سمنانی گرمسار، برگزار می‌شود. مدیرکل راه و شهرسازی استان تهران با بیان اینکه در حوزه‌های ساخت، پروژه‌های متعددی در طول سال تعریف می‌شود، گفت: می‌توان در این حوزه از تکنولوژی‌ها و دانش جدید، پژوهش‌ها و دستاوردها استفاده کرد ضمن اینکه این دانش و مدیریت را برای فعالیت‌های خود عملیاتی می‌کنیم. وی با بیان اینکه از سال آینده پروژه‌های جدید حمل و نقل و ساختمانی رونق می‌یابد، گفت: مدیریت پروژه مدیریت مالی اجرای سریع دستورالعمل‌ها و ضوابط است تا در این ارتباط به ارتقای بهره‌وری دست یابیم. در ادامه این کنفرانس، مهدی روان‌شادنی یکی از اعضای سازمان نظام مهندسی

تصریح کرد: در سال ۹۱ حدود ۱۲۰ میلیون مترمربع پروانه ساخت و ساز در کشور صادر شد اما به دلیل رکود حاکم بر بازار مسکن، این رقم در سال ۹۳ به ۷۴ میلیون مترمربع کاهش یافت. وی با بیان اینکه در کیفیت ساخت و سازها وضعیت مطلوبی نداریم، گفت: سازنده‌های ذی‌صلاح ساختمان‌های ما را نمی‌سازند و در این باره باید مطالبه عمومی وجود داشته باشد. روان‌شادنی با تأکید بر اینکه ساختمان باید دارای شناسنامه فنی باشد، گفت: باید ساختمان‌ها توسط افراد صلاحیت‌دار نگهداری شوند ضمن آنکه بیمه تضمین کیفیت در این باره هم موضوعی مهم است. وی با بیان اینکه با چالش منابع طبیعی و محیط زیست مواجه هستیم، گفت: مهندسی در کشور ما به قدری نرم‌افزار زده شده است که نوآوری‌ها در این دانش

تحت تأثیر موضوع مذکور قرار گرفته است. روان‌شادنی گفت: در کشور ما سلسله مراتب حرفه ساخت، منطقی نیست و به تناسب آن کاردان و کارگر ماهر نداریم. وی بیان کرد: در حال حاضر سالانه ۴۲۰ هزار فارغ‌التحصیل انواع رشته‌های مهندسی داریم که ما را در رتبه پنجم دنیا قرار می‌دهد اما طبق استانداردها، باید به ازای هر یک نفر مهندس، ۶ نفر تکنسین و به ازای هر یک نفر تکنسین ۶ کارگر ماهر داشته باشیم در حالی که این رقم هم‌اکنون به ازای هر یک مهندس، یک تکنسین است. روان‌شادنی با بیان اینکه شهرداری تهران و نظام مهندسی دو نهاد مسئول مقابله با ساخت و ساز غیرمجاز هستند، گفت: مشکل مبنایی ما این است که درآمد شهرداری‌ها به تخلفات ساخت و ساز متکی است و همین مشکل‌آفرین است.



چرا وزرای دولت تن به خصوصی سازی نمی دهند؟

سهم بخش خصوصی در حوزه‌هایی نظیر پتروشیمی، فولاد و بانکداری چقدر است؟

محمد مهدی امینی



پیام آبادگران
بهمن ۱۳۹۴
شماره ۳۳۹

یادآوری یک تجربه تلخ خصوصی سازی
اگر به گذشته نگاه کنیم، به طور مشخص از سال ۱۳۸۰ که خصوصی سازی‌ها از سوی سازمان خصوصی سازی انجام شده، در عمده واگذاری‌ها، خصوصی سازی به معنای واقعی انجام نشده است. در واقع، به نوعی تنها «واگذاری» انجام شده نه «خصوصی سازی». به عبارتی سهام شرکت‌ها

برمی‌گردد. اعتقاد دارم حتی در مقطع فعلی این مساله فرع بر موانع خصوصی سازی است. ضمن اینکه مشکل مذکور وجود دارد اما چون موانع بنیادی تری در فرآیند خصوصی سازی داریم، به نظر می‌رسد این مساله فرع بر موانع خصوصی سازی محسوب می‌شود.

مساله‌ای که اخیراً از سوی رئیس‌جمهور محترم در مورد فقدان تمایل برخی وزرا نسبت به دست برداشتن از بنگاهداری مطرح شده، نکته درستی به نظر می‌رسد. تجربه‌های بین‌المللی هم نشان داده که تقریباً همین‌طور بوده است؛ ولی واقعیت این است که در کشور ما مشکل عدم توفیق در خصوصی سازی به مسائل مختلفی



از یک مالکیت به مالکیتی دیگر منتقل شده اما خصوصی سازی صورت نگرفته است. خصوصی سازی واگذاری یک بنگاه دولتی به بخش خصوصی و افزایش بهره‌وری در آن بنگاه و افزایش کارایی عوامل تولید نظیر کار و سرمایه، در مفهوم عام کلمه است. به عنوان مثال، در سال ۱۳۸۲ پیرو تصویب قوانین جدید خصوصی سازی، شرکت صدا به عنوان بزرگ‌ترین واگذاری در سال‌های مذکور، انجام شد. این کار با سازوکار رقابتی از طریق بورس انجام شد و تقریباً تمامی متولیان اقتصادی وقت از این موضوع خرسند بودند و آن را موفقیت تلقی می‌کردند. اما اکنون بعد از گذشت ۱۲ سال اگر آن اقدام را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که شرکت مذکور مسیر درستی را در خصوصی سازی طی نکرده است. آن زمان ۳۵ درصد مالکیت صدا را واگذار شد که با توجه به قیمت کشف شده در بورس، ارزش جاری آن ۱۱۶۰ میلیارد تومان تعیین شد. اکنون بعد از گذشت ۱۲ سال سرمایه این شرکت ۱۵۰ میلیارد تومان است و ۱۶۰۰ میلیارد تومان هم زیان انباشته دارد. بسنده کردن به همین شاخص‌ها نشان می‌دهد این شرکت مسیر صحیح خصوصی سازی را دنبال نکرده است. چنانچه مالکیت سهامداری مستقیم و غیرمستقیم صندوق‌های بازنشستگی به‌طور عام (شامل صندوق‌های بازنشستگی کشوری، نفت، تامین اجتماعی و...)، سهام عدالت، و نهادهای حاکمیتی را از مجموع شرکت‌های پذیرفته شده در بورس (به عنوان یک بخش شفاف در اقتصاد) کنار بگذاریم، سهم بخش خصوصی واقعی چه میزان است؟ سهم بخش خصوصی ما در حوزه‌هایی نظیر پتروشیمی، فولاد و بانکداری چقدر است؟ به همین دلیل وقتی به گذشته برمی‌گردیم متوجه می‌شویم عمده «خصوصی سازی‌ها» صرفاً «واگذاری» بوده و خصوصی سازی به معنای واقعی خود نبوده است. به عبارت دیگر، اگر این واگذاری‌ها به صورت درست انجام می‌شد، اکنون دیگر باید با بخش خصوصی فربه‌ی در حوزه‌های پتروشیمی، پالایشگاهی و... مواجه می‌شدیم.

مهیا نبودن شرایط رشد بخش خصوصی
به نظر می‌رسد باید قبول کرد تاکنون شرایط توسعه و رشد بخش خصوصی به معنای

واقعی آن، فراهم نبوده است. با این حجم واگذاری‌های انجام شده به ارزش جاری ۱۴۰ هزار میلیارد تومان از ابتدای سال ۱۳۸۰ تاکنون، قاعدتاً اکنون باید شاهد این می‌بودیم که سهامدارانی غیر از سهامداران کنونی، سردمداران بخش خصوصی و پیشرو در صنایع کشور باشند. اما این اتفاق رخ نداده و این نشان می‌دهد واگذاری شرکت‌ها، سمت و سوی

در مقطع کنونی نیز مشاهده می‌شود که یک مدیر دولتی با افتخار خبر مشارکت شرکت تحت امر خود را با یک شرکت خارجی اعلام می‌کند. گرچه این فعالیت می‌تواند به خودی خود یک دستاورد مثبت تلقی شود لیکن در فرآیند خصوصی سازی، مغایر با کوچک سازی دولت و البته توسعه بخش خصوصی است.

خصوصی سازی را طی نکرده‌اند.

چرا دولت بنگاهداری می‌کند؟

اینکه دولت چرا هنوز هم بنگاهداری می‌کند، بحثی کلی است؛ در این مورد باید اشاره شود که در شرکت‌ها و نهادهای دولتی، به‌طور طبیعی مدیران دولتی مایل هستند که مدیریت و روابط آنها نه تنها حفظ شود بلکه گسترش یابد. از همین رو، آنها تمایلی نسبت به واگذاری مجموعه تحت مدیریت خود ندارند. موضوع این است که متولیان امر خصوصی سازی باید به نحوی سیاستگذاری و عمل کنند تا این موانع برداشته شود. به هر روی، وجود چنین مشکلی کاملاً قابل پیش‌بینی است. چنانچه تجربه دو دهه اخیر در این زمینه بازخوانی شود می‌توان چسبندگی متولیان دولتی به بنگاه‌هایشان را به وضوح مشاهده کرد. نکته جالب اینکه در مقطع کنونی مشاهده می‌شود که یک مدیر دولتی با افتخار خبر مشارکت شرکت تحت امر خود را با یک شرکت خارجی اعلام می‌کند. گرچه این فعالیت می‌تواند به خودی خود یک دستاورد مثبت تلقی شود لیکن در فرآیند خصوصی سازی، مغایر با کوچک سازی دولت و البته توسعه بخش خصوصی است. بنابراین عارضه مذکور در ذات فرآیند خصوصی سازی وجود دارد، فقط بحث این است که

سیاستگذار بتواند این مشکل را پیش بینی و برطرف کند.

در آینده چه باید کرد؟

با توجه به اینکه تقریباً در اواخر دوره ماموریت سازمان خصوصی سازی برای واگذاری شرکت های دولتی هستیم، باید بررسی کرد که در مقطع کنونی چه می توان کرد؟ در این مقطع باید بیش از هر مساله ای نگاه دولت به بخش خصوصی عوض شود. یعنی دولت باید قبول کند که گذرگاه توسعه اقتصادی کشور، توسعه بخش خصوصی است. باید پذیرفت که اگر بخش خصوصی کشور توسعه یابد، نظام اقتصاد کشور هم توسعه می یابد. وقتی این نگاه در تمام سطوح حاکمیت وجود داشته باشد، می توانیم به توسعه امیدوار باشیم. در واگذاری های تا پیش از این، فقط لباس شرکتی عوض شده و از یک لباس دولتی به یک لباس غیردولتی و نه خصوصی تغییر یافته اما قامت همان قامت و مدیریت هم همان مدیریت قبلی بوده است. چطور می توان قبول کرد در شرکت معظمی که خصوصی شده با تغییر یک دولت، حتی مدیران میانی آن شرکت مثلاً خصوصی شده هم تغییر می کند؟ اگر خصوصی سازی به معنای واقعی خود انجام شده بود آیا ما با یک تغییر سیاسی در نظام اجرایی کشور شاهد تغییرات در مدیران میانه شرکت خصوصی شده بودیم؟ راهکار این است که باید نگاه دولت به این مساله عوض شده و نظام بازار در مفهوم واقعی خودش پذیرفته شود.

سیگنال طنز اخیر رئیس جمهور

در مورد طنز رئیس جمهور محترم که خطاب به وزرایشان فرمودند دودستی به بنگاه هایشان چسبیده اند هم باید اشاره کرد که رئیس جمهور محترم تنها یک بخشی از حاکمیت است و همه حاکمیت نیست. ممکن است در بخش هایی هم ایشان بخواهند در راستای امر خصوصی سازی اقدامی انجام دهند اما این امکان وجود دارد که نتوانند این خواسته را عملی کنند. واقعیت این است که به نظر می رسد شرایط لازم برای حرکت سریع به سمت توسعه بخش خصوصی سازی دست کم در کوتاه مدت وجود ندارد. اما جای بسی



شناختن حق پخش برای باشگاه هاست. در سایر کشورهای توسعه یافته دیگر نیز درآمدهای اصلی باشگاه ها، حق پخش آنهاست. اما وقتی که باشگاه های ما از چنین مزیتی بهره مند نیستند واگذاری آنها مشکل اساسی را حل نمی کند. از این رو، تا شرایط و تمهیدات فضای کسب و کار باشگاهداری مهیا نشود واگذاری صرف باشگاه ها هم مشکل ناکارآمدی اقتصادی این بخش را برطرف نمی کند.

سه اقدام مورد نیاز

چنانچه گفته شد، عمده واگذاری ها انجام شده و اکنون تعداد شرکت های محدودی در اختیار سازمان خصوصی سازی برای واگذاری است. در مقطع کنونی دولت باید به بخش خصوصی شخصیت بدهد و قبول کند که بخش خصوصی تقویت و نظام بازار پذیرفته شود. در هر بخشی که سرکوب قیمتی وجود داشته باشد، اصولاً بخش خصوصی نمی تواند حضور داشته باشد. به این ترتیب، بدیهی است باید به سمت نظام بازار حرکت شود. بحث دیگر این است که تجربه بین المللی و بررسی های علمی نشان می دهد کشورهایی که در مسیر خصوصی سازی توانسته اند با مالکیت خارجی این مسیر را طی کنند این اقدام به بهبود عملکرد مالی و عملیاتی آنها منجر شده است. در حالی که با این ضعف عمده یعنی فقدان سرمایه گذار خارجی در فرآیند خصوصی سازی در ۱۴ سال گذشته مواجه بوده ایم، در وضعیت فعلی هم باید وجود سرمایه گذار خارجی و مشارکت خارجی ها را تقویت کنیم. این هم ضعف بزرگی است که باید برطرف شود. جذب سرمایه گذار خارجی به این فضا، نشان می دهد فضای کسب و کار ما به سمت بهبود است، اما هنوز این نشانه ملاحظه نشده است. در خاتمه، باید تاکید و تکرار کنم که در فرآیند توسعه بخش خصوصی و بهبود فضای کسب و کار، نگاه حاکمیت بسیار اهمیت دارد و در کنار آن توسعه نظام بازار و مشارکت سرمایه گذاران خارجی هم اجزای جدایی ناپذیر این فرآیند هستند.

دولت باید قبول کند که گذرگاه توسعه اقتصادی کشور، توسعه بخش خصوصی است.

باید پذیرفت که اگر بخش خصوصی کشور توسعه یابد، نظام اقتصاد کشور هم توسعه می یابد.

باید نگاه دولت به این مساله عوض شده و نظام بازار در مفهوم واقعی خودش پذیرفته شود.





نقش فیلترهای ماشین آلات در کاهش آسیب‌های محیط زیستی

سمینار آموزشی



پیام آبادگران
بهمن ۱۳۹۴
شماره ۳۳۹

افزود: خوشبختانه در شهریور ۹۳ کمیسیون ماشین آلات تشکیل شد تا دانش مربوط به ماشین آلات ارتقا یافته و جایگاه ماشین آلات با همفکری همه صاحبان نظران تثبیت شود. امروزه موضوع ماشین آلات جدید حیاتی شده چون از کل نیروی انسانی فرهیخته ۳۰ درصد در سیستم‌های بخش خصوصی فعال هستند. یعنی هنوز ۷۰ درصد آن در بخش دولتی فعال است، بنابراین اگر نیروی انسانی ماهر نباشد ما در بخش خصوصی و در حوزه دانش ماشین به دولت وابسته می‌مانیم در حالی که بخش خصوصی واقعی باید به دولت نیروی متخصص و منابع مالی ارائه دهد. وی افزود: مادر کنفرانس پاریس تعهد داده ایم ۱۲ درصد از سوخت فسیلی خود کم کنیم که بخش خصوصی باید در این باره هوشمندانه عمل کند. بهانه‌هایی مانند نداشتن منابع مالی برای نوسازی ماشین آلات و بهینه کردن سیستم‌های سوخت توجیه ناپذیر است

شرکت‌های ساختمانی ایران بر آن است که اعتبار ماشین آلات را ارتقا دهد. بدین منظور ارتقای مدیریت ماشین آلات باعث ارتقای بهره‌وری آنها شده و جایگاه واقعی شان آشکار می‌شود.

وی افزود: باید خرد و همکاری جمعی ایجاد شود، راهکارها معرفی شوند تا در مسیر ارتقای ماشین آلات قرار گیریم. امروزه مسئولیت مدیران ماشین آلات بیشتر از گذشته است. زمانی ماشین آلات ایزوله بودند و خدمات پس از فروش معنای چندانی نداشت، وضعیت قطعات مبهم بود و در نهایت ماشین آلات از بین می‌رفتند. این ماشین آلات ارزش افزوده نداشتند تا به بازسازی ناوگان قدیمی یا ورود ماشین آلات جدید منجر شود و همین امر مسئله آموزش را از حیز ارتفاع خارج می‌کرد.

وی با بیان اینکه در شرایط جدید با مسائلی روبرو می‌شویم که روی آنها فکر نشده،

سمینار آموزشی فیلترها در ماشین آلات عمرانی اول بهمن در سندیکای شرکت‌های ساختمانی برگزار شد و مهندس حمید عبدالحمیدی به تشریح فیلتر، تاریخچه فیلتر و انواع آن، فیلترهای اصلی و غیراصلی، استانداردهای فیلترها، اثرات فیلتری کیفیت در ماشین آلات، هزینه‌های فیلتر و آسیب‌های زیست محیطی فیلترهای نامناسب پرداخت.

مهندس غنی زاده:

نقش ماشین آلات حیاتی شده است

در ابتدای این سمینار مهندس محمد غنی زاده قائم مقام دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران عنوان کرد: ماشین آلات در صنعت ساخت و معدن ایران در حالت انفعالی قرار داشت و مدیریت پروژه‌های عمرانی به دلایل گوناگون، جایگاه ماشین آلات را در رده‌های پایین تر قرار می‌دهد. سندیکای



چرا که در جهان معاصر منابع مالی را اگرچه از عوامل تاثیرگذار می‌دانند اما مدیریت اطلاعات را بر آن مقدم می‌دانند.

وی خاطر نشان کرد: متأسفانه ما در موضوع تولید هم چالش داریم. اصلاً چه ضرورتی برای شرکت در همه عرصه‌های تولید وجود دارد در حالی که در برخی موارد سال‌ها از صنعت جهانی فاصله داریم. باید برنامه‌ریزی بخش خصوصی در این راستا باشد که بخش خصوصی چه رویکرد منطقه‌ای و جهانی داشته باشند. باید به اهمیت کار به ویژه کاری که با تجمیع اطلاعات و تصمیم‌گیری و مدیریت همراه باشد، بی‌بریم. این تجمیع اطلاعات در مورد تکنولوژی و ماشین‌آلات مهم است. البته داشتن رویکرد زیست-محیطی اقتصادی دارای اهمیت است.

در ادامه مهندس حمید عبدالحمیدی با

بیان اینکه به عنوان عضو کوچکی از جامعه بزرگ ماشین‌آلات به تشریح تجربیات خود می‌پردازد عنوان کرد: قبل از هر چیز باید دید آلودگی چیست و چگونه وارد سیستم روغن می‌شود و فیلترها چگونه برای برطرف کردن این آلودگی عمل می‌کنند.

وی افزود: روغن مانند خون در بدن دستگاه است که آلودگی آن به آلوده شدن اجزا می‌انجامد. آلودگی شامل هر چیزی غیر از مواد اصلی است که عملیات اجزایی را که قرار است در بخشهای مختلف سیستم انجام وظیفه کنند مختل می‌کند. متأسفانه گاهی خود مجموعه روغن تازه ای که وارد دستگاه ما می‌شود و بشکه‌هایی حمل و نقل روغن آلوده اند که با استاندارد بی‌نام «عدد ناس» آن را می‌سجند. پیشنهاد ما به دوستان این است که روغن را قبل از مصرف تصفیه کنند چرا که روغن آلوده به محض ورود به مجموعه شروع به تولید آلودگی می‌کند.

وی درباره تاریخچه فیلتر گفت: از زمان اختراع موتور آلودگی هم همراه آن به وجود آمد اما در سده‌های اولیه چندان نقش آفرین نبود. تازمانی که آسیبها جدی تر شد و فیلترها به وجود آمدند و رفته رفته فیلتر نقش مهم‌تری به خود گرفت. وی گفت در استاندارد فیلتراسیون اگر ذره ۱۵ میکرون باشد راندمان ۵۰ درصد است. معیار مورد پسند کاتریلار برای ذرات ۲ میکرون است

که راندمان آن ۹۸ درصد است. برای داشتن معیار مقایسه یادآور می‌شوم اندازه موی انسان ۵۰-۸۰ میکرون است. حساسیت زیادی وجود دارد که ذرات شناخته شده کنترل شوند. و باید مشخص شود فیلترها چه ذراتی را باید عبور دهند یا عبور ندهند. اصولاً

روغن مانند خون در بدن دستگاه است که آلودگی آن به آلوده شدن اجزا می‌انجامد. آلودگی شامل هر چیزی غیر از مواد اصلی است که عملیات اجزایی را که قرار است در بخشهای مختلف سیستم انجام وظیفه کنند مختل می‌کند. متأسفانه گاهی خود مجموعه روغن تازه ای که وارد دستگاه ما می‌شود و بشکه‌هایی حمل و نقل روغن آلوده اند که با استاندارد بی‌نام «عدد ناس» آن را می‌سجند



ذرات ۳ تا ۵ میکرون مدنظر هستند اما در فیلترهای مورد استفاده ما ذرات ۴۰ میکرون نشانه گذاری شده اند. تمام ذرات سیلیس که در سیستمهای هیدرولیک ما وارد می‌شود از همین جانشات می‌گیرد. متأسفانه سازمان استاندارد در حوزه بررسی فیلترها تجهیزات خوبی ندارد. ما در مواردی مانند تست هوا به روز نیستیم.

وی دو نمونه از استاندارد تمیزی روغن را بررسی کرد و گفت: روشهای NAS-۱۶۳۲ و ISO-۴۴۰۶ از جمله روشهای شمارش ذرات هستند. NAS-۱۶۳۲ توسط یک عدد و ISO-۴۴۰۶ توسط سه عدد به شکل ۱۸/۱۶/۱۳ نمایش داده می‌شوند که هر کدام بیانگر سطحی از تعداد ذرات موجود بر حسب اندازه ذرات می‌باشد. بین ایزو و ناس اختلافی وجود دارد. ایزو اندازه ذرات را در ابعاد کوچکتر می‌سنجد و برای همین نسبت به عدد ناس معتبرتر است.

وی گفت: برخی ویژگی ذرات باعث لزوم فیلتراسیون آنها می‌شود. در این باره تعداد و شکل ذرات مهم هستند. اینکه ذرات ریز آسیب بیشتری وارد می‌کنند یا ذرات بزرگتر،





البته ذرات درشت خطرناکترند چون به ذرات کوچک قابل تبدیل هستند. ذرات ریز به دلیل سطح تماس بالا در حدود ۸ برابر در سطح روغن پخش می‌شوند. و به دلیل داغی روغن را اکسید می‌کنند. باعث فساد روغن و تشکیل لجن می‌شوند.

وی افزود: ذرات اشکال مختلفی دارند. آثار فرورفتگی در قطعات، مربوط به ذرات کروی است. ذرات زاویه دار در قطعات ایجاد خراش می‌کند. برخی ذرات در اساس حرارت سخت و برنده می‌شوند. البته ذرات کروی هم در زمان خرد شدن تبدیل به ذرات نوک تیز می‌شوند. اکسید شدن چگالی (وزن) ذرات را بالا می‌برد. هر ذره ۴ تا ۱۰ برابر وزن خود قادر به از بین بردن سطوح است.

وی درباره مغناطیسی شدن فیلترها گفت: فیلترهای مغناطیسی فیلترهای خوبی هستند چون ذرات ناشی از عملگرها را جذب می‌کنند. اما ممکن است ذراتی که عبور کرده‌اند در میدان مغناطیسی تشکیل آهنربا دهند. برای حل این مسئله حتما باید به زبان

تعویض اهمیت داد و فیلتر را تمیز کرد. وی افزود: یکی از راههای رصد کردن ذرات شمارش آنهاست که با لیزر پارتیکل انجام می‌شود اما ایراد عمده ای دارد که از جمله شمارش حبابهای آب و پلیمرها به عنوان ذرات است. روش دیگر برای رصد کردن ذرات، روش میکروسکوپی است که ذرات درشت را با افت فشار و دبی نگه می‌دارند و دست به شمارش آن می‌زنند.

مهندس عبدالحمیدی درباره خرابی ناشی از ذرات گفت: سائیدگی، تماس فلزات، زنگ زدگی، کاپیتالاسیون و فرسایش را می‌توان از عوارض وجود ذرات دانست. تاثیر سیلیس روی قطعات مانند تاثیر کاردی است که روی پنیر کشیده می‌شود.

وی درباره انواع فیلترها گفت: امروزه صنایع زیادی از فیلترهای مختلف با شکل‌های مختلف استفاده می‌کنند اما در مورد ماشین‌آلات عمرانی فیلترهایی با برندهای مختلف و کارایی‌های مختلف داریم. ۱- فیلترهای مخصوص روغن موتور، فیلتر پیچی و

فیلتر المنتی هستند. فیلتر روغن نقش تصفیه کننده و صافی ذرات را دارد. ۲- فیلتر هیدرولیک بر دو نوع پیچی و المنتی است که جهت محافظت از پمپ نصب می‌شود و حتما شیر بای پس دارد. ۳- فیلترهای هواکش به هوای موتور، هوای کابین و نفس کشها تقسیم می‌شود. ۴- دو نوع جدا کننده آب به اسم پیش فیلتر و گریز از مرکز داریم و ...

مدرس این دوره آموزشی با بیان اینکه برای زمان تغییر فیلتر اولین ملاک باید دستورالعمل شرکت سازنده فیلتر باشد، خاطر نشان کرد: البته کاندیشن مانیتورینگ هم می‌تواند بر ساعت تعویض اثر بگذارد.

مهندس عبدالحمیدی افزود: در مورد شیوه تعویض روغن باید دقت کنید موقع تعویض فیلتر روغن روی زمین نریزد چون برای محیط زیست صدماتی را به همراه دارد. بهتر است دستمالی به همراه داشته باشیم و آلودگی‌های محیطی را در زمان تعویض فیلتر پاک کنیم. در نهایت برای تعویض فیلتر، باید





فیلتر را پر روغن کرد و با دست باز و بسته کرد و به آنها فشار نیاورد.

وی درباره ساختمان فیلتر گفت: ساختار فیلتر، کاغذ، مش بندی و مقدار دبی در فیلتر مهم است. در فیلترهای اصل مقدار دبی و تعداد روزنه‌ها نوشته شده است. فیلتر نباید کج شود و کاغذهای آن مچاله یا پاره نشود. اغلب فیلترها از کاغذ ساخته می‌شوند و قابلیت جذب ذرات ۴۰ میکرون را دارند. برای بالا بردن حساسیت فیلتر از الیاف سلولزی و فایبرگلاس استفاده می‌کنند. از لحاظ مش بندی الیافی که سطح مقطع بزرگی دارند منافذ بیشتر داشته کیفیت بدتری دارند.

وی افزود: کاغذ فیلتر، اصلی ترین عضو فیلترهای هوا و عضو مهمی در فیلترهای روغن می‌باشد، کاغذ با قرار گرفتن در مسیر ورود هوا به موتور باعث تصفیه هوا و در مسیر روغن باعث جلوگیری از ورود ذرات و آلاینده‌ها به موتور می‌گردد و از وارد شدن آسیبهای جدی به پیستون و یا ناقص ماندن احتراق جلوگیری می‌نماید. در بحث کاغذ ما مشکلات زیادی داریم. متأسفانه در ایران تست کاغذ فیلتر وجود ندارد که الیاف آن بررسی شود و میزان اندازه ذرات رد شده را بررسی کنند.

عبدالحمیدی گفت: بهتر است با خرید فیلتر از منابع معتبر به برآورده شدن کیفیت مورد نظر کمک کنیم و برای تداوم آن خدمات پس از فروش را مدنظر قرار دهیم. ضمن اینکه باید به شاخصهای درج شده بر روی فیلترها دقت شود، تشخیص فیلتر اصل از فیلتر غیر اصل دشوار است. اما در آزمایشگاه می‌توان با چک کردن عوامل مختلف این امر را تشخیص داد. وی گفت: فیلترهای هواکش به هوای موتور، هوای کابین و نفس کش‌ها تقسیم می‌شود. از لحاظ کاغذ، کاغذی - نمدی و کاغذی - سلولزی هستند. البته فیلتر سلولزی در فیلترهای هواکش فقط در کابین کولر استفاده می‌شود. در فیلترهای هوا فقط اندازه ذرات دارای اهمیت نیست و عامل دیگری هم که افت فشار است مهم است. ساختار کیس فیلتر و تفاوت فاصله مغزی و پوسته افت فشار ایجاد می‌کند، که با وزن دادن به ذرات آنها را بر کف می‌نشانند. و گرد و خاک دور فیلتر را می‌گیرد.

وی گفت: باد گرفتن زیاد فیلتر هم منافذ آن را تحت تاثیر قرار داده به آن صدمه می‌زند. داخل دهانه فیلترهای هواکش قدیم در گذشته چرب بود که اغلب در فیلتر مغزی کاربرد داشت و آن را آب بندی کرده، جلوی ورود خاک را می‌گرفت. وی خاطرنشان کرد: فیلتر هوایی که زمان زیادی در انبار مانده به محض استفاده، بر روی موتور تاثیر ناخوش آیندی می‌گذارد.

عبدالحمیدی درباره پیش فیلتر هم گفت: دو نوع جدا کننده آب به اسم پیش فیلتر و گریز از مرکز داریم. فیلترهای آب در واقع فیلتر رسوب زدای آب است. در اثر گردش آب، آب یونیزه می‌شود که فیلتر آب باعث از بین بردن این مسئله می‌شود. به نظر می‌رسد عناصری مثل کلسیم و منیزیم برای بدنه موتور مضر هستند از این رو آبی که برای موتور استفاده می‌شود نباید از چشمه پر شود. معمولاً از آب رادیاتور که در شرکتها موجود است استفاده می‌شود.

وی افزود: استانداردهای مختلفی برای فیلتر وجود دارد که تحت تاثیر عوامل مختلفی تعرف می‌شوند از جمله سنجش فشار نهایی، همگونی کاغذ فیلتر، بار محوری، خستگی، تغییرات فشار، ضریب بتا و بازدهی. ضریب بتا میزان ذرات ورودی نسبت به خروجی و

بهتر است با خرید فیلتر از منابع معتبر به برآورده شدن کیفیت مورد نظر کمک کنیم و برای تداوم آن خدمات پس از فروش را مدنظر قرار دهیم. ضمن اینکه باید به شاخصهای درج شده بر روی فیلترها دقت شود، تشخیص فیلتر اصل از فیلتر غیر اصل دشوار است. اما در آزمایشگاه می‌توان با چک کردن عوامل مختلف این امر را تشخیص داد.



راندمان فیلتر نشان می‌دهد. وی درباره تاثیر کیفیت نامناسب فیلتر گفت: فیلتر نامناسب باعث مکش گرد و خاک یا مسدود شدن آن می‌شود که در نتیجه صدمه دیدن کاغذ فیلتر، افت قدرت خروجی، خردگی سیت سوپاپ، خردگی پیستون، جمع شدن دوده، نشت روغن از توربوشارژر، خوردگی بلبرینگ و یاتاقان، کاهش فشار روغن، و ... می‌شود.

بادگیری زیاد کار پسندیده ای نیست. و گاه می‌توان با دقت به اندیکاتور زمان بادگیری را تشخیص داد. گاهی روی جایگاه فیلتر سوخت به اشتباه فیلتر روغن بسته شده است. اما آیا می‌توان فیلترها را به جای هم استفاده کرد؟ باید گفت: در این باره می‌توان به دنیای مجازی مراجعه کرد و اطلاعات درست گرفت. نوع فیلتر و جای نصب آن و دبی ورودی و خروجی فیلتر در زمان خرید باید مدنظر باشد. حتما شیر بای پس داشته باشد. رزوه یا محل نصب باید آب بندی شود. اندازه و ابعاد و شکل چک شود. حجم فیلتر هم مهم است. روغن علاوه بر روانکاری خنک کاری هم می‌کند پس در حجم معینی باید از فیلتر عبور کند. پس ما حق نداریم آن را ببندیم. یا حجم نامناسبی ببندیم.

عبدالحمیدی با بیان اینکه سیستم هیدرولیک روغن زیادی مصرف می‌کند، خاطرنشان کرد: بهتر است همزمان با سرویس کلی فلشینگ انجام شود. البته فلشینگ فقط برای لوله و تانک انجام می‌شود. فلشینگ حرکت متشنجی در لوله‌ها انجام داده سیستمهای هیدرولیک را تمیز می‌کند. ایجاد تلاطم به این معنا است که در سیستمهای هیدرولیک و جعبه دنده‌ها با استفاده از یک سیال با ویسکوزیته پایین و سرعت بالا (عدد رینولدز: ۶۰۰۰۰۰) که حدود ۴ برابر سرعت سیال روانکار بکار گرفته شده در سیستم است، می‌توان آلاینده‌ها را از سیستم خارج کرد.



حفظ محیط زیست ایران راهی جز مشارکت مردمی ندارد

گلریزان ۲۰۰ میلیونی در سندیکای شرکت‌های ساختمانی
برای رهایی دو محیط بان از اعدام

به مناسبت گرامیداشت مرحوم «محمدعلی اینانلو» مرد طبیعت ایران، ۱۲ بهمن گلریزان محیط زیستی در سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران برگزار شد. این گردهمایی برای گردآوری کمک‌های مالی به منظور همیاری در رهاسازی محیط بانان دنا که در بند حبس و حکم قصاص هستند و همچنین معرفی «گنج پشתיبان زیست بوم» با حضور آرش اینانلو برگزار شد.

طی این گلریزان که به نوعی سومین گلریزان برای نجات این دو محیط بان بود مبلغی بیش از ۲۰۰ میلیون تومان جمع‌آوری شد. این در حالی است که براساس گفته متولیان همزمان طی ۲ گلریزان دیگر در شهرهای اصفهان و آمل تاکنون مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان برای آزادسازی این محیط بانان جمع‌آوری شده است.

دکتر حسین آخانی عضو هیأت علمی دانشکده علوم دانشگاه تهران که بخشی از درآمد حاصل از فروش کتابهای «فلور مصور پارک ملی گلستان» و «تنوع زیستی گیاهان پارک ملی گلستان» را برای گلریزان اهدا کرده، در این همایش عنوان کرد: برای دوستداران طبیعت کشته شدن هر موجودی ناراحت کننده است، حتی یک شکارچی. البته امروز دو نفر از محیط بانان ما که برای حفظ محیط زیست تلاش کرده‌اند محکوم به اعدام شده‌اند

که نجات آنها نه تنها نجات جان انسان‌هایی بی گناه بلکه نجات محیط زیست محکوم به اعدام ماست.

به گفته وی قطعاً دولت مانجی محیط زیست نخواهد بود چون کارگزارهایی که اقتصاد ما را در دست دارند دولت را نیز در دست خود دارند و دولت برای بقای خود تابع آنها شده است. وی افزود: این قبیل اتفاقات در غرب هم افتاد اما کم کم با مشاهده تخریب وسیع محیط زیست هسته‌های مردمی شکل گرفت و در نهایت به جنبش‌های بزرگ ختم شد. سیاستمداران غربی وقتی دیدند با بی‌توجهی به محیط زیست، قدرت را از دست خواهند داد از در دوستی با محیط زیست وارد شدند. امروزه در کشور ما نیز این هسته‌ها در حال شکل‌گیری است چرا که مسیر حفظ محیط زیست ایران راهی جز مشارکت مردمی ندارد.

مهندس محمد عطاردیان، عضو شورای عالی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران و از نمایندگان ایران در سازمان بین‌المللی کار نیز عنوان کرد: بدون حفظ محیط زیست توسعه امکان ندارد. اگر خواهان پیشرفت باشیم باید به محیط زیست توجه کنیم. مسئله‌ای به نام «کار شایسته» در سطح بین‌المللی و در سازمان کار مطرح است که در ایران نیز طی برنامه‌های چهارم، پنجم و

ششم توسعه به آن پرداخته شده است. در تعریف «کار شایسته» ذکر شده که باید حال و آینده کارگرو خانواده وی با انجام کار تامین شده، صدمه بدنی و روانی نبیند. سرمایه‌گذار و کارفرما هم باید از کار بهره برده، از صدمه در امان باشد. کار باید در جهت توسعه باشد و محیط زیست را حفظ کند.

وی افزود: مشکل ما این است که برای تحقق کار شایسته چهار عنصر متناقض در کنار هم قرار گرفته‌اند. ما باید از درست شدن نیروهای متخصص جلوگیری کنیم. بعد از درگیری‌های متعدد قرار شده است کارگرو کارفرما با هم گفتگو کنند و منافع هر دو در راستای توسعه و حفظ محیط زیست حفظ شود. بی‌شک توسعه شتابان و بدن برنامه باعث توقف توسعه می‌شود. چنانچه در دولت شوروی برای سرسبز کردن دشت قره قول دریاچه بایکال را خشک کردند. فاجعه‌ای زیست محیطی که بدون توجه به محیط زیست در کشور ما هم تکرار می‌شود.

وی با تأکید بر اینکه بتن به عنوان تکنولوژی جدید و به شرط حفظ محیط زیست ابزار خوبی است، افزود: توسعه بدون توجه به محیط زیست به دلیل مسائلی که برای طبیعت و مردم به وجود می‌آورد دیرپا زود متوقف می‌شود. اما تمام این راه حل‌ها از مسیر گفتگو می‌گذرد. دولت به عنوان متولی محیط

زیست و توسعه، و کارگران و کارفرمایان به عنوان متولی منافع خود می‌توانند در گفتگویی سه جانبه و با توجه به این چهار سرفصل به حل مسائل بیندیشند. اگرچه محیط زیست همیشه تا حدی به بازسازی خود می‌پردازد اما تخریب مداوم و بدون بازگشت آن باعث غیر قابل زندگی شدن دنیا می‌شود. درباره تامین انرژی هم باید تمرکز روی منابع تجدید پذیر باشد. وی در پایان گفت: عده‌ای مامور



حفاظت از گیاهان و حیوانات شده‌اند تا چرخه طبیعت باز تولید شود. اگر فردی بدون مجوز به

این چرخه آسیب بزند باید جلوی آنها را گرفت. کاری که محیط بانان انجام دادند و درگیری منجر به کشته شدن افرادی شد. از آنجایی که قوانین حمایتی کافی در این باره وجود ندارد لازم است مردم از محیط بانان در بند حمایت کنند تا به مرور زمان خلاءهای قانونی موجود پر شود. در پایان این برنامه کمک‌های مالی حاضران در جلسه گردآوری شد تا مبلغ مطالبه شده از طرف خانواده مقتولین برای بخشش قصاص تامین گردد.

اخبار صنعت ساختمان

حذف آورده دولت در ساخت آزادراه‌ها

مدیرکل مشارکت و توسعه آزادراه‌های کشور گفت: بر اساس آئین‌نامه جدید، سهم بخش خصوصی در احداث آزادراه‌ها تا ۱۰۰ درصد امکان افزایش دارد، مانند آزادراه بندرعباس - کرمان که با مشارکت ۱۰۰ درصد بخش خصوصی ساخته می‌شود. محمد جورابچی اظهار داشت: توسعه آزادراهی با توجه به کمبود منابع مالی و بودجه عمرانی کشور، فقط با توسعه سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش خصوصی داخلی و خارجی انجام می‌شود. جورابچی با بیان اینکه دولت در این باره اخیراً یک سری اقدامات با مشارکت بخش غیردولتی داشته است، گفت: با توجه به وجود بسترهای قانونی در چند سال اخیر نظیر کاهش دیوان سالاری دولتی در چرخه فنی و اجرایی کشور، کمک به توجیه پذیری بیشتر طرح‌ها به ویژه تأمین سهم مناسب مشارکت در هزینه‌های احداث آزادراه‌ها و حمایت از مطالعات مهندسی ارزش و ایجاد مشوق‌های قانونی لازم، زمینه را برای حضور مطمئن بخش خصوصی فراهم کرده است.

وی افزود: همچنین پوشش ریسک‌های سیاسی سرمایه‌گذاری در قالب قانون و آئین‌نامه اجرایی حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، اخذ و ارائه مجوزهای لازم به طرفهای مشارکت در پروژه‌ها، اقدامات جبرانی حین و یا پایان مشارکت، ارائه برنامه نظارت جاری و برنامه‌ای نحوه بهره‌برداری پروژه به طرف مشارکت، استقرار نظام مشارکت در جذب منابع پولی و مالی، پذیرش الگوهای نوین مشارکت در طرح‌ها و افزایش مدت واگذاری

منابع بهره‌برداری طرح به طرف مشارکت تا استهلاك کامل هزینه‌های پروژه در صورتی که سرمایه تا پایان دوره پیش بینی شده بازگشت پیدا نکرده باشد، از دیگر مصادیق در این باره است. مدیرکل مشارکت و توسعه آزادراه‌های کشور افزود: در قانون منافی نیز پیش بینی شده است، مبنی بر اینکه سرمایه‌گذاران بتوانند از قبل احداث پروژه منافی عاید کنند؛ در این باره می‌توان به درآمدهای فروش خدمات، عوارض دریافتی در محل، استفاده از اراضی واقع در حریم آزادراه‌ها، تأسیسات جانبی در خارج حریم، سرمایه‌گذاری در اراضی مجاور آزادراه‌ها و تبلیغات حاشیه آزادراه‌ها اشاره کرد. جورابچی با بیان اینکه ظرفیت‌های قانونی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش آزادراه‌ها نیز قابل استفاده است، گفت: پس از قانون جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی که سال ۱۳۳۴ به تصویب رسید، در سال ۲۰۰۲ میلادی آئین‌نامه اجرایی جدید قانون به روز شد و بندهای و مواد جذابی برای حضور سرمایه‌گذاری خارجی به تصویب رسید. وی ادامه داد: این قانون ساز و کار و شرایط اجرایی را برای سرمایه‌گذاران خارجی در ایران بهبود می‌بخشد. به عنوان نمونه ماده ۳ آئین‌نامه اجرایی قانون تسهیلات و حمایت‌های قانونی از سرمایه‌گذاری خارجی را تشریح می‌کند که در دو بند «چارچوب‌های قراردادی» و «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» است. مدیرکل مشارکت و توسعه آزادراه‌های کشور بیان کرد: سرمایه‌گذاری‌هایی که در این قالب شکل می‌گیرند، خود پروژه تضمین

سرمایه است که از محل عایدات پروژه باید سرمایه برگشت بپذیرد و یا در ماده ۱۱ قانون آمده است که سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند یک یا ترکیبی از وجوه نقدی که به ریال تبدیل می‌شود، مستقیماً برای خرید و سفارش کالاهای مربوط به سرمایه خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد و یا اقلام غیرنقدی را تحت پوشش این قانون قرار می‌دهد. وی با اشاره به تدوین جذابیت‌های مناسب برای جذب سرمایه‌گذار خصوصی بیان کرد: بر اساس آئین‌نامه اجرایی جدید سهم مشارکت بخش خصوصی در احداث آزادراه‌ها تا ۱۰۰ درصد نیز امکان افزایش دارد که در این باره می‌توان به پروژه تصویب شده هیأت وزیران نظیر آزادراه بندرعباس - کرمان اشاره کرد که با مشارکت ۱۰۰ درصدی بخش خصوصی ساخته می‌شود، ضمن آنکه در پروژه آزادراه همدان - کرمانشاه در حال مذاکره با بخش خصوصی خارجی هستیم که با حضور ۱۰۰ درصدی تأمین مالی خارجی انجام می‌شود، در حالی که تا پیش از این سهم بخش خصوصی حدود ۵۰ درصد هزینه اجرا بود و این سهم به تدریج افزایش یافت. مدیرکل مشارکت و توسعه آزادراه‌های کشور با بیان اینکه بازگشت سرمایه از محل اخذ عوارض همان پروژه خواهد بود، گفت: بازگشت سرمایه زیربناها حدود ۱۵ تا ۲۵ سال است و بر اساس توجیه‌پذیری طرح‌ها، متناوب است و هر طرحی بسته به میزان تقاضای ترافیکی و مطلوبیت پروژه، قطعاً بازگشت سرمایه زودتری خواهد داشت و دوران مشارکت کاهش می‌یابد. / خبرگزاری فارس



«برجام ۲»

حزب اقتصادی می خواهد

محمد مهدی بهکیش



اقداماتی انجام شد و اقتصاد ایران از یک تفکر سوسیالیستی به اقتصاد آزاد روی آورد که این کار با توجه به ظرف زمانی خود ناقص اجرا شد.

او افزود: این روند در دولت اصلاحات هم ادامه داشت اما با توجه به اینکه کشور درگیر مسائل سیاسی داخلی شد عملاً نتوانست راه به جایی ببرد. دولت نهم و دهم که روی کار آمد عملاً مسیر اقتصاد ایران را منحرف کرد و دیدیم که با تلفیق درآمدهای عظیم نفتی و سیاست‌های شدید پوپولیستی قطار اقتصاد به سمت دره رفت و با شکل‌گیری تحریم‌ها عملاً در آن دره معلق ماند.

بهکیش افزود: حال در چنین وضعیتی دولت یازدهم روی کار آمد و با به خدمت گرفتن برخی اقتصاددانان سرشناس تیمی نسبتاً

برخروجی مطالعات این دو حزب باشد و بهترین برنامه یا تلفیقی از آن را به عنوان استراتژی اقتصادی کشور انتخاب و اجرایی کند.

بهکیش با بیان اینکه ما طی ۳۷ سالی که از انقلاب گذشته هنوز نتوانسته‌ایم سیاست‌های جدید اقتصادی را شکل دهیم، گفت: تصمیم‌های خوب صرفاً مقطعی و متکی به برخی افراد خوش‌فکر بوده و سیستمی به وجود نیامده که اقتصاد در قالب آن کار کند و بتواند مسیر درست خود را بیابد. تاریخ ۳۷ ساله انقلاب را که نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم در دهه اول چون کشور وارد جنگ تحمیلی شد اصلاً در آن بستر نمی‌توانستیم سیاست‌های جدید اقتصادی را شکل بدهیم. در دولت سازندگی

نایب‌رئیس و دبیر کل کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی با اشاره به اظهارات اخیر رئیس‌جمهور در خصوص برجام ۲ گفت: بهتراست نخبگان اقتصادی کشور برای رفع اختلاف‌نظرهای آکادمیک دو حزب اقتصادی تشکیل دهند و با برگزاری جلساتی دیدگاه‌های خود را برای توسعه اقتصادی کشور بیان کنند.

محمد مهدی بهکیش در گفت‌وگو با اقتصادنیوز با اشاره به پیش شرط‌های اجرای برجام ۲ گفت: در گام نخست بهتراست نخبگان اقتصادی کشور برای رفع اختلاف‌نظرهای آکادمیک دو حزب اقتصادی تشکیل دهند و با برگزاری جلساتی دیدگاه‌های خود را برای توسعه اقتصادی کشور بیان کنند. رئیس‌جمهور هم ناظر



قوی برای نجات این قطار تشکیل داد و توانست آن را به ریل خود بازگرداند. اما این ریل ما را به کجا می برد. این ریل گذاری بر اساس اقتصاد دولتی و متکی به نفت از دهه ۵۰ ایجاد شده و نیاز است تا تغییر مسیری صورت گیرد. به نظر من برجام ۱ و ۲ می تواند این ریل گذاری جدید را برای تغییر مسیر از یک اقتصاد دولتی وابسته به نفت به اقتصاد رقابتی شکل دهد.

این اقتصاددان تصریح کرد: اگر در ایران ۱۰۰ اقتصاددان خبره داشته باشیم می توان گفت ۱۰۰ الگوی توسعه اقتصادی از تفکر هر کدام از آنها قابل ارائه است. تشتت آرا و نظرات در میان اقتصاددانان بالاست و طبیعتاً تقلیل این چندصدایی ها و رساندن آن به دو جریان اصلی تفکر اقتصادی کار بزرگی است که دولت می تواند انجام دهد.

او گفت: نمی دانم چرا در کشور ما رسم بر این است که شعار دهیم و بوق و کرنا کنیم که برای سلیقه های مختلف در فضای کلان سیاست گذاری و قانون گذاری جا داریم. نمونه آن همین انتخابات پیش روی مجلس است که برخی می گویند هر صندلی برای ۲۱ سلیقه و تفکر سیاسی جا دارد. این موضوع بهتر است به طور جدی کالبدشکافی شود که چرا ما کمیت آرا و نظرات را خوب می دانیم و به دنبال آن نیستیم که در فضای کلان این سلیقه های مختلف و تفکرات گوناگون را به حداقل برسانیم؟ ریشه این موضوع در نبود نظام حزبی و احزاب فعال و کارآمد در کشور است. بهکیش افزود: ما چون تمرین حزبی نکرده ایم، نمی توانیم کنار هم بنشینیم و از تفکرات یک طیف یا گروهی که تعلق خاطر و وابستگی فکری به آن داریم، خوب دفاع کنیم به همین خاطر است که توپ اقتصاد در زمین بازی مدام سرگردان است و راه به دروازه نمی برد. به نظر من راه این است که دولت در بخش اقتصاد میان دو نحله فکری موجود به سرپرستی چهره های شاخص آن، دو حزب اقتصادی به وجود آورد.

ستاری فرو نیلی

سرپرست دو نحله فکری شوند

بهکیش گفت: به عنوان مثال گروهی که

مدافع اقتصاد رقابتی با تکیه بر مکانیسم بازار هستند به سرپرستی دکتر مسعود نیلی یا دکتر موسی غنی نژاد گرد هم آیند و در مقابل نیز گروهی دیگر که به جریان نهادگرایی در اقتصاد موسوم هستند به سرپرستی دکتر ستاری فر تیمی تشکیل دهند و مطالعات گسترده ای در باب توسعه اقتصادی کشور شروع کنند. این دو گروه می توانند تمام استدلال ها و پیشنهادهای خود را برای تغییر ریل در سیاست گذاری اقتصادی کشور مکتوب کرده و در اختیار شخص اول اجرایی کشور قرار دهند تا او بتواند از نتیجه این مطالعات به یک مدل بهینه برای توسعه اقتصادی کشور دست یابد. به نظرم با چنین روشی این اجماع صورت خواهد گرفت و قادر خواهیم بود در میان دو نحله فکری اقتصادی کشور اجماع به وجود آورده و فرهنگ شفاهی را به فرهنگ مکتوب تبدیل کنیم.

بهکیش تصریح کرد: هر دو این طیف و افراد آن خوب می دانند که کشور در چه وضعی قرار دارد و طبیعتاً با ریل گذاری موجود اقتصاد به اهداف خود دست نخواهد یافت. تا جایی که بنده مطلع هستم در میان عمده اقتصاددانان برسر این موضوع که کشور باید

هر چه سریع تر بهتر است دو حزب اقتصادی با در نظر گرفتن بودجه مناسب تشکیل شود و این دو تحت نظر سرپرستان فکری خود اقدام به تشکیل کارگروه هایی کرده و راهکارهای خود را برای درمان دردهای اقتصادی کشور ارائه دهند. تعریف شان از توسعه اقتصادی را بیان کنند و اختلاف نظر ها را به حداقل برسانند. آنگاه روی برنامه ای که در نهایت از سوی تیم اقتصادی رئیس جمهور یا شخص آقای روحانی ارائه می شود اجماع کرده و هم قسم شوند که در اجرای آن دولت را یاری کنند.



توسعه یابد و بهترین مسیر را برای توسعه خود انتخاب کند، اجماع وجود دارد اما خب طبیعی است که در جزئیات اختلاف نظرات شدیدی دیده می شود.

این اقتصاددان گفت: ما چاره ای نداریم جز اینکه با طراحی این دو حزب اقتصادی یا دو جریان اصلی تفکر اقتصادی در کشور به سمت اجماع سازی و به حداقل رساندن چندصدایی ها حرکت کنیم. ما امروز به جایی رسیده ایم که برای جبران عقب ماندگی ها باید سالانه به رشد اقتصادی هشت درصدی دست یابیم که تحقق این میزان رشد به قول رئیس جمهورمان به سالانه ۵۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی نیاز دارد اما آیا بستر لازم برای این کار به وجود آمده است؟

بهکیش افزود: به نظرم هر چه سریع تر بهتر است آن دو حزب اقتصادی با در نظر گرفتن بودجه مناسب تشکیل شود و این دو تحت نظر سرپرستان فکری خود اقدام به تشکیل کارگروه هایی کرده و راهکارهای خود را برای درمان دردهای اقتصادی کشور ارائه دهند. تعریف شان از توسعه اقتصادی را بیان کنند و اختلاف نظر ها را به حداقل برسانند. آنگاه روی برنامه ای که در نهایت از سوی تیم اقتصادی رئیس جمهور یا شخص آقای روحانی ارائه می شود اجماع کرده و هم قسم شوند که در اجرای آن دولت را یاری کنند. این پیشنهاد بنده برای کوتاه مدت است یعنی بهتر است سیاستگذاران اقتصادی طی یکی دو هفته آینده یا نهایتاً تا پایان امسال این دو گروه را به وجود آورند و ظرف سه ماه این دو گروه تمام ظرفیت خود را به کار گرفته و برنامه لازم را تدوین کنند.

بهکیش افزود: تعامل سه گانه دولت و دو گروه از اقتصاددانان به نظر من می تواند شکل پیدا کند و در طی یکسری جلسات مداومی که چند هفته طول می کشد آنقدر با هم بحث کنند تا برنامه ای که حاصل می شود توافقی روی اصول آن صورت گیرد. در چنین حالتی دولت دیگر می داند با تعرفه نساجی یا خودرو چه کند چون به اهداف کلان خود دست یافته و به جای اینکه اقتصاد را به صورت پروژه ای اداره کند، وارد یک سیستم می شود و به طور سیستماتیک این اقتصاد اداره خواهد شد.

او افزود: البته نکته مهم‌ترین است که اگر همگرایی و اجماع ملی بر سر حل مسائل اقتصادی در کشور به وجود بیاید شاید آن فرد دیگر تا این درجه اهمیت نداشته باشد. چرا که سیستمی به وجود می‌آید که یک فرد متوسط هم قادر خواهد بود در این سیستم قرار گرفته و مجری خوبی برای تغییر ریل سیاستگذاری‌های اقتصادی شود. اما دولت در این میان بهتر است که هم شطرنج‌باز باشد ماهر باشد و هم تخته‌اش آنقدر پهن باشد که بتواند نظرات گوناگون را بگیرد و هضم کند. از سوی دیگر بهتر است به اصطلاح کتک خورش خوب باشد تا در برابر برخی مخالفت‌های سیاسی مقاومت کرده و به راحتی از میدان به در نرود.



این اقتصاددان تصریح کرد: بنابراین در مرحله اول اقتصاددانان باید بر سر مسئله توسعه کشور و تغییرات عمیق در ساختار اقتصادی کشور به همگرایی برسند، آنگاه مجموعه دولت هم‌قسم شوند تا برنامه‌ای را که از دل این همگرایی حاصل می‌شود به بهترین شکل ممکن اجرا کنند. البته باید یادآور شوم که جمع‌بندی اقتصاددان‌ها باید با حضور نماینده دولت صورت پذیرد تا مشکلات اجرایی نیز به فضای بحث تزریق شود.

ضمناً آشنایی کامل با اقتصاد داخل دارد. با توجه به اینکه در مقطعی هم در حوزه‌های علمیه درس خوانده نگاه اسلام به مسائل اقتصادی را به خوبی می‌داند ضمن اینکه اقتصاد را در غرب فرا گرفته است و اقتصاد غرب را خوب می‌شناسد. ضمناً چند سال است که در دفتر آقای رئیس‌جمهور یکی از نزدیک‌ترین افراد به ایشان بوده است و به خوبی با تفکر رئیس‌جمهور و مسائل درون دولت آشنا هستند.

نهادن‌دیان ظریف اقتصاد باشد

او در پاسخ به این پرسش که به نظر شما در صورت ایجاد این همگرایی چه کسی می‌تواند مجری این تغییر ریل در سیاستگذاری‌های اقتصادی شود؟ گفت: افراد زیادی را می‌توان نام برد اما به نظر من شخص دکتر محمد نهادن‌دیان بهترین گزینه برای این کار است چون ایشان اقتصاد دنیا را خیلی خوب می‌شناسد، زبان تعامل با دنیا را بلد است و



موسسه حسابداری و خدمات مدیریت حساب و کتاب
با فکری آسوده حساب و کتاب خود را به ما بسپارید

ارائه و نصب نرم افزارهای یکپارچه مالی
« مشاور مالی و مالیاتی انجمن شرکت‌های ساختمانی »
مشاوره رایگان در محل انجمن از ساعت ۱۱ تا ۱۶
برای اطلاع بیشتر با تلفن ۶۶۴۶۴۲۶۱ داخلی ۱۰۸ تماس حاصل نمایید.
دفتر مرکزی: کوی نصر (کیشا) - خ پیروزی غربی (علیانی) - بلاک ۵۹ - واحد ۸
تلفن: ۴-۸۸۲۴۸۸۵۳ فاکس: ۸۸۲۴۳۳۲۰ کدپستی: ۳۶۷۷-۱۴۴۷۷۸
www.hesabvaketab.com info@hesabvaketab.com

ارائه کلیه خدمات حسابداری صورتهای مالی، حسابداری مالیاتی (در اجرای ماده ۲۷۲ ق.م.م) و حسابداری ویژه
تامین نیروی انسانی متخصص حسابداری در رده های مختلف با سوابق حرفه ای و نظارت مستمر بر واحد مالی
ارائه کلیه خدمات حسابداری شرکت‌ها به صورت پیمانی
ارائه خدمات مشاوره تخصصی در امور مالی و مالیاتی
تهیه آئین نامه ها و دستورالعمل های اجرایی شرکت‌ها



مدل مناسب برای نظام کنترل ساخت و ساز در حال تدوین است

برگزاری همایش ملی تحول در فرایند ساخت و ساز
با حضور مسولان عالی رتبه وزارت راه و شهرسازی

تحول در فرایند ساخت و ساز، با بیان این مطلب افزود: «وزارتخانه راه و شهرسازی در مسیر تهیه و تدوین پیش نویس مبحث دوم مقررات ملی ساختمان، به جز تنظیم یعنی نظم دادن نظارت عالی و کنترل عمومی هیچ دخالتی نکرده است.»

وی با تأکید بر اینکه انتقادات غیرمنصفانه‌ای از پیش نویس مبحث دوم صورت می‌گیرد، گفت: «نقد‌های غیرمنصفانه‌ای در قالب کلی‌گویی نظیر کاهش اشتغال مهندسان عنوان می‌شود؛ در حالی که چنین نیست و خدمات مهندسی در پیش نویس افزایش یافته که نمونه آن در بخش نظارت است که

سازمان‌های شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و جمعی از انبوه‌سازان و فعالان ساختمانی شرکت کردند.

مدیر کل دفتر سازمان‌های نظام مهندسی و تشکل‌های حرفه‌ای وزارت راه و شهرسازی در پاسخ به منتقدانی که معتقدند دخالت وزارت راه و شهرسازی در امور سازمان نظام مهندسی ساختمان زیاد شده است، گفت: «هیچ بحث دخالتی مطرح نیست و مواردی که در پیش نویس مبحث دوم مشخص شده، در جهت روشن کردن وظایف بوده و قانون جدیدی وضع نشده است.»

منوچهر شیبانی اصل، در همایش ملی

همایش ملی تحول در فرایند ساخت و ساز (آیین‌نامه نظامات اداری کنترل مقررات ملی ساختمان) ۲۶ بهمن با حضور عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی کشور افتتاح شد. در این همایش که در کتابخانه ملی برگزار شد، علاوه بر عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی، سایر مسئولان عالی‌رتبه وزارت راه و شهرسازی همچون منوچهر شیبانی اصل، مدیر کل نظامات مهندسی و تشکل‌های حرفه‌ای وزارت راه و شهرسازی، روسای سازمان‌های نظام مهندسی کشور همچون حبیب‌الله بیطرف، رئیس نظام مهندسی ساختمان استان تهران، مسئولان



شامل ناظر و بازرس کارگاهی شده و جایگاهی که افراد فاقد صلاحیت در آن قرار گرفته‌اند، به نفع مهندسان استیفا شده است.»

شیبانی اصل با اشاره به مطالعات مبنا در زمینه تهیه این پیش نویس اظهار داشت: «آسیب شناسی مهندسی ساختمان در ایران، بررسی ضعف‌ها و قوت‌های آیین‌نامه ماده ۳۳ قانون و نحوه اجرای آن، بررسی نظام کنترل ساخت‌وساز در کشورهای دیگر و بررسی قوانین دیگر و انطباق با آنها، اساس و پایه این مطالعات را تشکیل می‌دهد.»

وی با اشاره به بیش از ۳۰ مورد آسیب شناسی انجام شده در متن پیش نویس مبحث دوم گفت: «حق انتخاب یکی از حقوق اساسی پذیرفته شده در دنیا برای ارائه هرگونه خدمات مهندسی است و کسانی که می‌گویند این پیش نویس مغایر با قانون است، چرا در این همایش حاضر نشده‌اند تا نظرات خود را ارائه دهند. ضمن اینکه این پیش نویس پس از طی مراحل آزمایشی به قانون تبدیل می‌شود.»

این مسئول وزارتخانه با انتقاد از اجرای صوری ساختمان‌ها گفت: «در بخش بسیار عظیمی از ساخت‌وسازها مجری ساختمان صوری است و تمام مسئولیت‌ها به پای مهندس ناظر نوشته می‌شود و اولین کسی که بازخواست می‌شود، ناظر است و این رویه باید اصلاح شود.»

شیبانی اصل با طرح این پرسش که بحث شناسنامه فنی و ملکی در کدام یک از استان‌های کشور به طور کامل اجرایی شده است، گفت: «در هیچ شهری، شناسنامه فنی ملکی ساختمان کاملاً اجرایی نشده و شناسنامه فنی ملکی ملزم به ضمانت‌نامه مجری و ضمانت نقشه‌های ساخت است.»

وی با بیان اینکه فرایند ساخت‌وساز ما با ساخت‌وساز سنتی متفاوت است، اضافه کرد: «ارزش‌های اخلاقی در ساخت‌وساز سنتی اعم از ارزش کار معماران تجربی را باید حفظ کنیم؛ ضمن اینکه به ابزار ساخت‌وساز نوین هم نیاز داریم و لازم است که به لحاظ



روش‌ها، فناوری‌های نوین، نیازهای روز و بالاخره به لحاظ قابلیت رقابت با دنیا با اصول جهانی پیش برویم.»

شیبانی اصل سازوکارهای منطبق با اصول دنیا را الزامی دانست و گفت: «در این پیش نویس، نظام کنترل ساخت‌وساز کشورهای دیگر بررسی شده و پس از مطالعه شرایط موجود کشور و اقلیم‌های متفاوت، مدل مناسب کشور پیش بینی شده است.»

وی نیازهای امروز صنعت ساختمان را مواردی نظیر تلاش در جهت تحقق امر توسعه پایدار، افزایش عمر مفید ساختمان‌ها، ارتقای ایمنی افراد، ارتقای سطح ارائه خدمات فنی و مهندسی و توان حضور در عرصه بین‌المللی برای صدور خدمات فنی و مهندسی دانست و تأکید کرد: «دانش آکادمیک مهندسی ساختمان و توانمندی مهندسان در کشور ما از متوسط جهانی بیشتراست و می‌توانیم در خارج از مرزها خدمات مهندسی ارائه دهیم؛ منتهی سازوکارهای ما باید منطبق بر سازوکارهای جهانی باشد.»

مدیرکل دفتر تشکل‌های حرفه‌ای وزارت راه و شهرسازی با انتقاد از اینکه در حال حاضر در نهادهای ذی‌ربط شامل شهرداری‌ها، سازمان نظام مهندسی و نظام کاردانی، محور خدمات مهندسی بر مبنای سهمیه و امضا است، افزود: «این در حالی است که در متن آیین‌نامه و قانون حتی لفظ سهمیه یک بار هم عنوان نشده است.»

وی ادامه داد: «در مبحث دوم جدید، محور خدمات مهندسی از امضا و سهمیه جدا می‌شود و به مسئولیت بازمی‌گردد. هر مهندسی موظف است از این پس دو مدرک ارائه دهد. یکی تصویر پروانه اشتغال و دیگری

تصویر بیمه‌نامه مسئولیت حرفه‌ای، که نیاز اصلی جامعه و خواسته مهندسان است.»

وی خودکنترلی، واقعی کردن خدمات و کاهش امکان صوری‌گرایی و کاهش هزینه‌های کنترل و ساختمان را از راهبردهای اساسی در این راستا عنوان کرد و با اشاره به تفاوت‌های پیش نویس مبحث دوم با مبحث دوم فعلی گفت: «ارائه تعاریف جامع برای واژگان و اصلاحات کاربردی در نظام کنترل ساختمان، توسعه آیین‌نامه از محدوده ماده ۳۳ قانون به تمام مواد قانونی مرتبط و پیش‌بینی تهیه آیین کار کنترل، طراحی و بازرسی ساخت برای انجام کنترل طراحی و بازرسی ساخت، از جمله این تفاوت‌ها است.»

شیبانی اصل همچنین تفکیک مسئولیت‌های انتقال‌ناپذیر شهرداری در زمینه ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری از مسئولیت قابل انتقال آن در خصوص جنبه‌های فنی و مهندسی ساختمان با حفظ مسئولیت اداری را از دیگر تفاوت‌های مبحث جدید دانست و گفت: «مفهوم بازرسی الزامی از نظارت کارگاهی و اتلاق بازرسی به کنترل‌های مراجع قانونی تفکیک شده است که پیامد آن ارتقای کیفیت و تبیین دقیق مسئولیت‌ها است.»

این مسئول در عین حال تثبیت و پایدار کردن صلاحیت فنی، ظرفیت و مسئولیت برای شخص حقیقی و ایجاد امکان مشارکت در مسئولیت‌های مدنی برای شخص حقوقی را از دیگر تفاوت‌ها خواند و افزود: ایجاد پایگاه اطلاعات ساختمانی کشور برای نخستین بار و نیز تثبیت حقوق همسایگان و بهره برداران از ساختمان و علاقه مندان به مقررات ملی ساختمان و محیط زیست برای اعتراض به تصمیمات مغایر با منافع جمعی از دیگر مواردی است که در پیش نویس به آنها پرداخته شده است.

وی با بیان اینکه برخلاف نظر برخی افراد، سازمان‌های نظام مهندسی مطلقاً در این پیش نویس تضعیف نشده‌اند، گفت: «هدف ما پیشگیری از فعالیت افراد فاقد صلاحیت و



پیش بینی مجازات‌های انتظامی برای قصورهای عوامل طراحی، ساخت و یا کنترل است؛ ضمن اینکه ساختار سازمان نظام مهندسی برای امور اجرایی و گردش مالی میلیاردی در این نهاد تعریف نشده است.»

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به اینکه در بازنگری مبحث دوم مقررات ملی ساختمان به

دنبال آن هستیم که به جامعه مهندسی

مسئولیت تام بدهیم، گفت: «براین اساس، مهندسان در برابر سیکل معیوب درآمدزایی مدیریت شهری مسئول هستند.»

عباس آخوندی در همایش ملی تحول در فرایند ساخت و ساز ضمن بیان مطلب فوق تأکید کرد: «متأسفانه حدود ۷۰ درصد از منابع شهری از طریق فروش تراکم به دست می‌آید و برای مبارزه با این مشکل مهندسان باید در برابر چرخه معیوب مدیریت شهری قرار بگیرند.»

وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: «با توجه به تمرکز حدود ۴۰ درصد از سرمایه‌های ملی کشور در بخش صنعت ساختمان، بدیهی است که قانون باید بر بخش بسیار گسترده‌ای از سرمایه‌گذاری‌های ملی و مهندسی نظارت داشته باشد.»

وی با یادآوری این موضوع که در حال حاضر حدود ۲۵۰ هزار نفر از مهندسان در سراسر کشور، عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان هستند، گفت: «این امر بیان‌کننده آن است که بخش بزرگی از عرصه اشتغال دانش کشور در حوزه نظام مهندسی ساختمان متمرکز است.»

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به عقبه شکل‌گیری قانون نظام مهندسی ساختمان و با تأکید بر اینکه این قانون پیش از انقلاب تحت عنوان قانون نظام معماری شکل گرفته و پس از انقلاب نیز تداوم داشته است، خاطر نشان ساخت: «با توجه به تسلط دولت بر امر اقتصاد و دولتی بودن اقتصاد، نظم مهندسی براساس فعالیت‌های مهندسی شکل گرفت. در نتیجه، چنین امری نظام فنی-اجرایی به



عنوان خمیرمایه نظم مهندسی اولیه در ایران شکل گرفت.»

آخوندی ادامه داد: «با شکل‌گیری این روند فوراً مشخص شد که فعالیت‌های نظام مهندسی خارج از دایره نظام فنی-اجرایی قرار می‌گیرد. لذا نظام معماری ساختمان شکل گرفت و اولین تنسیق در بخش مهندسی در حوزه معماری و ساختمان در دهه ۵۰ ایجاد شد.»

وزیر راه و شهرسازی خاطر نشان ساخت: «با شکل‌گیری این دو نظام مختلف، از همان ابتدا این سوال ایجاد شد که آیا می‌توان امر مهندسی را با دو قانون مختلف یا اصطلاحاً با یک بام و دو هوا اجرایی کرد؟»

آخوندی با اشاره به اینکه با گذشت نیم قرن، هنوز به این سوال پاسخی داده نشده است، خاطر نشان ساخت: «متأسفانه هنوز دارای سیستم دوگانه ارائه خدمات مهندسی هستیم. این امر در حالی است که در زمان تصویب قانون نظام مهندسی تلاش شد این قانون به قانون یگانه‌ای در امر فعالیت‌های مهندسی تبدیل شود که به دلیل برخی مخالفت‌ها این امر امکان پذیر نشد.»

وزیر راه و شهرسازی حاکمیت دولت بر بازار مهندسی و نیز بی‌رغبتی مهندسان را دو عامل اصلی در ایجاد دوگانگی فعالیت‌های مهندسی ارزیابی کرد و گفت: «در آن زمان، دوگانگی فعالیت‌های مهندسی از سازگاری بیشتری با منافع مهندسان برخوردار بود و به همین دلیل، هیچ‌گونه تلاش و جنب و جوشی از بدنه نظام مهندسی برای یگانگی در این زمینه ایجاد نشد.»

آخوندی در ادامه، ایجاد یکپارچگی در فعالیت‌های مهندسی را تنها راه چاره‌گریز

از آشفتگی حاکم بر امر خدمات مهندسی دانست و گفت: «به نظر می‌رسد برای رفع دوگانگی در فعالیت‌های مهندسی لازم است نظام فنی-اجرایی کشور ارتباطی طولی با نظام مهندسی ساختمان برقرار کند.»

وزیر راه و شهرسازی، ضعف رسیدگی به تخلفات انتظامی را از دیگر معضلات موجود در عرصه خدمات مهندسی ارزیابی کرد و گفت:

«سازوکار فعلی به گونه‌ای است که اگر مهندسی در امر فعالیت‌های غیردولتی تخلف کند، سازمان نظام مهندسی در شورای انتظامی می‌تواند به آن رسیدگی کند؛ اما در رسیدگی به تخلفات مهندسی در پروژه‌های دولتی فاقد صلاحیت است. این امر بیان‌کننده ضرورت یکپارچه سازی نظام فنی-اجرایی در امر مهندسی است.»

آخوندی در ادامه به بازنگری مبحث دوم مقررات ملی ساختمان اشاره کرد و گفت: «مبحث فعلی دوم مقررات ملی ساختمان، گزته برداری ناقص و بدون توجه به فرایندهای بالادستی از نظام فنی-اجرایی است. در این آیین نامه تلاش شده مفهوم مشاور، پیمانکار و... بدون توجه به حجم پروژه‌های بخش خصوصی ودولتی دوباره بازنگری شود.»

وی این گزته برداری ناقص را سبب پیچیدگی فرایندها دانست و گفت: «اولین نقدی که بنده حدود هشت سال پیش به مبحث دوم وارد کردم، این بود که آیا مفهوم مشاوره با بازرسی یکی است یا خیر؟»

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به فرایند فعلی انتخاب مهندس ناظر تحت عنوان سیستم ارجاع کار گفت: «در حال حاضر، مهندسان ناظر را سازمان‌های نظام مهندسی انتخاب می‌کنند و حق الزحمه او را نیز مالک پرداخت می‌کند. سپس ناظر می‌بایست تخلفات را به شهرداری گزارش کند و ناظر عملاً بازرس شهرداری است.»

وی با معیوب خواندن این سیستم سه‌گانه گفت: «این فرایند معیوب قطعاً به نتیجه نمی‌رسد و برای رفع این مشکل لازم است امر

بازرسی از نظارت تفکیک شود و شهرداری به عنوان مرجع اصلی کنترل ساختمانی فعالیت کند.»

آخوندی ایجاد یکپارچگی در امر فعالیت‌های مهندسی را از دیگر ضرورت‌های تحول در خدمات مهندسی ارزیابی کرد و گفت: «علاوه بر این، ایجاد مسئولیت تام در حرفه، از مواردی است که در این بازنگری دیده شده است.»

وی گفت: «اگر مهندسی در پروسه ارائه خدمات مهندسی، شاهد تخلفات حوزه شهرداری بود، در برابر آن مسئول است؛ چراکه مهندس حق ندارد خدمات معیوب ارائه دهد و مسئولیت تام دارد.»

وزیر راه و شهرسازی تصریح کرد: «ما به دنبال آن هستیم که مهندسان در فرایند ارائه خدمات مهندسی مسئولیت تام داشته باشند و سازمان‌های نظام مهندسی و جامعه مهندسی، هر دو باید این امر را بپذیرند.»

آخوندی در ادامه از تصمیم خود برای تغییر گفتمان در جامعه مهندسی خبر داد و گفت: «متأسفانه در حال حاضر تأمین مالی مدیریت شهری بر مبنای چرخه معیوبی ایجاد شده است و حدود ۷۰ درصد از منابع شهری از طریق فروش تراکم به دست می‌آید.»

وی گفت: «بنابراین، برای مبارزه با این مشکل، مهندسان باید به عنوان حلقه واسطه ایفای نقش کنند و با توجه به تعریف مسئولیت تام حرفه‌ای برای این قشر، باید در برابر چرخه معیوب مدیریت شهری قرار بگیرند.»

وزیر راه و شهرسازی، جامعه مهندسی را پیش‌تاز عرصه اصلاحات اجتماعی دانست و گفت: «با توجه به این سابقه، مهندسان می‌توانند در این زمینه نیز عملکرد موفق‌تری داشته باشند.»

آخوندی همچنین با انتقاد از سیستم ارجاع کار نظارت گفت: «در بازنگری مبحث دوم به دنبال آن هستیم که واگذاری مسئولیت نظارت به شهرداری، تعریف مسئولیت تام برای مهندسان و آزادی انتخاب مهندس ناظر توسط مالک به صورت رقابتی اعمال شود.»

وزیر راه و شهرسازی درباره نحوه توزیع کار در

حوزه خدمات مهندسی تأکید کرد: «مالک حق دارد مهندس ناظر پروژه‌اش را انتخاب کند و این انتخاب آزاد سبب رقابتی شدن فعالیت‌های مهندسی می‌شود.»

وی با معیوب خواندن سیستم ارجاع کار نظارت و با تأکید بر اینکه این سیستم سبب صوری کاری و ایجاد امضافروشی شده است، گفت: «اصل حق انتخاب مهندس توسط مالک اصلی اولیه، ساده و بنیادین در حقوق مدنی است و در بازنگری این اصل مسلم دیده شده است.»

آخوندی همچنین با اشاره به اینکه در بازنگری مبحث دوم دولت به عنوان تنظیم کننده حقوق اجتماعی باید نگرانی گسترده‌ای داشته باشد، گفت: «باتوجه به این امر بدیهی، در بازنگری مبحث دوم مقررات ملی ساختمان به این اصل بها داده شده است و امر نظارت کلی را برای دولت قائل شده ایم.»

همزمان با برگزاری همایش ملی تحول در

فرایند ساخت و ساز سه پیل تخصصی با عنوان پیل نظارت و بازرسی، پیل پیمانکار کل، ساخت و اجرا و پیل وظایف و مسئولیت‌های نهادهای مرتبط با ساخت و ساز برگزار شد.

پیل نظارت و بازرسی با حضور مهندس هاشم‌زاده همایونی دبیر کل تشکل‌های مهندسی ساختمان و عضو جامعه مهندسان مشاور، مهندس بهرام غفاری، رئیس کمیته مبحث دوم مقررات ملی ساختمان، مهندس ابراهیم

دادسرشت، مدیرکل تدوین ضوابط و نظارت و صدور پروانه شهرداری تهران و مهندس نجیمی، مدیر کنترل و نظارت ساختمان شهرداری شیراز برگزار شد.

همچنین مهندس معاونی، معاون مدیرکل دفتر سازمان‌های نظام مهندسی و شکل‌های حرفه‌ای وزارت راه و شهرسازی، مهندس ایرج رهبر، رئیس پیشین انجمن انبوه سازان استان تهران و دکتر جواد عرفانیان، مشاور معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی و نیز مهندس هاشم‌زاده همایونی، دبیر کل تشکل‌های مهندسی ساختمان از اعضای شرکت‌کننده پیل پیمانکار کل و ساخت و اجرا بودند.

در همین حال پیل تخصصی وظایف و مسئولیت‌های نهادهای مرتبط با ساخت و ساز نیز با حضور مهندس محسن بهرام غفاری، رئیس کمیته مبحث دوم مقررات ملی ساختمان، مهندس حمیدرضا حاجوی، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت شهری سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها کشور، سید عباس ذاکری، عضو شورای مرکزی سازمان نظام کاردانی ساختمان کشور، مهندس مهندس روان شادنیا، عضو هیات مدیره نظام مهندسی ساختمان استان تهران، سید مجید نیک‌نژاد، بازرس کانون سراسری انبوه‌سازان کشور و مهندس هاشم‌زاده همایونی برگزار شد.

